

نقش و سرده



بهر و مردم

از اشعار وزارت فرهنگ و هنر

آبانماه ۱۳۷۵

دوره جدید - شماره چهل و نهم

در این شماره :

- ۴ در آستانه پنجمین سال
- ۴ کتاب تلویزی و کتاب تکوینی
- ۵ کتاب آرائی در ایران
- ۱۰ نظری اجسامی به وضع تألیف و طبع و نشر کتاب در ایران
- ۲۰ مشهورترین نسخهای خطی مصور ایران در سوزمهای جهان
- ۳۶ کتابهای چاپ قدیم در ایران و چاپ کتابهای فارسی در جهان
- ۳۷ جلدهای ایرانی
- ۳۶ نگاهی بتاریخچه تذهیب قرآن
- ۷۱ دسته گلی تقدیم به دوستداران کتاب
- ۶۱ نکتههایی درباره کتاب
- ۶۳ کتابخانه سیار
- ۶۵ آشنایی با چند اثر بدیع از هنرمندان جلساساز ایرانی
- ۶۹ فهرست کتابخانههای ایران

مدیر : دکتر آ. خداوندی
 سردبیر : عیانت‌الله خجسته
 طرح و تالیف : صادق بیرانی

نشریه اداره کل روابط فرهنگی

نشانی : خیابان حقوقی شماره ۱۸۳ تلفن ۷۱۰۵۷ و ۷۳۰۷۳

در استانه پنجمین سال

بازتاریان شماره پنجمین سال زندگی خود را آغاز میکنند. خدای ایسا سگزاریم که ما را در انجام خدمت خود
توفیق عیادت فرمود، اقبال بی نظیر توفیق را انبانی مردم شمارا بپسندیم که کام های ما را در این راه نستوارتر ساخته و از مقامات
فرهنگت بیشتر شکر بکنیم که با حمایت بدین نوع خود ما توان بخشیدند.

در آغاز پنجمین سال انتشار نگاه کنید که گذشته میگیریم سلسله کوشش است وقتی بایزده نگاه میکنیم چه رسید. کوششی پرثمر برای
آنچه دوازده سنه و امید یبر بخش برای کوشش پرثمر آینه ، که سید انیم آنچه بستیم کمال مطلوب نیست . باین جمله کوشش
کردن ا افتخاری باشد ما از این افتخاری بهره نموده ایم . چه خطه ای از تلاش ما بزیاستاد ایم : تلاش برای انکه برادر خود
و فادار بمانیم . بین مردم بنزد بنسرتان فاهم پیدا داریم ، رشته های علائق بنسری و فرنگی بین افراد بین دستحکم سازیم . و با
سطح فرهنگت بنزد کشور را حرف اساسی خود شماریم .

و اینست استانه پنجمین سال انبانی کن خود را بنظر گیری بگیری این تلاش تجدید میکنیم از شما بنسرتان که ما را در
را انبنا و بکام باشید زیرا که شما فقط خواننده بنسرتان نیستید بلکه شما را انبانی و توفیق خود آن ایمنوید بنسرتان کنید . و بدین سبب
باز از حق شناسی در حالیکه تقارن انتشار شماره چهل و نهم مجله را با برگزاری مراسم نفاذ کتاب انبالی میگیریم این شماره
که بدین مطالبی در باره کتاب انحصار یافته است به « شما » تقدیم میکنیم .

کتاب تدوینی و کتاب تکوینی

دکتر رضازاده شفق

از هفتدهای نیک سال برای کشور ما که فرهنگی ارزنده و دیرین دارد هفته کتابست. ایران از قدیمترین زمان دارای خط و کتاب بوده و بنا به هیچگاه عنوان بی کتاب و (امتی) نمیچسبیده است. دانشمندان ایران از قریب دوهزار و پانصد سال با عنطرف در علوم و ادبیات تألیفات بسیار موجود آورده‌اند و کتابخانه‌های بزرگ عالم اسلام و عالم مغرب زمین بر آن تألیفات و فهرستهای آنست.

موضوع تألیف و نشر کتاب با کمال خوشوقتی در زمان ما گسترش بزرگی پیدا کرده و در سی ده سال اخیر هزارها کتاب از تألیف و ترجمه بچاپ رسیده است. کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور در کار تأسیس است و کتابفروشیهای بزرگ و متمدن رونق می‌گیرد و مجلات گوناگون در هر موضوع انتشار می‌یابند.

این مطبوعات از نظر حجم و تعداد قابل مقایسه با هیچیک از ادوار گذشته نیست و بی‌شک می‌توان گفت در دردیعه نهضت‌های دیگر نهضتی عظیم در فرا آوردن کتاب در کشور ما بوجود آمده است که میتوان نکات ذیل را در آنجا بوجه تذکر بیان کرد:

۱ - توجهی خاص به کشف و تصحیح و چاپ نسخ خطی فارسی که سالها در گوشه و کنار و کتیبه کتابخانه‌ها و صندوقها مانده بود ابراز میشود.

۲ - طرز چاپ و دقت در تصحیح و سلیقه و نظم و روش انتقادی امتیاز خاصی بمطبوعات عصر ما می‌بخشد.

۳ - سبک فارسی تألیفات امروزی نویسندگان ورزیده و دانشمند بسیار روان و زیبا و روشن است و میتوان گفت شیوه‌ای شیرین و شیوا بوجود آمده است که بهترین سبک نویسندگی گذشتگان نمیتواند با آن برابری کند.

۴ - تنوع در موضوعهای علمی و ادبی نیز از هر حیث جاب‌نظر میکند و برای آوردن باین نکته کافیت شخص نظری به‌هرست‌های مراکز انتشارات مانند انتشارات دانشگاه و نشر کتاب بیندازد.

۵ - کار ترجمه از زبانهای خارجی بفارسی باندازه فوق تصور بالا گرفته و صدها شاید هزارها تألیفات علمی و ادبی خارجی بزبان فارسی نقل شده است و میشود.

خلاصه اینکه جنبش کتاب در زمان ما و در کشور ما بعد حیرت‌آوری افزایش یافته است و دیدنیست بهمان نسبت افزایش کتاب شماره خوانندگان هم سرعت تمام در فزونی است و توسعه دستگاه آموزش و پرورش و انتشارات و تبلیغات مخصوصاً نهضت مبارزه با بیسوادی علاقه به کتابخوانی را روز بروز بیشتر می‌سازد و این فیض اجتماعی همواره دامنه‌دارتر میشود.

اگر در اینموقع بخواهم آرزویی را همراه این مقال سازم اینست که کتاب و کتابخوانی هم مانند سایر شئون اجتماعی ممکنست شایعی داشته باشد و ما راست زمین توسعه این موضوع در عین استفاده از محاسن آن تا توانیم از سیئات آن به برهیزیم که برای نمونه میتوان این دوسه نکته را یادآوری کرد:

۱ - برخی کتابها نه از نظر لفظ نه از نظر معنی مناسب فرهنگ و ادب ملی ما نیست

اکاذیب یا تولید نفاق و بدبینی و نظایر آن .

۲ - برخی تألیفات در واقع تألیف نیست بلکه سرقت و انتحال است که نشر کنندگان میوه زحمت دیگران را میچینند و تمییرانی میدهند و بنام خود منتشر میسازند و این عمل حیانت و ناسیاسی را تشویق میکند و وفا و صفا و اعتماد را از بین میرند .

۳ - بعضی ناشرین کتاب تألیفات دیگران را بی تأمل و دریغ و بدون جلب رضای مؤلف یا بازماندگانش بی باکانه تجدید طبع و نشر میکنند .

۴ - برای ترجمه ارزانیهای خارجی سه شرط انسانی هست یکی وارد شدن در موهوب و دومی وقوف کامل بزبان ملی و سومی وقوف کامل بزبان خارجی . افسوس در مواردی بدین رعایت این شرایط افرادی گستاخ بر ترجمه و نشر میبردازند که اسباب نهایت تأسف است .

ایکاش بیشتر از اولیای آموزش و پرورش خود مردم و نویسندگان و ناشرین باینگونه معایب پی بریند و تا بتوانند خود از بد بیزهینند و روا ندارند صحایف سفید با سیاهیها و بلیدنها تسویه گردد که آنچنان سواد نباشد بهتر است .

در پایان سخن باید بگویم نوشته و کتاب در تاریخ بشر سابقه متمادی ندارد و چیزی است تازه . اولین خط و نوشتن در سرزمینهایی مانند (سومر) بوجود آمده که حداکثر از شهرار سال نمیگذرد . در صورتیکه دانشمندان عمر عمر گذشته بشر را صد هزارها بلکه میلیونها سال میداند پس اگر بالفرض از عمر بشر يك میلیون سال میگذرد در تمام این مدت غیر از قریب شهرار سال اخیر بی خط و بی کتاب زندگی میکرده است و نتیجهای که ازین حقیقت بدست میآید اینست که آنچه آدمی را زنده و پاینده نگه میدارد اخلاق است نه علم تنها !

علم چندانکه بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی !

تنها کتاب که محتویات آنرا طوطی وار فراگیریم حتی آن محفوظات را وسیله تظاهر و غرور سازیم کافی نیست و زیانبخش است . در قرآن کریم آن دسته از یهود که احکام دینی را میخواندند و حفظ و روایت میکردند ولی در زندگی ایمان و دل و وفا و مروت نداشتند به خراهایی تشبیه شده اند که کتابهایی بر آنها بار شده . سندی در ترجمه آن آیه وافی هدایه است که فرمود :
نه محقق بود نه دانشمند جار یایی بسر او کتابی چند

این اصل در باب کلیه اقوام و ملل صدق میکند . امروز صد میلیونها کتاب و مجله در سراسر جهان گسترش دارد ، صد هزارها آموزشگاه در کار تدریس و تعلیم است در ممالک بیسوادی بکلی ریشه کن شده ، دانشمندان نامی سرگرم تحقیق و تدقیق هستند تشریفات مادی بمرحله محیر العقول رسیده و انسان میکوشد با نالاک دست یابد ولی در چنین جهان علمی و صنعتی زندگانی آدمی بر ارغم و درد و وحشت و بیم است . خودپرستی و تجاوز و فساد صحنه جهان را فرا گرفته جنایات بی حساب که تصور آن دلها را میلرزاند بر زندگی بشر که ممکن بود شاد و فرخنده شود سایه افکنده و از همه فحیح تر کابوس يك جنگ جهان ویران کن همه جا را گرفته و همه ساکنین این کره خاکی را آشفته و پریشان و نگران ساخته !

پس کتاب تنها ، کتاب حفظی ، کتابی که تنها در مغز تأثیر کند و بدلها راه نیابد برای حیات اجتماعی کافی نیست . علم با عمل و آموزش بشرط پرورش و نشر کتاب با بسط قریبت و دانش با بیش ، و ظاهر توأم با باطن میتواند ملتها را بسعادت راهنمایی کند .

در نتیجه این مختصر توضیح میتوان گفت کتاب تدوینی که مطالبی ارزنده داشته باشد خوبت و لازم ولی کتاب تکوینی نیز که قلب آدمی و صحایف آفرینش و عواطف انسانی و معانی آسمانی در آن مندرج است باید با دیده بیش و بصیرت روحانی خواننده شود که بدون این سودی از آن بدست نخواهد آمد . امیداست ملت ایران و ملل جهان در ردیف کتاب تدوینی کتاب تکوینی را هم بخوانند و توأم با علوم ظاهری علوم باطنی را هم فراگیرند و ارتباط دانش را با بیش و علم را با اخلاق و خود را با خدا در بایند تا شاد کام و کامیاب گردند .

کتاب آرائی در ایران

اکبر تجویبی

میسائیم که ایرانیان با آرایش کتاب دلبستگی فراوان داشته‌اند. ولی از آنجا که پوست یا کاغذ که نقش بر روی آنها پدید می‌گیرند از احتیاسی است که در مقابل حیوانات پانداری کمتری دارد نمونه‌های باستانی این هنر بسیار کمیاب است. بید و موربانه و دیگر حشرات و آتش و عوامل دیگر همیشه کتاب و دفتر و نامه‌ها را تهدید می‌کند. از سوی دیگر از زمانی که تازیان بر ایران مستولی شدند کوشش بسیار در نابود ساختن کتابها و کتابخانه‌های ایران نمودند.

بدون شك هنگامیکه در سال سیمندوهشتادونه هجری قمری کتابخانه باشکوه سامانیان دستخوش آتش‌سوزی شد بسیاری از کتابهای مسمورو گرانهای ایران در آن سوخته‌است. همچنین هنگامیکه کتابخانه آزبویه در ری بدست سلطان محمود غزنوی ویران گشت انبوهی از کتابهای گرانهای باستانی ایران از میان رفت. ولی همه این ویرانیا و آتش‌سوزی کتابخانه‌ها در برابر تاراج مغولان ناچیز می‌نماید.

استخری که در قرن سوم هجری میزیسته در نوشته‌های خویش از سالنامه‌های یاد میکند که از زمان شاهنشاهان ایران باستان بیادگار مانده بوده و تک‌چهره آن شاهنشاهان را دربر داشته است. استخری که چشم خویش این کتاب را دیده یادداشت کرده است که سالنامه مزبور در قلمه‌های واقع در ایالت جبار نزدیک یکی از مشهورترین آتشگاههای آذربایجان نگاهداری میشده است. میدانیم که هر يك از شاهان ساسانی هنگام تاجگذاری بزیارت این آتشگاه می‌آمدند و هنگامیکه استخری میزیسته این آتشگاه همچنان دائر بوده و آتش مقدس در آن نگاهداری میشده است. همچنین مسمودی از کتابی همانند سالنامه بالا یاد کرده است که متعلق بیک خانواده نامدار ایرانی شهر استخر بوده. این کتاب شامل سرگذشت شاهان ایران بوده و نام ساختمانهایی که هر يك از آنان بر پا کرده بودند همچنین چهره یکایک آنان بالباس و تاج مخصوص در آن نگاشته بوده است.

کتاب دیگری از این نوع که تاریخ نام آنرا ضبط کرده است نسخه‌ای است که بظلا و جواهرات (لابد جاسان) و زری مزین بوده و در خانه اقسین سردار خلیفه عباسی المعتصم نگاهداری میشده و همین کتاب است که در محاکمه‌ای که دشمنانش بر علیه وی ترتیب دادند سندی برای محکوم ساختنش گردید و بهمان جهت زندان رفت (ظاهرأ در این کتاب مطالب مربوط به آئین زردشتی همراه با تصاویر نگاشته بوده است). آنچه از مطالب بالا بر می‌آید آنست که هنگام تسلط عربها

۱ - در تظلم این سفور از کتاب « بررسی هنر ایران » جلد سوم مقاله‌های « کتاب آرائی » از (Sir Thomas Arnsack) و در رابطه‌های هر مانویان با هنر ایرانی از (Ugo Monneret de Villard)

در همچنین در پیچ مینیاتور و طراحی از (Ernst Kühnel) بهره‌گیری شده است.

A survey of Persian Arts 6 Vol., London and New York, Oxford University Press 1936.

برایران باآنکه اعتقادات آنان باهرهای تصویربر و آرایشی چندان سازگاری نداشت. مظاهر گوناگون هنری و ازجمله کتابهای مصور مکیاره باوجود نگشت و تا قرنهای درشهرستانهای گوناگون ایران گروه بیتاماری دین نیاکان خود رستهای باستانی خویش را محفوظ داشتند و هر چند کم مردم ایران به آئین اسلام گرویدند تا سالیان دراز رسم و آئین کهن را بر حسب عادت رعایت میکردند و ازجمله در نگاهداری کتابهای گرانها و آرایشی شده کوشا بودند تا آنجا که پاره‌ای از ایرانیان باوجود رسیدن مقامات عالی در دستگاه خلفا همچنان در بنهانی نگاهداری مظاهر تمدن کهن خویش مهر می‌ورزیدند که از آنجمله باید خانواده برمکیان را نام بریم. میدانیم که خانواده برمکیان در دربار خلفای عباسی مقامی والا داشتند و تا سال ۱۸۸ هجری قمری که هارون الرشید با ستمهای بسیار آنان را ناروهار ساخت همواره مقامات عالی با آنها سپرده میشد. میگویند نیای بزرگ آنان برمک یکی از پاسداران آتش در معدن بلخ بوده است. شاید بتوان اظهار عقیده کرد که هنرمندان دورانهای اسلامی هنگام مصور کردن کتابهای خود و بطور کلی در فن نقاشی از آثاری که در خانه بزرگان ایرانی یافت میشد از همان آغاز قرون اولیه هجری الهام میگرفته‌اند. مقایسه پاره‌ای از نقاشیهای آغاز اسلام با کهنه‌گریهای ساسانیان بر دامن کوهها عقیده بالا را استوارتر میسازد. همین منابع الهام در دورانهای بعدی زمینه پیدایش هنر کتاب آرائی ایرانی عصر مغل را بنیاد گذاشته است. بسوان مثال هنگامیکه محتضهای حجاری طاق بستان را بنحاضر آوریم و ویژگیه نقش‌های شکارگاه آنرا از جهت طراحی و همگناری با نقاشی‌های دوران مغل و تیموریان مقایسه کنیم باسانی درمییابیم که سنت‌های گذشته تا چه اندازه در پدید کردن شیوه‌های آنروزگار مؤثر بوده است. همچنین اگر محتضهای شکار کتابهای دوران صفویان را بررسی کنیم پاره‌ای اوقات چنان شباهتی میان آنها و سنگبری‌های ساسانی و ظروف نقره آن عصر مشاهده می‌کنیم که گویی نقاش این مینیاتورها همان‌کنه‌گر دوران ساسانیان بوده‌است. درباره‌ای از این تصویرها هنگامی هم که هنرمند خواسته است پادشاه زمان خود را در حال سواری و یا جلوس بر تخت بنمایاند آنچنان از هنر دورانهای پیشین متأثر بوده که چه‌بیا وی را در لباس شاهان باستانی و پادخت و سربر روزگاران کهن نگاشته است.

نام مانی پیامبر ایرانی آنچنان با هنر نقاشی پیوسته‌است که ممکن نیست در گفتاری درباره هنر کتاب آرائی ایرانی از یادآوری نام وی خودداری کرد. باآنکه در این زمینه سخنان گوناگون گفته شده ولی بهر حال ادبیات و اشعار فارسی همصفا نام هر نگارگر چیرهدست را با نام مانی مترادف آورده و واژه نگارخانه مانی بجای کاخهای پرزینت و باشکوه بکار رفته‌است. از این رو باچار درباره هنر نقاشی مانویان بنا بر آنچه از سنت گذشتگان برمیآید گفتاری می‌آوریم. باید

۱ - معلوم نیست واقعا دین اسلام با تصویرسازی مخالفتی نموده و یا آنرا تحریم کرده باشد. در قرآن کریم تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد هرگز این مطلب عنوان نشده و در احادیث موفقی نیز ذکری از آن نرفته است. هنگامیکه طریان به مدائن آمدند خبرین خطاب در زیر طاق بزرگ ایوان کسری نماز جماعت برپا کرد و میدانیم که طاق این ایوان عظیم مزین به نقاشیهای باشکوه زیاد بوده و از جمله فتح اطاکیه بدست انوشیروان بر آن نقش بوده است. با توجه به وسواسی که عمر لااقل در حفظ طواهر شریعت از خود نشان میداد چنانچه از طرف پیغمبر اکرم (ص) در این زمینه نکته‌ای عنوان شده بود بمید نظر میرسد که عمر پیش از اقدام به پاک کردن تعدادی زیر آن دستور تشکیل نماز جماعت داده باشد. بنظر میرسد که مخالفت با تصویرسازی بیشتر بمشغور محو آثار مانوی که حریفه بر سخت سایر اعیان بود در دوره‌های بعد از طرف افراد متعصب شروع شده باشد. پیدایش یک جنبش مخالف با تصویر در امپراطوری مسیحی رم مقارن با قرن دوم هجری نیز ممکنست با موضوع بالا مربوط باشد.

یادآوری دادیم که از هنگامیکه هنر نقاشی کتاب میان مسیحیان رایج شد این هنر کم و بیش با نقاشی ایرانی را از یاد کرد و هر مردمان دو گروه متقابلاً از یکدیگر بهره گرفتند. بویژه هنر کتاب آرائی نزد نسطوربان ایران رواج بسیار داشته و بوسیله آنان هم به باگترش دیانت مسیح تا دورترین نقاط ترکستان رواج یافته است و در این سیر توسعه خود با هنر نقاشی مانویان پیوستگی پیدا کرده است.

کتابه یادگامانی برای انسان ساختن فهم فلسفه بسیار مشکل آفرین خود مفاهیم مجرد آیینها بوسیله طرحها و رنگها نقش میکرده و باین ترتیب حکمت ماوراءالطبیعه دین خویش را بیان می نمود. داین ترتیب احتمالاً بیشتر نقاشیهای مانوی بشیوه انتزاعی بوده و بوسیله تارک و روشنیها و بویژه رنگهای طلایی مبارزه نور و تاریکی را نمایش میداده است. همانطور که میدانیم دین مانوی در آغاز سرعت همحاکم شد و بیرون از مرزهای ایران نیز طرفداران فراوان یافت ولی دیری نگذشت که این آئین بسختی مورد دشمنی موبدان قرار گرفت و در زمان سلطنت بهرام اول با عوای آنان بزرگی مانوی پایان داده شد. از آن پس نیز بیرون دین وی در ایران بوسیله موبدان زرتشتی و در خارج از ایران بوسیله امپراطوران مسیحی روم بسختی مورد آزار قرار داشتند. در آغاز رواج دین مبین اسلام مانویان تا مدتی از آزادی نسبی برخوردار بودند ولی دیری نپایید که خلفای عباسی سهم خود در صدمه برجیدن آئین آنان برآمدند و هر جا کتابهای آنان را یافتند آنرا طعمه حریق ساختند. باید یادآوری کرد که ممکنست پاره ای مخالفتهای مسلمانان ببن نقاشی تا اندازه ای با مبارزه آنان برای از میان برداشتن سنتهای دین مانوی مربوط باشد. بدنبال این وقایع گروهی از مانویان بسوی سرزمینهای شرقی و شمال خاوری ایران روی آوردند و بزودی در آن بخشها آئین خود را گسترش دادند و بسیاری از مردم آن سرزمینها و از جمله سران ایغوری ترکستان را بدین خود آوردند. با اینهمه باید بخاطر داشت که سنت کتاب آرائی مانویان بکلی در داخل ایران بدست فراموشی سپرده شده و همین هنر بعدها در پیدایش مکاتب گوناگون مینیاتورسازی اثر فراوان گذاشت. این مطلب از شباهتی که میان چند قطعه نقاشی مانوی که در ترکستان بدست آمده و پاره ای از تصاویر کتابهای عصر مأمول وجود دارد بخوبی روشن میگردد. مطالعه این نقاشیها پاره ای مسائل مربوط به مینیاتور ایرانی و گرایش آنرا بشیوه های نقاشی خاور دور روشن میسازد. با در نظر گرفتن این قطعه ها و دیگر روایتیها که از نقاشیهای مانوی و پیر وانش بجای مانده باید بخاطر آورد که همه نقاشیهای مانوی آنچنانکه در بالا یاد کردیم بشیوه غیر تصویری و انتزاعی نبوده بلکه در بسیاری از آنها هیكل آدمی و گلها و گیاهان نیز سرمشق هنر مند بوده است. شایسته که میان گل و بوته های منقوش بر این مینیاتورها و آنچه در کتاب شافع الحيوان که از قرن هفتم هجری است وجود دارد بطور وضوح رابطه میان این دو مکتب از هنر کتاب آرائی را میرساند. در صورتیکه هنگام مقایسه این فن با آنچه در مغرب زمین برای آرایش انجیل بکاررفته و از جمله در تزیینات گرد آورده های سروده های مذهبی (Psautier) سرمشق هنر مند بوده است چندان رابطه ای مشهود نیسیرد.

بسیار تصاویر کتابهای مانویان باید از قرآنها مزین که از قرون اولیه هجری رایج گشته یاد کرد. تزیینات این قرآنها که بخط کوفی نوشته شده بیشتر منحصر بنقشهای هندسی ساده است که همین نقشها در دوره های بعد روی کمال رفته و با الهام گیری از شیوه گل و برگ سازی ساسانی فن تذهیب را پیدا آورده است. درباره کتابهای منصور در ایران باید یاد آور شد که پس از آنچه از مانویان بجای مانده قدیم ترین نمونه های شناخته شده این فن از قرون ششم و هفتم هجری فراتر نرسد. تصاویر کتابهای این اوقات را معمولاً بسو مکتب نقاشی بغداد و سلجوقی نسبت

میدهند. باره‌ای از نقاشیهای مکتب بغدادگاهی با هنر بیزانس ارتباط دارد و فرق شده آن با مکتب سلجوقی است که در سبک بسیاری آنچنانکه از نقوش کتاب مقامات حریری برمیآید تماور بمغولاً روی متن کاغذ بی‌آنکه زمینه را رنگ آمیزی کرده باشند ساخته شده‌اند در صورتیکه در شیوه سلجوقی که نمونه آنرا باید در کتاب سبک عیار جستجو کرد نقشها و تزئینات بر روی متن رنگ آمیزی شده پدیدگشته‌اند. چهره‌ها و دیگر عوامل متشکله تماور کتاب فوق از هر جهت با سفالهای لمبادار قرنهای ششم و هفتم ری و ساوه بستگی دارد. از قرن هشتم به بعد شیوه‌ای در کتاب آرائی ایرانی رائج شد که آنرا مکتب ایلخانیان نامیده‌اند. از این دوره کتابهای مغول بسیار از جمله نسخ گوناگون از جامع التواریخ و شاهنامه بجای مانده. این آثار چون در زمان سلطه مغول پدیدگشته‌اند و از آنجا که در آن روزگار چین نیز جزء امپراطوری مغول به حساب می‌آمد و در نتیجه رابطه میان ایران و چین بعلم نبودن مرز سیاسی بیش از هر زمان دیگر افزایش یافته بوده است از این نظر آثار این دوره از باره‌ای جهات بیش از دورانه‌ای پیش با هنر تصویری خاور دور پیوند دارد. اینکه میگویند این شیوه نقاشی منحصر آید از هجوم مغول در ایران رائج شد صحیح بنظر نمیرسد چه ساختن چهره‌های گرد و چشمان کشیده باهامی و آنچه ظاهراً خصوصیات چهره مغولی و ترک و چینی را دارد پیش از هجوم مغول نیز در نقاشی ایرانی رائج بوده و بطور کلی ادبیات فارسی اینگونه چهره‌ها را مظهر زیبایی میدانسته است و صورت ترکان زیباروی چنگیز از پرباز مورد ستایش شاعران با ذوق ایرانی بوده است و از آنجا که نقاشان ایرانی پیوسته از هنر فارسی الهام میگرفته‌اند ساختن اینگونه صورتها از آغاز ترد آنان معمول بوده است. در بسیاری از آثار سفالی لمبادار پیش از عصر مغول نیز همین شیوه را مشاهده می‌کنیم.

مقارن همین ایام در نواحی غربی و شمالی ایران که زیر نفوذ آل جلال بر قرار داشت شیوه‌ای در کتاب آرائی پیدا شد که در بسیاری جهات با مکتب ایلخانی تفاوت داشت و شیوه باستانی ایرانی نزدیکتر بود. برجسته‌ترین هنرمند این مکتب جنید نقاش است. آثار وی از هر جهت الهام‌دهنده مکتب نقاشی تیموری بشمار میرود. منظره‌های خورنق و سنت فراتر برین نوك درختان و كوچها و ساختمانها را از چهارچوبه خط‌کشی دور تصویر باید از این زمان دانست.

میگویند تیمور بهتر نقاشی و کتاب آرائی دلستگی داشت و بویژه شیوه نقاشی ماویان علاقه نشان میداد. از دوره وی آثار بسیاری بجای مانده که يك بخش آن در سمرقند بوجود آمده است. در روزگار او هنر کتاب آرائی در تبریز و بویژه در شیراز و هرات رواج بسیار یافت از این میان شیوه شیراز را باید زنده‌کننده مستقیم سنت‌های نقاشی کهن ایرانی شمار آورد. از میان کتابهای بسیار نفیس عصر دوره تیموری باید شاهنامه بایسنقری را نام برد. این کتاب بکتابخانه سلطنتی گلستان تعلق دارد و از نفیس‌ترین مجموعه‌های نقاشی ایران است.

نام آورترین هنرمند دوره تیموری کمال‌الدین بهزاد است که او را علل بشمارای صاحب مکتب دانسته‌اند و پس از وی شیوه او را قاسم‌علی دنبال کرده است. هنگامیکه شاه اسماعیل صفوی هرات را گنبد بهزاد هنوز در قید زندگی بود. شاه اسماعیل او را گرامی داشت و با خود به تبریز برد و ریاست کتابخانه سلطنتی را بوی سپرد. در این دوره و سالهای پس از آن شاگردان و همکاران نامی بهزاد عبارت بودند از شیخ زاده، خواججه عبدالعزیز، آقامیرک، سلمان محمد، میر سید علی، مظفر علی که از آنان آثار گرانبهائی از جمله نقاشیهای بسیار نفیس متعلق بیک حومه نظامی که اکنون در موزه بریتانیا است بجای مانده است. از خصوصیات آثار این دوران و بویژه کارهای کمال‌الدین بهزاد احساس عمیقی است که هنرمند از زندگی داشته و موفق شده است به بهترین وجهی این دریافت

را تصویر کند. گرچه حالت‌های چهره‌ها و اندامهای گوناگون بر مبنای علم کالبدشناسی نقاشی نشده ولی آنچه مهم است آنکه کیفیت روانی افراد در حالت‌های گوناگون بصورت نشانه‌ای بخوبی نمایانده شده است. در هر يك از این نقاشیها هنرمند با توجه به صحنه مورد نظر خویش جهانی مستقل آفریده. اسب که در آن مریمان و درختان و کوهها و دیگر اجزاء نقاشی بهمان جهان پیونده دارند و بطور حلاصه هنرمند بهترین وجهی دریافت خود را از طبیعت با توجه به مفهومی که اندیشه وی بدان می‌افزاید ترسیم کرده است. باین ترتیب هنرمند نگارگر بجای آنکه آنچه را می‌بیند بهمان طریق شکار بدنیال نقاشی جهان اندیشه خود رفته است و اگر می‌گوئیم در کارهای این استادان واقعیت زندگی نقاشی شده است منظور آن واقعیت عینی که با حواس خود درمی‌یابیم نیست بلکه واقعیت مضمرویهایی بیشتر مورد توجه هنرمند این دوره بوده است و نقاش این جهان را ناچار بوسیله رنگها و خطوط و نشانیها بیان کرده است و چون بانوسل بشیوه خاص نقاشی ایرانی از نمایانن سایه و روشنها و دور و نزدیکها برکنار بوده موفق گشته عالی‌ترین هماهنگیهای رنگی را بشیوه‌تزیینی پدیدکند. مکتب کتاب‌آرایی آغاز دوران صفوی دنباله همان شیوه هرات یا خراسانی است ولی از هنگامیکه با بنیخت از تبریز فزوین و سپس باصفهان انتقال یافت تا گیهایی در فن نقاشی و در نتیجه در فن کتاب‌آرایی پدیدگشت. زبده‌ترین نقاش این دوران رضا عباسی است که این هنر را بسوی سادگی سوق داد و بجای ریزدکاریهای دورانیهای پیش بنگارش اصول حرکات پرداخت و سپس شیوه وی را شاگردش معین مصور دنبال کرد. در این دوره بجز نقاشی کتاب آثار دیگری بصورت قطعه و مرقع بسیار پدیدگشته است. پاره‌ای کارهای رضا عباسی در زمره عالی‌ترین آثار هنری جهان بشمار میرود. در سیاه‌قلم‌هایی که با سرعت تمام بصورت مشق «اسکس» نگاشته است چنان استادی و مهارتی بکار رفته که نظیر آنرا حتی در کارهای استادانی چون داوینچی و میکلاچی نیز سراغ نداریم. بویژه آنچه که با یک گردش قلم تمام خصوصیات ساختمانی يك اندام را مجسم کرده آنچنان قلم وی چرخشها و حرکات را خوب نگاشته است که در دورانیهای پس از وی استادان زبردست هرگز نتوانسته‌اند حتی کار او را تقلید کنند و بهین علت هنرشناسان هراتی را که بشیوه رضا عباسی ساخته شده باشد ولی قلم خود استاد نباشد بزودی تمیز میدهند هر چند تقلیدکننده یا دیگری نام و امضای رسای عباسی را پای آن کار گذاشته باشد.

پس از معین مصور باید از شیخ عباسی که پسر رخسای عباسی سابق‌الذکر است و همچنین از محسن زمان که کوشیده است شیوه تازه‌ای در نقاشی پدیدکند نام برد. همچنین در دورانیهای بعد هنرمندان بسیاری بنصویر و تزیین کتاها پرداخته‌اند که باید از آن جمله از صنع الملک نام ببریم. وی کتاب هزارویکشب را تصاویر زیاد و زیبایی آراسته است.

کتابهای مصور ایرانی از جمله عالی‌ترین شاهکارهای هنری جهان بشمار میرود و امروزه کتابخانه‌های کشورهای و همچنین دیگر کتابخانه‌ها و موزه‌های سراسر جهان با این آثار زیب و زیور یافته‌اند. ذوق سرشار ایرانی که از دیرباز در زمینه‌های هنری یگانه بوده است همراه با دلبستگی فراوان مردم سرزمین ما بفرهنگ و ادب این هر دو پدیدده ذوق و دانش را در کتابهای زیبای مصور یکنه گرد آورده است. این دوستان و هنر پژوهان با مدار ایرانی عالی‌ترین حقائق هنر خود را آن لحظاتی می‌باشند که روان خویش را با مطالعه آثار فرهنگی و ادبی سراسر سازند و در همان حال از دین عالیشان مظاهر هنری که بصورت تزیین و تذهیب بر کتابها نگاشته بوده است لذتی روحی برند و بهین جهت این همه کتابهای نفیس مرین در طول تاریخ فرهنگ و هنر ایران پدیدگشته و پدیدگار مانده است.

نظری اجمالی به وضع تالیف و طبع و نشر کتاب در ایران

محمدجعفر عجبپور

امروز درمیهن عزیز ما تغییرات و تحولات شدیدی جریان دارد که ما مردم این عصر، چون روزانه در جریان آن قرار داریم، به درستی نمی‌توانیم از کم و کیف آن آگاه شویم و آن را چنان که هست، ارزیابی کنیم. درست مانند پسر یا دختر جوانی که بانی درآستانهٔ بلوغ می‌نهد. در کالبد چنین موجودی تغییرات و تحولات عظیم رخ می‌دهد، به نحوی که سر بلوغ را از نظر زیست‌شناسی «سن بحران» می‌نامند. اما خود آن کس که در معرض این تغییر و تحول شگرف قرار گرفته است، چون هر لحظه از عمر خویش را با لحظه قبل، و هر روز از آن را با روز پیش می‌سنجد. به درستی از آنچه در کارخانهٔ عظیم وجود او در حال رخ دادن است، آگاهی نمی‌تواند یافت. اما آنان که در خارج از وجود او، نمودهای این تغییر را مشاهده می‌کنند، نیک درمی‌یابند که کودکی، پای را از آستانهٔ کودکی فراتر نهاده و لحظه به لحظه و روز به روز، به مرزهای جوانی، و تکامل قوای بدنی نزدیک می‌شود.

تحلیل و بررسی آثار این تحول بزرگ، در حوصلهٔ این گفتار مختصر نیست. و در این مقام و این مقال، فقط یک نمود بسیار کوچک و یک جنبهٔ نسیهٔ فرعی این دگرگونی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. و آن تمییز و تطوری است که در وضع کتاب به معنی خاص (و نه در تمام مطبوعات) رخ داده است.

مردم ایران، به عللی که اکنون مجال ذکر آن نیست، بسیاری از مراحل تبدیل و تحول وضع کتاب را درک نکردند، و در جریان آن فرار نکردند. اختراع چاپ یکی از نقطه‌های عطف دگرگونی و تحولی عظیم در فرهنگ و دانش بشری بود، اما این دگرگونی بزرگ، چنان که بایست، درمیهن ما انعکاس نیافت، و مردم ایران فرنها بس از اختراع این صنعت عظیم در وضع دانش بشری توانستند از آن بهره‌مند شوند. با این حال، یک مرتبه پس از رواج فن چاپ در ایران (که در نیمهٔ قرن سیزدهم هجری در ایران رونق گرفت) تغییری عظیم در وضع علوم و معارف پدید آمد: کتاب از صورت یک کالای تجملی و گران‌بها بیرون آمد، و نسخه‌های متعدد و زیبا از کتاب‌هایی که طالبان علم با گریز بودند برای استنساخ آن رنج فراوان بر خود هموار کنند، یا آن را به نهایی گران و به صورتی ناساز و پوی اندام و مملو از غلط، پس از تلاش‌ها و جستجوهای فراوان به دست آورند، با بهایی نازل در اختیار ایشان قرار گرفت.

فن چاپ ظاهر در دورهٔ سلطنت محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰ ه. ق.) در ایران رونق یافت (منظور رواج این فن است نه تاریخ تأسیس نخستین مطبعه در ایران که شاید قدیم‌تر از این روزگار باشد) و در عصر پنجاه سالهٔ سلطنت ناصرالدین‌شاه کتاب‌های فراوان، به اسلوبی پشیمیده و مصورتی زیبا به طبع رسید، بدان حد که امروز ایرانیان می‌توانند به مظاهر و آثار این صنعت جوان در ایران، برخورد ببالند و کتاب‌هایی را که در آن عصر، با آن وسایل ابتدایی، با بهترین خط و به ظریف‌ترین صورت طبع شده و انتشار یافته است سند افتخار و کارنامهٔ لیاقت

هنر و مردم

و ظرافت طبع ایرانیان در شمار آورند .

باز چون منظور اصلی ما گفتگو درباره وضع کتاب در سالهای اخیر است از بسط کلام در این موضوع نیز می گذریم و به نقطه عطفی دیگر، در تاریخ کتاب و کتاب خوانان در ایران اشاره می کنیم : انقلاب مشروطیت ، به مرقع خود ، در کار کتاب ، از نظر کمی ، و مخصوصاً از نظر کیفی تحولی عظیم پدید آورد . البته بار منظور ما تاریخ صدور فرمان مشروطیت نیست ، بلکه مراد ما انتشار و شیوع افکار آزاد بخواننده در بین طبقات مختلف مردم ، و پی بردن ایشان به حقوق اساسی خویش است . این نکته بسیار جالب است که پیش از صدور فرمان مشروطیت ، ریس از استبداد صغیر ، کتاب سیاحتنامه ابراهیم بیگ ، که نعتها طبع آن در ایران به شدت از طرف دولت ممانعت می شد ، بلکه دارندگان و خوانندگان و فروشندگان و خریداران آن نیز به کیفرهای سخت گرفتار می آمدند . ناگزیر در خارج از ایران به طبع می رسید ، و هزاران نسخه از آن ، در تحت نظارت و علی رعب تمام مراقبت های مأموران غلیظ و شنید دولت استبدادی ، لابد از بازارهای پارچه و شکستی و سایر کالاهای صادراتی ، از نظر تیزبین گمرک چنان پنهان می ماند و وارد ایران می شد دست به دست می گشت و هر یک نسخه از آن مورد مطالعه دهها تن از شوقیان آزادی و عدالت قرار می گرفت ، با آن که در آن روزگار تیره در برابر هر صد تن باسواک امروز ، حتی یک تن باسواک و درس خوانده در شهرهای بزرگ و مراکز ایالت های ایران نیز وجود نداشت . تا به قصبه ها و بلوک ها و روستاهای دور افتاده چه رسد !

این شور و اشتیاق مردم موجب شد که مطبوعات و کتاب در آن روزگار بازاری گرم بیاید : و کتاب هایی که مردم را به حقوق خود آشنا می ساخت به هر طریق و با هر وسیله که هست به دست ایشان می رسید . در آن روزگار است که وقتی مرحوم عبدالله مستوفی ، فارغ التحصیل نخستین دوره مدرسه سیاسی در سفارت ایران در پترزبورگ ، به خدمتگاری دولت استبدادی اشتغال داشت ، به محض آن که خبر صدور فرمان مشروطیت را می شنود ، در عنوان جوانی و فضل عیش و عشرت و کامرانی ، همه کارها را به یک سو می نهید ، و چون از عهد معنود ایرانیان روشنفکر و آشنا به زبان خارجی بوده است خود را موظف می بیند که کتابی را که به زبان فرانسوی در باب انقلاب کبیر فرانسه نوشته شده است ، و خواندن آن را برای آشنایی مردم به حقوق خویش مفید تشخیص می دهد روز به روز ، با نظم و دقت فراوان ترجمه کند تا از طریق انتشار آن مصدر خدمتی به هم میهنان خویش واقع شود .

اما پس از استقرار مشروطیت ، از یک سو خردمندان و آشنایان به اوضاع فرهنگی و علمی و سیاسی عالم متوجه شدند که ملت ایران قرن ها از قافله ترقی و تمدن عقب مانده است و سالیان دراز کوشش و تلاش شبانه روزی باید تا اندکی وی را در این راه به پیش براند . از سوی دیگر ، تشخیص مهم ترین و لازم ترین کتابها در میان انبوه آثار علمی و ادبی تمدن مغرب زمین و انتخاب درست آن ها برای ترجمه یا اقتباس و طبع و انتشار خود کاری سخت دشوار بود و متأسفانه در ایران آن روز مرکزی نیز وجود نداشت که مردم و روشنفکران و خدمتگزاران ملت را در این راه ارشاد کند .

نکته دیگر (و این نکته را بعدها دانشوران و اهل خیرت و بصیرت دریافتند) این بود که تمدن و فرهنگ و دانش مغرب زمین ، با شتابی روز افزون به پیش می رفت . هر اختراع یا کشف ، تألیف هر کتاب و کشف هر قانون و نظریه علمی ، راه را برای پیشرفت سریع تر برنامه ترقی و تحول هموار می کرد (چنان که تا امروز نیز چنین است و هزاره چندین خواهد بود) و برداشتن هر گام تازه موجب می شد که قدم های بعدی سریع تر ، مطمئن تر و بزرگتر برداشته شود . بدین ترتیب آذان که در آغاز راه بودند ، و افتادن و خیزان نخستین گامها را به سوی ترقی و تمدنی بر می داشتند . با نهایت تمجیب و نأسف متوجه می شدند که با وجود تلاش جوان فرسا و کوشش روز افزون ، هر روز از قافله عقب می ماندند ، ایشان هنوز از خم یک کوزه ناگداشته ، پیش آهنگان این قافله هفت شهر عشق را گشته اند .

عظیم خوش نامده بود، و به جای چهارمادینشی برای انجام دادن این کار بسیار دشوار. و جبراً عقبمانده گیها تاجد مقدور، به لایتم کردن و نقض و ابرام و بخت و جدل درمفحات کار، و حیثاً به اعمال عرضهای شخصی و نظریهای خدمی می پرداختند. به طوری که سالها پس از استقرار مشروطیت در ایران، نشانی از هیچ طرح علمی و برنامه فرهنگی، که مردم را با رستخیز عظیم علمی و ادبی دنیای نو آشنا کند پدید نیامد. این وضع همچنان ادامه داشت. سالیان دراز چرخ ماشینهای چاپ می گشت برای آن که صفحات روزنامهها را برای گفت و شنودها، جشنها، و مسابقات بی حاصل سیاه کند. و حال آن که در همان عصر، هیچ یک از کتابهای لازم برای دریافت مفدمات علوم به طبع نرسیده بود. و دانش جوانان بسیار معذور علوم جدید مجبور بودند ساعتها اوقات خود را به استنساخ جزوههای ناساز، یا مطالعه کتابهای کهنه به زبانهای بیگانه معرّف دارند.

پس از آن که ثبات و آرامشی در اوضاع پدید آمد، کم کم توجه به وضع فرهنگ و انتشار کتابهای اساسی علمی و ادبی نیز آغاز شد. اما این کودک نوزاد نیز، نخستین روزهایی خویش را به سختی و با رکود و کندی هر چه تمام تر گذراند؛ و اگر نیک بنگریم، در همان روزگار که در ایران راه آهن کشیده می شد، ساختمانهای بزرگ در تهران و شهرستانها سر به فلک می افراشت، خیابانها وسعت می یافت، و بسیاری از مظاهر تمدن مادی غرب در ایران جایی برای خود باز می کرد. باز هم بدکار انتشار کتاب خان که بابت توجهی معطوف نمی گردید.

بنده خود به خاطر دارم که ده سال پیش، در هنگام تحمیل در رشته ادب فارسی (که هیچ یک از منابع و مآخذ آن نیز نمی یابست از مرفز زمین به ایران بیاید، بلکه دانشمندان غربی نیز محتاج به مراجعه به منابع شرقی در این زمینه بودند) در سر کلاس درس جزوههای متعدد نوشته است و این جزوهها را هنوز هم در اختیار دارد؛ در حالی که تهیه کتاب درباره آن مباحث کاری سخت آسان و کم خرج بوده است.

به خاطر داشته باشید که این، وضع کتابهای درسی دانشگاهی بسوده است! و خود می توانید حال کتابهای غیر درسی، کتابهای علمی و ادبی مختلف را که از قرون گذشته در ایران و با وامریکا تألیف شده و هنوز مردم ایران نام و نشان آنها را ندیده و نشنیده اند، حدس بزنید.

بی هیچ مدافعه و معارف و تکلف، باید گفت که در این ده سال اخیر، نقطه عطفی دیگر، در کار نشر کتابهای مفید علمی و ادبی در ایران پدید آمده است؛ و این نکته را آنگاه که در جریان کار کتاب و مطالعه آن حسند، نیک می توانند دریافت. بنده با آن که حقاً جز رشته تخصص خویش از رشته های دیگر اطلاع کافی ندارد، باز می تواند در این باب به درستی داور کند و در تأیید نظر خویش شواهد و امثالی بیاورد:

در سال ۱۳۳۳ خورشیدی (دوازده سال پیش) نویسنده، آخرین سال تحصیلی در دوره لیسانس رشته ادب فارسی را در دانشکده ادبیات می گذرانید؛ و برای تهیه رساله ختم تحصیلی موظف شد که در باب کلیله و دمنه بهرام شاهی تحقیق کند و تاریخچه این کتاب بسیار معروف را که قریب سه هزار سال است پیوسته در بین تمام مللها و اقوام متمنن هر عصر خوانده شده و مورد توجه بوده است بنویسد، چنان که خواننده گان عزیز نیک آگاهند، اصل این کتاب هندی و به زبان باستانی هندوان (سنسکرت) است. ریشه پنج باب از کلیله و دمنه، کتابی است به نام پنجانتر

که نسخه اصلی سنسکریت آن هنوز پس ارسه هزار سال موجود و تحریرهای گوناگون آن به طبع رسیده است.

بند در ضمن تحقیق خویش اطلاع یافت، که نزدیک یک قرن است که متن سنسکریت کتاب مذکور به زبان فرانسوی ترجمه و طبع شده است و پس از آن نیز ترجمه‌های متعدد از آن به زبان انگلیسی به دست مترجمان متعدد صورت گرفته و انتشار یافته است؛ و چون مطالعه آن برای مقایسه با متن فارسی یا عربی کلیله و دمنه و نیز گوی‌های که در طی هزاران سال تیران راه یافته است لازم می‌شود، نگارنده درصدد برآمد که یک نسخه ترجمه فرانسوی یا انگلیسی پنجانترا را در تهران به دست آورد، و روزی چند آن را به امانت بگیرد و مطالعه کند. کوشش بنده در آن روزگار برای یافتن یک نسخه ترجمه انگلیسی یا فرانسوی این کتاب در پایتخت به جایی نرسید و سرانجام مجبور شد با تحمل زحمتهای فراوان، و مراجعه به دوستانی که در خارج کشور داشت، پس از مدت‌ها انتظار، یک نسخه ترجمه انگلیسی آن را از خارج به ایران وارد کند. اما امروز کتاب پنجانترا از روی متن سنسکریت (نه ترجمه فرانسوی یا انگلیسی آن) به زبان فارسی ترجمه شده و در جزو انتشارات دانشگاه تهران طبع شده و با بهایی نازل انتشار یافته و در دسترس هر طالب علمی است.

نکته حالب توجه دیگر در همین باب این است که یکی از منابع تحقیق بنده در این باب نخستین چاپ نسخه عربی کلیله و دمنه بود که به اهتمام خاورشناس معروف بارون سیل وستر دوساسی به سال ۱۸۱۵ میلادی در پاریس تصحیح و طبع شده بود و خوشبختانه نسخه‌ی از آن در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود بود. مصحح عالیقدر این نسخه، مقدمه‌ی مبسوط به زبان فرانسوی بر آن نگاشته و تا آن حد که در یکصد و پنجاه و یک سال پیش از این، با وجود محدود بودن مراجع و منابع تحقیق امکان می‌داشت، در روشن کردن سوابق و تاریخچه کتاب و شرح ترجمه‌های آن به زبانی گوناگون کوشیده بود.

چنان که خوانندگان عزیز می‌توانند حدس بزنند، این مقدمه بسیار کهنه بود، و قسمت عمده مطالب آن، بر اثر تحقیقات دانشمندان حلف سیل وستر دوساسی مکتبی باطل شده بود (مثلاً در آن روزگار هنوز ترجمه سریانی کلیله و دمنه پیدا نشده بود، و دوساسی به دلایلی در صحت وجود این ترجمه تردید کرده و آن را موهوم دانسته بود، در صورتی که شصت سال پس از آن نسخه سریانی پیدا شد و تا زمان ما دوسه بار هم به طبع رسیده است) با این حال آن قسمت از تحقیقات این دانشمند که هنوز بطلان آن به اثبات نرسیده، یا صحت آن بر اثر تحقیقات بعدی محقق گردیده بود، برای فارسی‌زبانان نازگی داشت زیرا تا آن روز که بنده آن قسمتها را ترجمه کرد و به زبان فارسی انتشار داد، هیچ‌کس از ایرانیان فارسی‌زبان از آنها اطلاعی نداشت، و این امر سخت موجب تأسف بود زیرا این ایرانیان بودند که شهرت این کتاب را عالم گیر و جاویدان ساخته بودند، در صورتی که تا چند سال پیش هیچ ملتی در باب این کتاب بی‌اطلاع از ایرانیان نبود، و در تمام زبان‌های زنده دنیا بیش از زبان فارسی معلومات و اطلاعات درباره کلیله و دمنه وجود داشت و حتی متن فارسی درست و قابل اعتمادی از این کتاب تا چند سال پیش در دسترس ایرانیان نبود و نسخه مصحح و درست کلیله چند سالی پیش نیست که انتشار یافته است.

یک نکته دیگر را نیز بگویم و آن این است که کتاب‌های فارسی و متن‌های ادبی این زبان غیر از ایران، در بسیاری از نقاط گیتی انتشار می‌یافته است؛ در هندوستان بیشتر از ایران کتاب فارسی چاپ شده است و بسیاری از هم‌سپهان قاضی و کتاب‌خوان ما از کتاب‌های فارسی چاپ لندن، پاریس، اتریش، برلین، شهرهای گوناگون روسیه، تراری سابق و اتحاد جماهیر شوروی فعلی، مصر، عثمانی سابق و ترکیه فعلی اطلاع دارند و موجب تأسف است اگر بگوئیم که کتاب این کتاب‌های فارسی چاپ خارج ایران، از لحاظ صحت متن، و زیبایی چاپ و قابلیت استفاده، بر کتاب‌های چاپ ایران ترجیح داشته‌اند. سی سال پیش از این بسیار معدود بوده‌اند کتاب‌هایی که به همت قبلاقی ایرانی در داخل ایران چاپ می‌شد و قابل مقایسه با کتاب‌های فارسی

بسیاری از مهم‌ترین متون فارسی به طبع فرسیده بود، و بسیاری از کتاب‌ها و متون‌های گرانمایه‌های قرن‌های پنجم و ششم هجری بود که نسخه‌های خطی آن در کتاب‌خانه‌های خارجی و داخلی خاکی می‌خورد و هنوز متن‌های بزرگ و معتبری مانند ترجمه تاریخ و ترجمه تفسیر طبری از قدیم‌ترین کتاب‌های نثر فارسی متعلق به نیمه قرن چهارم هجری لباس طبع نبوده بود.

اما اکنون چنین وضعی وجود ندارد؛ هر سال، هر ماه و بلکه هر روز، کتابی تازه زینت آفرای گنجینه متن‌های چاپ شده فارسی می‌گردد. چون آمار دقیق در دسترس نبوده نیست، نمی‌تواند از بین‌دندان در این باب اظهار عقیده کند و رقمی قطعی اظهار ندارد، اما شاید در این پانزده بیست سال اخیر، تعداد متن‌های چاپ شده فارسی دو برابر شده باشد، یعنی مطابق آنچه از آغاز رواج یافتن فن چاپ تا بیست سال پیش از متن‌های قدیم فارسی به طبع رسیده است. در این بیست ساله نیز چاپ شده باشد، و اگر این رقم قطعی نباشد، باری تعداد آن به میزانی قابل توجه و نظرگیر افزایش یافته است، به نحوی که تمام موازین تحقیقات لغوی و ادبی و میماهای سبک‌شناسی را در گرو ساشته است.

آنچه تاکنون معروض افتاد، فقط گوشه‌ی کوچکی از این تحول عظیم کار کتاب را نشان می‌دهد و به قلمرو کم‌وسعت متن‌های فارسی محدود می‌شود؛ و اگر به کارهای دیگری نظیر ترجمه شاهکارهای بزرگ ادبی، تألیف و ترجمه کتاب‌های علمی و مانند آنها توجه کنیم، ممکن است حاصل کار از این هم عظیم‌تر در نظر آید؛ تا بیست سال پیش، حتی يك اثر از ابونوره دیوانه نویسنده نیمه اول قرن نوزدهم فرانسه به فارسی ترجمه نشده بود. در صورتی که امروز ترجمه فارسی بسیار فصیح و اسنادان اغلب، بلکه تقریباً تمام آثار او طبع شده و انتشار یافته است: اوژنی گرانده، باباگوریو، دختر عروبت، جرم ساغری، زینب دره، آرزوهای بر باد رفته، زن سی ساله، دختر چشم طلایی و... . جالب توجه‌تر این که معنی از آثار وی بیش از يك بار نیز به فارسی ترجمه شده است و هیچ‌يك از ترجمه‌های آن نیز نادرست و ناقص نیست. بالزاک را به عنوان نمونه و مثال برگزیدیم و گر نه در همین حکم هستند نویسندگانی مانند لئون تولستوی، فیودور داستایوسکی، آنتوان فرانس، چارلز دیکنز، ویلیام شکسپیر، دانته، ایوان تورگنیف، ژولورن، اشتاین بک، همینگوی، همستر، استاندال، سامرست هومز، آنتون چخوف، ویکتور هوگو، سروانتس و دیگران، و دیگران که آثار بسیاری از آنها از زبان اصلی استادانده به فارسی ترجمه شده و از معنی از آنها ترجمه‌های مکرر در دست است.

امروز آنگاه مدتی پس از آن که آثاری مانند دکتر ژیاکو، پلی بروی رودخانه درینا و دن آرام به گرفتن جایزه نوبل نایل می‌آیند، ترجمه آن‌ها به زبان فارسی انتشار می‌یابد. این امر برای فارسی‌زبانانی که تا سی سال پیش ناگزیر بودند، پس از فرا گرفتن زبان یا زبانهای خارجی، فقط خبر این‌گونه روی‌دادهای ادبی را در روزنامه‌های بیگانه بخوانند توفیقی بزرگ و موهبتی عظیم است.

در زمینه کتاب‌های علمی نیز وضع بر همین منوال است. تا چندین پیش يك کتاب حقوقی، سیاسی، اقتصادی، آمار، روان‌شناسی، نجوم، ریاضیات، فیزیک، شیمی و مانند آن‌ها به زحمت در زبان فارسی به دست می‌آمد، و گاه اتفاق می‌افتاد که مترجمی، به علت دانشش وضع و موقع خاص کتابی که به او باطل شده را ترجمه کند و سال‌های دراز آن را به عنوان تنها منبع و مرجع آن علم در ایران به خورد خوانندگان بدهد. اما امروز کتاب‌های گوناگون و متعدد در زمینه دانش‌های بسیار جدید و اکتشافات تازه علوم مختلف به خوانندگان فارسی‌زبان عرضه می‌شود؛ و رفته رفته، طالب کتاب‌های علمی، بدون مراجعه به فهرست‌ها و کتاب‌شناسی کتاب‌های علمی، نمی‌تواند کتاب مورد نظر و احتیاج خویش را انتخاب کند. تعداد انتشارات دانشگاه تهران از هزاران جلد گذشته است. ممکن است بسیاری از این کتاب‌ها دارای نقایص و معایبی باشند، یا ایرادهایی بر معنی از آنها وارد باشد، اما در نظر داشته باشید که در مقابل این هزار کتاب که ممکن است

بر بعضی از آن‌ها خرده گرفت. هیچ کتابی وجود نداشته و فقط عدم صرف بوده است^۱ بسیاری از کتاب‌های گرانبها و با ارزش علمی و ادبی، حنبه انتفاعی ندارند. یعنی ناشی نمی‌تواند باشد حاصل آفرینش آن‌ها کاسبی و امر از ممانعت کند. برای نشر چنین کتاب‌هایی باید به طور حتم دستگاه‌های غیرانتفاعی خصوصی یا دولتی تأسیس شوند. تا چندی پیش از این گونه ناشران غیرانتفاعی در ایران خبر و اثری نبود، تنها اداره نگارش وزارت معارف (فرهنگ سابق و آموزش و پرورش فعلی) و کمیسیون معارف بود. گاه‌گاه نشر کتابی به نفقه صاحب همتی نیک‌اندیش انتشار می‌یافت و تاریکی این آسمان ظلمانی را سوسوی ضعیف درخشش اخگری می‌شکافت. امروز تمام دانشکده‌ها و دانشگاه‌های مرکز و شهرستانها، هر یک برای خود انتشاراتی دارند. علاوه بر این دستگاه‌هایی نظیر وزارت‌خانه‌ها، شرکت ملی نفت، و مؤسسات مانند بنیاد فرهنگ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بدون در نظر گرفتن سود تجاری کتاب‌هایی انتشار می‌دهند که هر یک در جای خود بسیار مفید و در توسعه فرهنگ کشور مؤثر است. در وضع ناشران خصوصی نیز به همین سبب اندک تحولی ایجاد شده است و بعضی از آنها کم و بیش دارای هدفها و نظرهای اجتماعی خاصی - علاوه بر کسب درآمد - هستند و می‌کوشند تا کار خویش را از لحاظ کم و کیف آبرومند سازند.

آنچه گفتیم دربارهٔ مباحثی غیر از کتاب‌های درسی دبیرستانی و حاشیه دبستانی بود که در کار آن‌ها نیز تفسیر و تحولی محسوس به سوی بهبود پدید آمده است. البته هنوز کم و بیش به کتاب‌های درسی (حاشیه کتاب‌های دبیرستانی) خرده‌هایی می‌توان گرفت، اما همین نکته که امروز هردانش‌آموزی در هر نقطه کشور می‌تواند با بهایی نسبتاً ارزان، بیش از تشکیل کلاس با خاطری مطمئن کتاب‌های درسی خویش را تهیه کند، و از نایابی و گران‌ی و تأخیر در طبیع و انتشار و تمویض بهنگام یا بی‌هنگام آن نگرانی و بیسی نداشته باشد، خود گامی به سوی پیشرفت است. امیدواریم که تناقض محتوی این کتاب‌ها نیز به زودی از میان بر خیزد و کار کتاب درسی که مهمترین وسیله توسعه دانش و ترقی فرهنگ در کشور است سرسامانی به خود بگیرد.



این‌ها بود نکاتی که ذکر آن‌ها، برای نشان دادن تحولی که در کار کتاب در ایران انجام یافته است ضروری می‌نمود، و گرچه به علت ضیق مجال، تمام مطالب، به اختصار نام و به جزئیاتی ابر و تار سا بیان شد، اما شاید نتوانسته باشد، تصویری هر چند، اخی و نقشی هر چند مبهم و سیرمگ، از این تحول را در ذهن خوانندگان مجسم سازد. این براد تمام این مطالب دلیل آن نیست که ما در این زمینه کار را انجام یافته بدانیم؛ و حتی اگر تصور کنیم که کار کتاب در ایران به مرحله اصلاح و ترقی قطعی نزدیک شده است، باز هم در این دایره مصاب نخواهیم بود. در کار نشر و تألیف و ترجمه و انتشار کتاب و خوانندگان و ناشران ایران ایرادهای بسیار اساسی و مهم وجود دارد که بدون ذکر آنها این گفتار جامع و کامل نخواهد بود. از این روی ذیلاً به باره‌ای از این ایرادها با اجمال و اختصاری هر چه تمام‌تر اشاره می‌کنیم. باشد که علاقه‌مندان به این امر حیاتی و مسأله مهم ملی را دلالت و رهنمونی کند:



آنچه در این مقام به عنوان انتقاد از کتاب‌های فارسی گفته می‌شود، نگاهی است که در ضمن

علاوه بر این ممکن است بسیار کتاب‌ها در ایران انتشار یافته باشند که مشمول هیچ‌یک از این نکته‌ها نباشند یا از بعضی از این عیب‌ها پیوسته باشند. در هر حال رعایت این نکات، و رفع این معایب، از طرف ناشر و مؤلف و مترجم و حروف‌چین و صحافی و خواننده، موجب می‌شود که کتاب در ایران شایسته و کیمیایی را که شایسته آن و شایسته بسن کهن سال هاست باز یابد:

۶- سخت اروضع و شکل ظاهری و ضرر تهیه کتاب گنگو کنیم: بسیاری از خوانندگان هستند که از شکل و ساختمان و طرز طبع کتب و بیبای آن راضی نیستند. بسیاری کتابها مشحون از غلطیهای چاپی و مطبعی است، خوب صحافی شده است، برگ‌های آن در ضمن خواندن از کتاب جدا می‌شود، جزوه‌های یارده و باطله و گنیف و ناخورده در خلال اوراق کتاب دیده می‌شود. گاهی مرکب چاپ از یک صفحه چنان به صفحه بعد دویده است که نمی‌توان آن صفحه را به آسانی مطالعه کرد. طرز تجلیه کتاب خوب نیست، و گریچه ظاهر آن را زرق و برقی داده‌اند و نظر گیر و دل فریبش ساخته‌اند اما پیش از آن که با یکبار مطالعه کتاب به پایان آید، از آن همه جلا و رونق ساختگی و دروغین هیچ باقی نمی‌ماند!

يك افسانه مضحك نیز در بین مؤلفان و مطبعمداران و صحیحان و ناشران ما صورت حقیقتی مسلم و انکارناپذیر به خود گرفته است. آن افسانه این است که در ایران و به زبان فارسی کتاب بی‌غلط چاپ کردن ممکن نیست! چطور این کار ممکن نیست؟ از شان آدمی زاده با آن قدرت شگرف به دور است که در برابر چنین مسأله ساده‌ای اظهار عجز کند! این کار ممکن است. به شرط آن که ما بخواهیم و وسایل آن را نیز فراهم کنیم. چطور شده است که یکصدوسی چهل سال پیش از این تاریخ، در دوران سلطنت محمدشاه قاجار ممکن بوده است که کتاب بی‌غلط در ایران چاپ شود، اما امروز، با این پیشرفت حیرت‌انگیز صنعت و ماشین این کار امکان‌پذیر نیست. بنده يك کتاب قصه عوامانه مختار نامه، چاپ سری در دوره محمدشاه قاجار در اختیار دارم که در آن غلط چاپی دیده نمی‌شود. البته کتاب غلط دارد، اما مسلم است که عامل ایجاد این غلط، چاپخانه نبوده است (مثلاً در همه جا کلمه برخاست به صورت درخواست نوشته شده است و پیداست که این غلط املائی در اصل نسخه کتاب وجود داشته و در کتاب چاپی منعکس شده است). این کتاب يك قصه عوامانه است که نه مؤلف مشخصی داشته و نه ناشر پیش از اندازه پای‌بند صحت و دقت در طبع آن بوده است. با این همه غلط ندارد. آن وقت پس از گذشت يك قرن و نیم، ما باید امروز از بی‌غلط بیرون آوردن يك کتاب گران‌بها و دقیق علمی عاجز باشیم. چرا؟ آیا سواد ما امروز کمتر از آن روز است؟ آیا وسایل ما امروز ناقص‌تر و نارسا‌تر از آن روز است؟ خیر! فقط ما امروز از آن روز بی‌مبالا‌تر، بی‌پروا‌تر، سهل‌انگاز‌تر و عجول‌تر شده‌ایم. عجله و شتابی که نه در جهت خیر، بلکه در جهت شر، در جهت نقص و عیب کار جریان می‌یابد!

در دوران مظفرالدین شاه کتابی به نام تاریخ چین، از منابع فرنگی ترجمه شده و انتشار یافته است. ناشر کتاب، ظاهر آ مریدی تنگ‌دست بوده و قدرت پرداخت مخارج کتاب را نداشته است، چه آگهی کرده است که هر جزو از کتاب که از چاپ خارج می‌شود برای فروش آماده است؛ تا بدین وسیله بتواند قسمتی از خرج کتاب را پیش از اتمام آن از فروش جزوه‌ها تأمین کند. این کتاب که بیش از دو بیست صفحه دارد، و به چاپ سری بسیار زیبایی رسیده است، هم غلط ندارد؛ و تا آن‌جا که بنده می‌دانم کمتر کتابی در اوایل رواج فن چاپ در ایران به طبع رسیده است که غلط داشته باشد، همان‌گونه که امروز هم کمتر کتابی در ایران انتشار می‌یابد که از این آفت زشت عاری باشد!

عیب بزرگ‌تر کار این است که همه، یعنی نویسنده و ناشر و چاپخانه و غلط‌گیر و خواننده، بدین نقص تن در داده‌اند و آن را امری بدیهی و احتراف‌ناپذیر می‌دانند و از مسأله اتفاق افتاده قبیح آن از بین رفته است. وقتی علامه دهخدا مؤلف گران‌قدر لغتنامه در بستر بیماری و بالایی فرو خفت از تمام کارهای لغت‌نامه دست کشید؛ اما يك کار را تا دم مرگ دنبال کرد و آن دیدن

نمونه‌های مطبعی کتاب و غلط‌گیری آن و اهتمام در غلط چاپ شدن کتاب بود. زیرا از کتاب او آنچه بدست خواننده می‌رسید نسخه چاپی بود و بر روی آن هم فقط نام مؤلف یعنی علی‌اکبر دهخدا! به چشم می‌خورد نه نام حروفچین و صفحه‌بند و ماشین‌چی؛ و نویسنده نمی‌توانست گناه سهل‌انگاری و بی‌مبالائی خود را به گردن کارگر حروفچین و مدیر چاپخانه بگذارد؛ و اگر می‌گذاشت خواننده کتاب قبول نمی‌کرد. و اگر قبول می‌کرد تأثیری در ماهیت قضیه نداشت: کتاب علی‌اکبر دهخدا! غلط به دست خواننده رسید و همان غلط یا خواننده را گمراه کرده بود. یا خواننده خود آن غلط را می‌گرفت و هیچ‌یک از این دو حالت شایسته شأن دانشمندی چون دهخدا نبود! این بود سر‌اهتمام آن دانای گرانمایه در غلط‌گیری از کتاب خویش!

اما امروز کار بی‌مبالائی به حایب رسیده است که مصحح یک متن ادبی فارسی، یا نویسنده تذکره که مبلغی آثارشاعران و نویسندگان قدیم و جدید را در کتاب خود فراهم می‌آورد، آن را بر از غلط چاپ می‌کند و انتشار می‌دهد، بی‌آن که حتی یک غلط‌نامه بر کتاب خود بیفزاید و غلط‌های کتاب را نشان دهد و زحمتی را که نتیجه سهل‌انگاری وی است. دست‌کم به گردن خواننده بیندازد و از او بخواهد که غلط‌های کتاب آقا را تصحیح کند!

اگر بخواهم در این باب بحث کنم که چرا چنین شده، و این کار که روز اول با سامان و درست بوده، چگونه از نظام عادی خویش بیرون رفته و گرفتار این بی‌سامانی شده است. سخن به درازا می‌کشد. اکنون وضع چنین است: و باید برای ترمیم آن فکری کرد.

نخستین گام را در این راه باید مؤلفان و مترجمان و نویسندگان بردارند. آنان باید در قرارداد خود با ناشر، قید کنند که هیچ غلط چاپی را تحمل نخواهند کرد. و کتاب خود را بی‌غلط می‌خواهند. بسیاری از مؤلفان از موازین فنی غلط‌گیری مطبعی اطلاعی ندارند و بی‌آن که بدین نقص خود آگاه باشند، تصحیح کتاب را خود به عهده می‌گیرند. در نتیجه غلط‌های چاپی از زیر چشم ایشان می‌گذرد و در کتاب باقی می‌ماند. نویسنده و مترجم دقیق و حردمند، در این قبیل موارد کار را به کاردان می‌سپرد و از او مسؤولیت می‌خواهد.

دومین مسؤولیت متوجه ناشران است. آنان نیز می‌توانند عین این مسؤولیت را که مؤلف از ایشان می‌خواسته است از چاپخانه بخواهد و در اینجا ناگزیر باید عرض کنم که در این کار مسؤولیت کارگران چاپخانه و حروفچینان و صفحه‌بندان از همه کم‌تر است! آنان اگر کاری تمیز و عاری از نقص از کارگاه خود بیرون بدهند، بدان میاهات می‌کنند و بسیار خوشوقت می‌شوند. اما شرط آن اینست که نویسنده و ناشر و مدیر چاپخانه نیز ایشان را در کار خود یاری کنند. البته شاید بتوان در میان انبوه کارگران مطبوعه‌ها یکی دو تن کارگر سهل‌انگار نیز یافت. از این قبیل افراد نیز باید مسؤولیت خواست و آنان را به وظایفی که دارند آشنا کرد.

جندی پیش شنیدم که مؤلفی دانشمند، برای احتراز از غلط‌هایی که در کتاب وی راه یافته بود، چند جزو از کتاب را به خرج خود تجدید طبع کرد؛ فقط برای آن که کتابش بی‌غلط به دست خواننده برسد. این طرز برخورد با کار، و این نوع احساس مسؤولیت در برابر خواننده باید سرمشق تمام مؤلفان باشد و توجه داشته باشد که کار تألیف و تصنیف و ترجمه دارای ارزش معنوی بسیار است و در حقیقت ارزش اصلی آن همان ارزش معنوی است و در نتیجه باید در برابر خسارتها و کم‌اجری‌های مادی آن بردبار باشند و نیکوین و زیبایی کار خود را به گرفتن دستمزد بیشتر ترجیح دهند. برای کسب درآمد و افزایش نفع مادی راه‌های فراوان وجود دارد و تمام آنها در بخش‌تر از نان خوردن از راه تألیف و ترجمه است.

همین اهتمام باید دربارهٔ نجلید، صحافی، احتراز از وارد کردن جزوه‌های پاره و کتیف و باطله در کتاب، برهیز از بی‌ترتیبی صفحات و اضافه و نقصان جزوه‌ها باید صورت گیرد. مردم ایران متأسفانه به اندازه کافی برای خرید کتاب می‌زینتی نشان می‌دهند. در چنین وضعی ملاحظ نیست که ناشر هم با فروختن کتاب ناقص و کتیف و پاره آنان را چندبار به دکان خود بکشد و نه حروفچین و گشت و شنید و ادا دارد. یا ایشان را برای همیشه از خرید کتاب بی‌راز و بی‌نیامان کند.

سبب خواننده گانی که تا چشمتان به کتاب می‌گردد سخت زیبایی چاپ و دست‌گامند و جلد آن را جستجو می‌کنند. ناشر صبر نباید از این نکته غافل باشد و باید از این میل باطنی افراد و شیفتگی مردم نسبت به زیبایی و نظافت حداکثر بهره‌برداری را بکند.

۲ - اکنون از ظاهر به مضمون بپردازیم: در کیفیت تدوین و تألیف و تصحیف کتاب‌ها نیز می‌توان نکته‌های قابل انتقاد یافت. اگر منظور استقضا در این باب، و پرداختن به بحثی مستوفی باشد. باید انواع و اقسام کتاب‌ها را از یکدیگر مشخص ساخت و هر یک را جداگانه مورد بحث قرار داد. اما در این گفتار مجال این کار نیست و تنها باید به کلیات پرداخت.

متأسفانه همان سهل‌نگاری که در کار طبع و نشر کتاب دیده می‌شود، کم و بیش در کار تألیف و تصنیف و ترجمه نیز در نظر می‌آید و گاه ناشران نیز در خراب‌کردن کار سهمی به‌سزا دارند. مثلاً امروز برناشری (که البته خود اهل اطلاع و خردورس نیست) معلوم می‌شود که فلان دیوان، یا فلان کتاب باروش شیرین و سخنه‌های آن کمیاب شده است. وی بی‌درنگ در صدد برمی‌آید که از این آب‌گل‌آلود به نفع خود ماهی بگیرد. اگر عرض انتشار دادن کتاب به وضعی درست و به صورتی پسندیده و مرغوب و منطبق با موازین علمی باشد، این کار به طول می‌انجامد، و بیم آن می‌رود که همکاران از موقع استفاده کنند و آن را به صورتی ناساز، زودتر برای فروش به بازار آورند. از سوی دیگر، مصحح یا مترجم توانا و دقیق و امین و علاقه‌مند به صحت و دقت کار خویش «اولاً» قدری «جاسنکین» است و ارزش کار خویش را می‌داند و ثانیاً کارش طول و تقصیل دارد و ماگزیر مدتی ناشر و مطبعه را معطل خواهد کرد. پس چه بهتر که مؤلف نمایم دستی به سروگوش آن بکشد و سردستی تصحیح و تحشی‌های آن‌را بکند و به سرعت کار را به زیرماشین چاپ بفرستد. ولی گاه اتفاق می‌افتد که محال از این نیز تنگ‌تر است. ناشری دیگر که در صدد هم‌چشمی است، هم برای طبع و نشر این کتاب دست‌اندر کار شده است. فرست هیچ تحقیق و تدقیقی نیست. فوراً نسخه‌های از کتاب که در سال و بایستی در باسجه خانه مشهودی اسدالله به چاپ سنگی رسیده است، زیر دوربین دستگاه افست قرار می‌گیرد و پس از یک هفته کتاب از چاپ درمی‌آید و صحافی می‌شود و مثل نمته‌گل (۱) به بازار عرضه می‌شود! حالا اگر این چاپ سنگی صد سال پیش حتی یک فهرست مندرجات نداشته، اگر فصول و ابواب کتاب در آن از یکدیگر مجزا نشده، و حتی کاتب یک‌بار هم برای رضای خدا به سرسطر نرفته و از آغاز صفحه اول قلم را روی کاغذ گذاشته و در پایان صفحه آخر از روی آن برداشته است چه عیبی دارد؟ دست‌داران کتاب منتظرند، کتاب هم خریدار کافی دارد، حالا اگر فهرست‌ساعلام و فرهنگ لغات و غلطنامه و حواشی و توضیحات و تعلیقات نداشته باشد چه می‌شود؟ قرآن خدا که غلط نشده است!

اما این کار چه عیبی دارد؟ «اولاً» چنان‌که عرض کردیم کتاب ناقص و ناساز و بد چاپ و بدون فهرست و غیرمطبق با موازین علمی تصحیح اشکالی به دست خواننده می‌رسد و این کمترین زیان آن است. زیان بزرگ‌تر این است که نسخه‌های این کتاب، ما فیمتی ارزان بازار را بر می‌کند (چون ناشر چیزی از باب حق تصحیح نبرداخته است) و برای مدتی که شاید سالها به طول انجامد، امکان نشر نسخه درست و دقیق و انتقادی کتاب را از میان می‌برد. چنان‌که نسخه دیوان یغنی جندقی و فرهنگ منتهی‌الادب، سال‌هاست که گرفتار این مصیبت شده‌اند. یکی از دانشمندان سرتاسر منتهی‌الادب را تصحیح و مقابله کرده بود، اما ناشر می‌خواست غلط‌گیری کتابی بدین بزرگی را «صفحه‌ای» از مصحح خریداری کند. معاصم سرتگرفت و منتهی‌الادب با غلطهای سابق انتشار یافت و نتیجه زحمت سالیان دراز آن دانشمند هم در خانه برای خودش ماند تا کی فرصتی مجدد برای تجدید طبع این فرهنگ به دست آید!

اما مؤلفان نیز در این ماحرا گاهی سهل‌انگاری‌هایی می‌کنند. بسیاری از آن‌ها کوشش نکرده‌اند که راه و رسم تألیف را فراگیرند، فرع زائد بر اصل بویسد، مطالب دراز و مفصل را از کتاب‌هایی که بارها طبع شده و در دسترس همگان است در کتاب خود ناورند، نشان درست

(رفرنس) آنچه در تألیف خویش به استشهاد آورده‌اند به خواننده بدهند، و فهرست منابع و مآخذی را که از آنها سود جسته‌اند، درست و دقیق، در پایان کتاب بیاورند، برای کتاب خود فهرست‌های گوناگون تنظیم کنند تا مراجعه بدان‌ها برای اهل علم سهل‌تر باشد. اگر ترجمه می‌کنند، در کار خویش دقیق و امین و دل‌سوز باشند، و قلمی نام‌های لاتین را به خط فارسی بنویسند، صورت لاتین آن را نیز بیاورند تا خواننده در خواندن آن‌ها دچار اشتباه نشود و... بهتر است در این مقام درباره کتاب‌هایی که از روی دوبلایز فیلم‌ها و به پاری دستگام ضبط صوت تهیه می‌شود و کاغذهای سفیدی که به نام کتاب به کاغذ باطله تبدیل شده است سخنی در میان بیاوریم. اما متأسفانه این گونه کتاب‌ها نیز در شهر ما انتشار می‌یابند و خود ناشران معتبر و آبرومند بیش از هر کسی از انتشار یافتن این گونه زیالها ناراحت و ناراضی هستند.

همچنین از دزدان کتاب، دزدان حقوق مؤلفان و ناشران (بسا عرض معذرت فراوان به جامعه ناشران درست‌کار و آبرومند که بهتر از بنده می‌دانند روی سخن با چه کسانی است) نمی‌توان در این مقاله بسط کلام داد. ناشران خود باید این گونه افراد را ارجاعاً خود طرد کنند با این لکه تنگ و بدنامی از میان بر خیزد.

۳ - اما خریدار و خواننده کتاب نیز در این نابسامانی مسؤول است. بهتر بگویم. کتاب در ایران کم خریدار دارد و هنوز تیراژ کتاب در ایران بین هزار تا ده هزار نسخه است و تیراژ ده هزار استثنایی و خاص کتابهای جیبی ارزان قیمت است. نتیجه این کمی تیراژ آنست که کتاب‌گران تمام می‌شود و اندیشیدن بسیاری از تدبیرها و چاره‌ها برای ناشر ممکن نیست، یا صرف نمی‌کند.

باز بحث در این باب که چرا جامعه باسواد و تحصیل کرده ایران کتاب‌خوان و اهل مطالعه نیستند، و چرا مردم با کتاب آشنایی ندارند در این فرصت کوتاه میسر نیست. شاید صد سال است که در مدرسه‌ها و مکتب‌ها از این لحاظ کوتاهی و سهل‌انگاری شده است، و از روز رواج چاپ در ایران تاکنون ناشران نیز به فکر افزایش تیراژ کتاب و ترغیب مردم به خواندن آن نبوده‌اند. دستگاهی که مسؤول آموزش و پرورش نوباوگان و دانش‌آموزان و دانشجویان است! و نیز دستگاهی که حمایت از فرهنگ ایران را به عهده دارد، باید در این باب اهتمامی بیشتر به کار ببرد. مردم را به خواندن کتاب راضی و مایل سازند. کتاب را بین مردم نشر دهند. نه تنها از انتشار کتاب‌های بدآموز و زیان‌آور به شدت جلوگیری کنند. بلکه انتشار کتاب‌هایی را که دارای شرایط و مزایای لازم نیستند، تا رفع نقیصه‌ها و استنادار شدن آن در توقف دارند. برای انتشار متون و ترجمه‌ها و کتاب‌های علمی و سایر انواع کتاب شرایط و اصولی مقرر دارند و اجرا کنند. این تنها سخن‌گیری و شدت علم، در کار علم و فرهنگ است که می‌توان آن را مستحسن شمرد. اگر کتاب‌های ایران با رعایت شرایط لازم انتشار یابد مایه مزید آبروی مؤلفان و ناشران و تمام کسانی خواهد شد که در این رشته دست‌اندرکارند.

صنعت طبع و نشر کتاب، و کار تألیف و تصنیف و ترجمه در کشور ما بی‌سابقه نیست، اما همواره از حمایت و ارشاد بی‌بهره بوده است. در صورتی که سیمای معنوی تمدن و فرهنگ ایران در صفحات کتاب انعکاس می‌یابد. کتاب آینه تمام نشیب و فرازها و بیست و بلندیهای زندگی هر ملت و نماینده تمام اعمال و تنها و پیشرفت‌های هر قوم است. این آینه را نباید هر چه درخشان‌تر ساخت و آن را از غبار کدورت‌ها و ناسازی‌ها پیراست تا بتواند تصویر را هر چه زیباتر نمایان سازد. این آرزو بر آورده و این گوشش با توفیق مقرون باد!

سکون‌ترین نسخه با خط مصور ایران در موزه باستان

دکتر عیسی بهنام
استاد دانشگاه ادیبان

یکی از قدیم‌ترین کتب خطی که در حال حاضر موجود است و صفحات آن مصور شده است کتاب «منافع الحيوان» است که در کتابخانه «مورگان» Morgan در نیویورک حفظ می‌شود و شماره 500 م. به آن داده شده است. این کتاب مربوط به حیوانات است و با اصلاح امروز می‌توان آن را کتاب «حیوان‌شناسی» نامید. اصل آن در تاریخ ۳۳۰ هجری به دستور خلیفه المقتدی در بغداد توسط بزرگ «ابن مختیشو» نوشته شده. غازان‌خان پادشاه ایلخانی به عبدالهادی نامی دستور داد آنرا به فارسی ترجمه کند و نقاشانی که نامشان زیر کارشان قید نشده صفحاتی از آنرا مصور کرده‌اند و همین نسخه است که امروز در کتابخانه «مورگان» در نیویورک حفظ می‌شود و قدیم‌ترین کتاب مصور است که در ایران نوشته شده و امروز بدست ما رسیده است. مقصود این است که بیش از آن کتابی در ایران مصور نشده است بلکه قدیم‌ترین کتابی است که از میان نرفته و اکنون موجود است. تاریخ کتاب کاملاً خوانا نیست ولی متخصصان عقیده دارند که از ۶۹۸ هجری است. کتاب مزبور در شهر مراغه نوشته شده و مصور گردیده است و ۹۴ صفحه مصور دارد. بسیاری از مجالس آن بسیار کوچک است و تعدادی از آنها نیز ناتمام مانده است و حتی بعضی از صفحات آن در زمان‌های جدیدتری مصور شده است. ما در اینجا یکی از صفحات مصور کتاب مزبور را ارائه می‌دهیم. (شکل ۱)

کتاب دیگری در حدود تاریخ‌های ۷۰۷ تا ۷۰۸ هجری در تبریز بدستور پادشاه ایلخانی موشه شده که از حیث قدمت بعد از کتاب منافع الحيوان قرار می‌گیرد و امروز در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ تحت شماره 161 Arab حفظ می‌شود و «آثار الباقیه» نام دارد و تألیف البرونی است. صفحات مصور این کتاب شباهت زیاد به صفحات مصور منافع الحيوان ابن مختیشو دارد و بدون شك بدست همان هنرمندان که منافع الحيوان را مصور نموده‌اند یا شاگردان مکتب آنان ساخته شده است.

یکی از نسخ مصور بسیار معروف آن زمان شاهنامه‌ای است که سابقاً در مجموعه «دموت» Demotte بوده و در تبریز بین سال‌های ۷۳۱ تا ۷۳۷ نوشته شده است. در حدود ۶۰ صفحه از صفحات مصور این کتاب امروز در موزه‌های مختلف جهان بخش‌است و از متن کتاب بیش از چند صفحه موجود نیست. مجالس مصور این کتاب نسبت به زمان خود پیشرفت فوق‌العاده‌ای را نشان می‌دهد. (شکل ۲)



برداشت و در جسامت و در برونش پناه شود لادن سبب شود و در سحر و جادو
 و جادو سبب از بیم و در روز هفت از آن تو ساند تا ابد در می سبب
 در آن سبب و لاشه از آن او تا ابد در می سبب و در آن سبب و لاشه

۱- یکی از صفحات مصور کتاب شافع الحيوان که در تاریخ ۶۹۸ هجری در شهر مراغه نوشته شده و صفحات آن معرور گردیده است. این کتاب در کتابخانه مورگان در شهر نیویورک حفظ میشود. ۲- یکی از صفحات مصور شاهنامه دعوت است که جنگ اسکندر با کرگدن را نشان میدهد. این شاهنامه در سالهای ۷۳۱ تا ۷۳۷ در شهر تبریز نوشته شده و صفحات مصور آن در موزههای مختلف اروپا و آمریکا بخش است. ۳- یکی از صفحات گلپله و دمنه آلبوم کاخ ایلدیز در کتابخانه دانشگاه ایلامبول این صفحه داستان معروف صاحبخانه و دزد واقفون شولم را تصور نموده است نسخه مزبور در سالهای ۷۶۲ تا ۷۷۱ در تبریز نوشته شده و صفحات آن معرور گردیده است. ۴- این صفحه شکست خوردن نور بوسله سنجهر پادشاه ایران را نشان میدهد و یکی از شاهکارهای هنری عصر خود میباشد.



را شاه از سزا تا یکران در زمان موروثش شود و در وقتش موروث

۵- صفحه‌ای از نسخه خطی «عجایب المخلوقات» که در سال ۷۹۰ در بغداد نوشته شده و صفحات آن مصور گردیده است این کتاب امروزه در کتابخانه ملی پاریس است

۶- یکی از صفحات مصور دیوان خواجوی کرمانی که در تاریخ ۷۹۹ در تبریز در زمان پادشاهت و صفحات آنرا استاد جدید مصور نموده است این کتاب امروزه در بریتیش میوزیم در شهر لندن حفظ می‌شود. صفحه برزخ‌های و همایون را نشان میدهد و نام اصلی که حد سال بعد در زمان نقاشان مکتب هرات مرسوم خواهد شد در این صفحه نمایان است



از کلیه دمنه در نقاط مختلف جهان نسخه‌هایی موجود است و یکی از معروفترین آنها که در تاریخ ۷۶۲ در تبریز نوشته شده امروزه در کتابخانه دانشگاه اسلامبول است و جزو آلبوم کاخ ایلیز تحت شماره F. 1422 ثبت گردیده است. (ش ۳)

در کاخ توپ قابوسرای اسلامبول چند صفحه مصور از شاهنامه فردوسی تحت شماره ۲۱۵۳ حفظ می‌شود که در تاریخ ۷۷۰ در تبریز نوشته شده و شاهد پیشرفت بزرگ نقاشی ایران در اواخر قرن هفتم و هشتم هجری است. (شکل ۴)

کتاب دیگر «عجایب المخلوقات» است که در سال ۷۹۰ در بغداد نوشته شده و صفحات آن مصور گردیده و امروزه در کتابخانه ملی پاریس تحت شماره Sup. pers. 332 حفظ می‌شود. خط این کتاب از نوع نستعلیق است. این کتاب بدستور سلطان احمد جلایر ترتیب داده شده است. سلطان احمد یکی از مشوقین بزرگ هنر نقاشی روی صفحات کتاب بوده است. (شکل ۵)

دیوان خواجوی کرمانی ۷ سال بعد از عجایب المخلوقات نوشته شده و صفحات مصور آن که یکی از شاهکارهای هنر نقاشی ایران است به منزله پیش‌قدم کارهای هنری بیزاد به حساب می‌آید. این کتاب در «بریتیش میوزیم» تحت شماره Add. 10-113 حفظ می‌شود و در سال ۷۹۹ در بغداد بدست میرعلی تبریزی نوشته شده است و میگویند این شخص مخترع نستعلیق است.

احتمال دارد سازنده صفحات مصور آن استاد «جنید» باشد که قدیمترین کسی است که زیرکار خود امضاء کرده است. ظاهراً این شخص شاگرد شمس‌الدین بوده و در بغداد کار میکرده است و گاهی نیز «استاد جنید السلطانی» امضاء میکرده و بنا بر این نقاش رسمی دربار سلطان احمد بوده است. (شکل ۶)

یکی دیگر از کارهای استاد جنید در کتابی به نام «دیوان سلطان احمد» است که امروز در فرید گالری Freer Gallery در واشنگتن تحت شماره ۳۵-۳۲ حفظ میشود و در حاشیه متن آن تصاویر بسیار زیبایی به سبکی که بعداً آثار صرا در عهد صفوی مرسوم میشد وجود دارد. (شکل ۷)

در همین موزه کتاب دیگری به نام خسرو و شیرین نظامی است که تحت شماره ۳۱۳۴

۷- صفحه‌ای از دیوان سلطان احمد که در تاریخ ۸۰۸ در بغداد نوشته شد، و صفحات آن بدست استاد حیدر مصور گردیده است در حاشیه این صفحه تصاویر زیبایی نقش شده که بعدها بوسیله آقارضا در عهد صفوی معمول شده. ۸- صفحه‌ای از کتاب خسرو و شیرین نظامی که در سالیان ۸۰۸ تا ۸۱۳ در شیراز تیریز نوشته شده و صفحات آن مصور گردیده است این کتاب در موزه فرید گالری در واشنگتن محفوظ است در این تصویر در طرف چپ فرهاد در میان دو نفر از غلامان دیده میشود و شیرین در میان اجنس نشسته است.



نوشته شده و از افتخارات اولین مکتب نقاشی تبریز است. (شکل ۸)
 تعدادی از کتب خطی مصور ایران در شیراز نوشته شده و مصورگر دیده است. یکی از آنها شاهنامه وزیر قوام الملک الدین است که در تاریخ ۷۴۲ هجری نوشته شده و صفحات آن در موزه‌های مختلف اروپا و آمریکا بخش است.
 کتاب دیگر مونس الاخبار است که محمد پسر در ۷۴۲ در شیراز نوشته و سابقاً در مجموعه «کوزکیان» بود ولی اکنون در موزه‌های مختلف مسانند موزه «کلوند» و «برستون» و «متروپولیتن موزیوم» و «فریر گالری» بخش شده است.
 یکی از شاهنامه‌های معروف که تصاویر آن بسیار زیباست و امروز در کاخ توب قاپو تحت شماره ۱۵۱۱ محفوظ است نیز در تاریخ ۷۷۲ در شیراز نوشته شده و تصاویر آن از شاهکارهای هنر نقاشی ایران است. (شکل ۹)

تاریخ تیمور در کتابی در تاریخ ۸۰۰ هجری به نام شاهنامه نامه در شیراز نوشته شده که تحت شماره Or. 2780 در بریتیش موزیوم است و صفحات آن با ورق‌های طلا به بهترین مصورگر دیده است.

در تاریخ ۸۰۱ نیز یکی از نویسندگان بهیمان دیوان هفت شاعر را بصورت کتاب در آورد و تصاویر این کتاب از حیث زیبایی رنگها و خطوط نظیر ندارد و امروز در «موزه هنر ترک و اسلامی» تحت شماره ۱۹۵۰ محفوظ میباشد. (شکل ۱۰)

کتاب دیوان اسکندر سلطان نیز در تاریخ ۸۱۳ در شیراز نوشته شده و صفحات مصور زیبایی دارد و در بریتیش موزیوم تحت شماره Add. 27-261 محفوظ میباشد.

اسکندر سلطان در مدت کم پادشاهی خود موجب ایجاد شاهکارهای هنری بزرگی بوده است. وی بر عیوش شاهرخ قیام کرد و شاهرخ او را از حکومت اصفهان و شیراز مخلوع و در سال

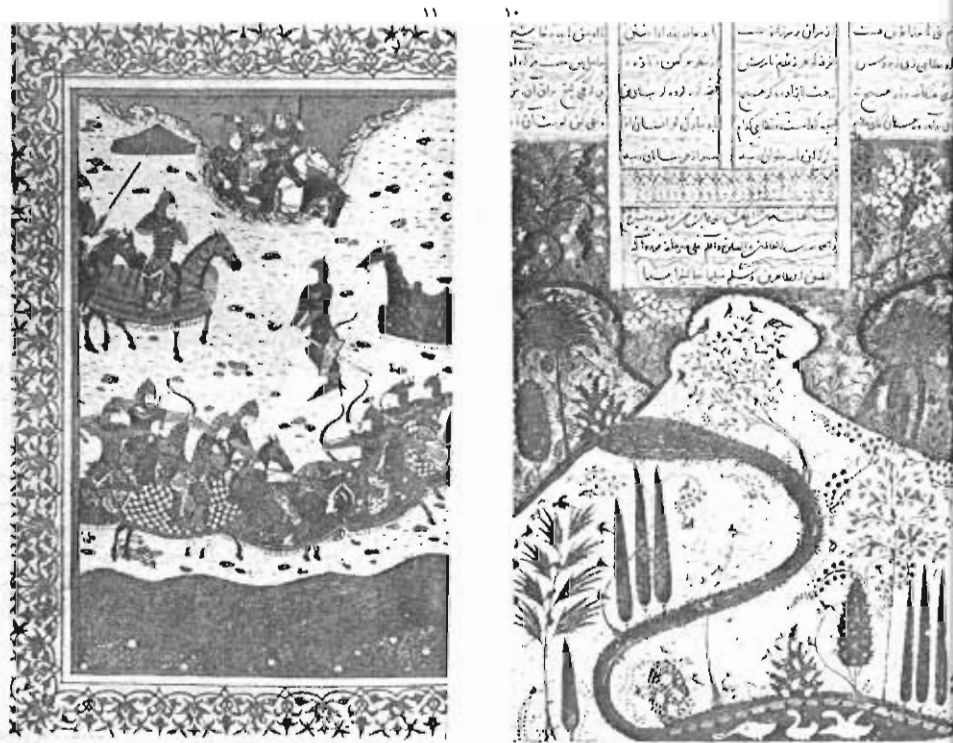


۹- یکی از صفحات شاهنامه فردوسی که در تاریخ ۷۷۲ در شیراز نوشته شده و صفحات آن مصور گردیده است این کتاب امروز در کاخ توب قاپو در شیراز اسلامبول حفظ میشود صفحه بزبور جنگ میان پیر امگور و ازدها را نشان میدهد و با نهایت ظرافت نقاشی شده است

۸۱۷ او را کور کرد. ولی در همان مدت کمی که او در صفتها و شیراز حکومت داشت هنرمندان را تشویق نمود و یکی از کلیله و دمنه‌های کتابخانه سلطنتی گلستان را به زمان او نسبت می‌دهند و کلیله و دمنه دیگری نیز در کتابخانه ملی پاریس تحت شماره 332 Sup. pers. ثبت است که آنهم از زمان اوست. معروفترین کتابی که در زمان او ساخته شده دیوانی است بنام او که در شهر لیبیون در سیاه گاسگیان حفظ میشود. (شکل ۱۱)

ما در این مقاله فقط توانستیم چند کتاب خطی تصور از ایران را معرفی نمائیم. امیدواریم بتوانیم در شماره‌های دیگر این مجله نیز شاهکارهایی از نسخ قدیم ایران را که امروز در موزه‌های مختلف جهان اند مطالعه نمائیم.

۱۰- دیوان بحر که در تاریخ ۸۰۱ در شهر بیهان نوشته شده و صفحات آن مصور گردیده است و امروزه در موزه (هنر ترک و اسلامی) محفوظ است.
 ۱۱- دیوان اسکندر سلطان که در سال ۸۱۵ در شهر شیراز نوشته شده و امروزه در موزه گاسگیان در شهر لیبیون حفظ میشود. تصویر بالا از سیر شدن داراب پسر اسکندر را نشان میدهد و از نظر هنر نقاشی و ترکیب رنگها یکی از کارهای هنری برگزیده اوایل قرن نهم هجری است.



کتابهای چاپ قدیم در ایران و چاپ کتابهای فارسی در جهان

ابرج الحار

دوره کتاب خطی با آمدن صنعت چاپ به ایران تقریباً به سر می‌رسد. اگر چه می‌دانیم که در عهد صفویه در جلفای اسفهان ماشین چاپ آورده شده بود و از آنجا چند جلد کتاب با آن طبع کرده‌اند که اینک بعضی از آنها در موزه کلیسای حلما موجود است و عکس صفحه‌های از آن کتاب که مربوط به مسیحیت میباشد در اینجا به چاپ می‌رسد، اما صنعت چاپ برای کتب فارسی و عربی در ایران مربوط به دوران ولایت عهدی عباس میرزای نایب‌السلطنه است.

قدیمترین کتابی که به زبان فارسی در جهان طبع رسیده است مطابق آنچه تا کنون نظر نویسنده رسیده دو کتاب است بامهای «داستان مسیح» و «داستان سن پیدرو» که هر دو با ترجمه لاتین در سال ۱۶۳۹ (۱۰۹۴ هجری) یعنی یازده سال پس از وفات شاه عباس اول در شهر «لیدن» توسط مرد فاضلی بنام «Ludovico de dieu» طبع شده و در انتهای این مقاله نمونه صفحه‌های از آن چاپ کرده است.

همین شخص در انتهای دستور زبانی که برای آموختن فارسی بزبان لاتین نوشته و بام «Rudimenta linguae persicae» «عصرهای زبان فارسی» در همان سال ۱۶۳۹ و در همان شهر طبع کرد و صفحاتی چند از ترجمه فارسی آنجل را بچاپ رسانیده است.

ناگفته نماند که در سال ۹۵۳ شمعی از تورات فارسی بخط عبری یا سه زبان دیگر در استانبول چاپ شده است.

کتابهای فارسی پیش از اینکه در ایران طبع برسد در مسالک هندوستان، عمانی، مصر و شهرهای اروپا بچاپ رسیده است. در هندوستان توسط مأمورین انگلیسی مقیم کلکته نخستین چاپخانه برای طبع کتب فارسی در ۱۲۲۵ دایرند. از جمله

در انتهای اسوار سهیلی (چاپ بمبئی - ۱۸۲۸ تا ۱۸۲۳) که نمونه‌ای از آن در این مقاله چاپ شده است این عبارات مندرج است که حکایت از تاریخ چاپ سنگی کتب فارسی دارد.

... جناب الفتین بهادر فرمانفرمای سابق دارالاماره بمبئی از آن جمله انطبایع کتب به تحریر قلم که از تنبغات حدیده و مبدعات مستحدته و زاده ذهن و قاد و طبع حافی نهاد دانشوران با دانش و فرهنگ ممالک وسیع المسالک فرنگ است اگر چه پیش از این گاهی به قدرت بعضی از نسخ موجزه و کتب مختصره به خط مایه‌قره صورت انطبایع و ارتسام می‌یافت اما از مدونات مبسوطه به خط نستعلیق صرف که اسطفس مفردات و مرکبات آن چندین دور از کار و خارج از دایره برگار شیوه و سیاق استادان صاحب‌فن عالی‌مقدار نباشد تا این زمان در حین انطبایع و ارتسام نیامده بود، جناب سابق - الانقلاب همت بلند نهمت به امام کتاب انوار سهیلی . . منظور داشته . . است کتاب مژبور را به عهده حقیق . . . میرزا حسن شیرازی اشارت و . . . در مطبع بمبئی . . . تاریخ . . . دوم شهر رجب‌الاصب سنه ۱۲۴۳ ست انمام . . . پذیرفت . . . پوشیده نماند که مدادی که جهت استکتاب این گونه طبع اختصاص یافته غیر مداد معموله معطلحه و اجزای آن مرکب از رنگ و الوان که در نقاشی به کار می‌رود می‌باشد. لهذا تحریر و کتابت آن بر فرض و تقدیر تسلط و استعداد به آن ملائمت و سیاقی که با مرکب معموله مهیود در سنگ ترسیم و تطبیر منتظم می‌گردد و آن شیوه و الوانی که در خط مبادار علی‌جمهور

۱ - برای تفصیل به مقاله نویسنده این مطبوع در اینجا مراجعه شود (۱۱ - ۱۲ - ۱۶) .

۲ - سعید نفیسی، ابراهیمی کتاب (۱ : ۲۳۲) .

هترو مردم

داستان مسیح
HISTORIA CHRISTI
PERSICE

Conscripta, simulque multis modis
contaminata,

P. HIERONYMO NAVIER, Soc. Jesu.

Reddita & Animadversionibus notata

LUDOVICO DE DIEU.



LYGDUNI BATAVORUM,

Ex Officina Elzeviriana, A° c1o Io cxxxix.



راست : نمونه يك صفحه از كتاب چاپ عهد صفوي درجلفاي اصفهان چپ : داستان مسيح چاپ سال ۱۶۳۹ ميلادي

۱۷۴۴) که عکس يك نسخه از بندهامه درين دفتر آمده است .
در شهرهای اروپائی پترزبورگ ، وينه ، لندن ، رم
وباریس - لیسن و بعضی بلاد ديگر بيز کتب فارسی به نفاست
چاپ شده است .

چاپ کتاب در ايران

گفته که سابقه چاپخانه در ايران مربوط به دوره صفويه
است . در آن عهد چاپخانه‌ای توسط کشیشان کرملي در آنجا
تأسیس شده و احیال را طبع کرده‌اند که نسخهای از آن در موزه
گلسای وانگ موجود است .
آقای دکتر افضلا الله حنرفر سنگ قبر مردی ارمنی نام

ساجیان این فن و در نظر صاحب نظران ستوده و مستحسن است
در کمال جمعیت و اشکال ملکه فریب به مجال است و کاغذی
هم که بجهت نوشتن معین شده که حروف و کلمات عکساً بطریق
جذب از آن منتقل و منتقش در سنگ می‌گردد بسبب اجزائی
که در آن به حکم ضرورت مستعمل است خش و ماهوار و توسن
خامه در میدان صفحه آن سر کشیده و عاجز از رفتار . . .
از قدیمترین کتابهای فارسی چاپ عثمانی فرهنگ شعوری
است که در سال ۱۲۵۵ هجری چاپ کرده‌اند .

در عصر (مسلطه بولاق) هم کتب فارسی چاپ می‌کردند .
و اولین کتاب بنام «مفاتیح الدریه فی المبات التواریخ الدریه»
در ۱۲۴۲ از چاپ خارج شده است . دیگر از کتابهایی که آنجا
چاپ شده یکم گلستان سعدی و دیگر بندهامه قطراست (هر دو



سر

۱- که کسی که قاعدت جریندی و سعادتی بر آنچه سعادته باشد ۲- نوانگر کند عیب
 کرده است حدیثی از حدیث مرد حریص از حدیث مرد حریص از حدیث مرد حریص از حدیث مرد حریص
 آمدند بدست آورند حاصل عینش ثابت بر حای بودی مراد فراد ۳- میروند ن فرود
 سخن از آن سخن محقق عوش و کئی فریب سبب هلاک است ۴- مردم مردمان
 تن بردوان آن که تن پروند لاضر لاضر اند لاضر از چیزی بودن کبابه از عاری و عیب
 بودن است ۱- حورو حواب نها همان خوردن و خواب کردن طریق دد است راه
 سیاح و پیام است برین بودن در آن دو که شدن آئین تا فرود است و هم می مثل است

راست : صفحه عنوان چاپ بنیسی در ۱۳۱۸ قمری چپ : صفحه اول از بوسان سعدی چاپ گراف در وین (اطریش) ۱۸۵۸ میلادی

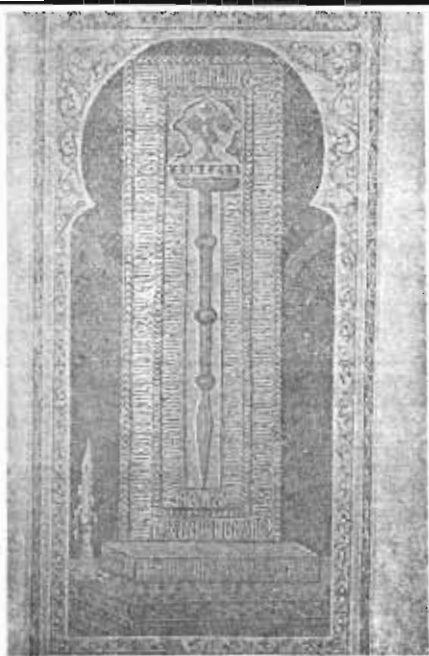
کشیش آسادیور متوفی در ۱۶۹۵ راکه در آن عهد حرفه اش طباعت بوده است در اصفهان دیده اند. که عکس آن سنگ در اینجا چاپ شده است .
 نخستین چاپخانه فارسی که در ایران دایر شد، چاپخانه سربى بوده است که در حدود سال ۱۷۲۷ توسط میرزا زین العابدین نه‌ایران آمد و رساله‌ای بنام «فتح نامه» در باب جنگهای ایران و روسیه در آنجا طبع کرده اند . این چاپخانه در تبریز تا سال ۱۷۴۵ دایر بوده است . در همین چاپخانه کتاب «مآثر السالطانه» و بعضی کتب دیگر از جمله «رساله آبله کوبی» بطبع رسید است .
 نخستین چاپخانه در طهران در ۱۷۳۹ دایر می‌شود که حروف سربى در آن بکار برده می‌شده است و کتاب محرق - القلوب از آثار آن است . نخستین کتاب چاپ سنگی تهران تاریخ منجم است که در ۱۷۵۹ چاپ شده است .
 پیش از اینکه اصطلاح مطبعه و چاپخانه رایج شود اصطلاحات باسمه و باسمنجی و کارخانه و دارالطباعة و دارالطبع و مطبع و مطبعه مطلق بوده است .

در «گاشن عطارد» تألیف عباس عطارد تخلص به شطری که در اصول سیاق و ترسل است و کتاب متداول تحقیقاتی در مکاتب قدیم بود (چاپ تبریز سال ۱۲۶۳) چاپ کننده اطلاعاتی درباره وضع چاپ در عهد محمدشاه به دست می‌دهد که عیناً نقل می‌شود .
 «الحق این عدل طبع مطبوع طبایع است و بهترین مجموع صنایع ، خصوص این کتاب راکه آقا جبار به سرینجه هنر از سنگ مرمر لعل گهر بیرون داده و عالیجاه خیر الحاج حاجی اسد الله مذهب در نقاشی و جد اولش دقت کرده
 الحمد لله در زمان محمدشاه عمل طبع و تمثیل که در عهد تعویق و تأخیر بود در محروسه ایسران شایع و ظاهر گردید خاصه دارالسلطنه تبریز جنت‌نشان که به حسن عظوفت و عین تربیت سرکار سپهر هنر ذات . . . شاهزاده بهمن میرزا . . . این صنعت
 ۱- مجله و جید ج ۴ ن ۸ ص ۷۲ ۲- در عهد عم ایضا
 کتب فارس را با حروف سربى چاپ می‌کردند و بعداً چاپ سنگی باب شده است .
 ۳- السائر و الآثار ص ۱۰۰ .

ز مثال این شیر و شمشیر شد



شرف در شرف در شرف شد پدید



راست: تمکین قبر هیمنجی امنی در عهد صفوی در جلفا چپ: نمونه صفحه عنوان کتاب شرف ایران و افتخار ایران چاپ ۱۳۲۹ قمری

طرفه اینجاست که بسیاری از کتابهای فارسی که در عهد به طبع می‌رسید چون برای مردم ایرانی یا مصرف در ایران بود پشت آنها را با نام سلاطین ایران یعنی ناصرالدین شاه مزین می‌کرده‌اند.

در طبع کتاب چند تن همکاری و دخالت داشته‌اند. یکی بان یا سرمایه‌گذار بوده است که معمولاً در کتب می‌نوشته‌اند حسب الامر فلان شخص بطبع اقدام شد. دیگر می‌باش طبع که از عمل او با عمارت سمی و اهتمام یاد می‌کردند. دیگر خطاط که کتب چاپ سنگی را می‌نوشته است. دیگر عامل طبع یعنی صاحب مطبعه یا کارخانه که عمل بدی طبع را به انجام می‌رسانیده است. کتاب فروشان گاه خود بان بودند و گاه نیز صاحب مطبعه. تاریخ طبع کتب غالباً در صفحه انتهای کتاب ذکر می‌شد. در بسیاری از کتب چاپ هند مرسوم بوده است که تاریخ را به صورت منظوم می‌آوردند و حتی اشعاری در وصف چاپ -

۱ - المآثر والایات ص ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۴.

مدیعی طبع مطبوع جمیع طبایع گردیده است خلاصه کمترین بندگان جهان حاجی نقار تبریزی «مطبوع شد» صنعت چاپ در عهد ناصرالدین شاه رواج بیشتری یافت و کتب متعدد در آن عهد به طبع رسید. اعتماد السلطنه که خود در این کار کوشش بسیار کرد در کتاب «المآثر والایات» شمای دربار «انواع دائره انطباع» و «ایجاد روزنامه» و «ترقی اداره گازت در ایران» و «ایجاد جریده «مصور» و «ایجاد سالنامه و تخصیص طبع تقویم» بیان می‌دارد.

صنعت طبع کتاب در میان ملل شرقی (هند و ترکستان و عثمانی و مصر و ایران) تا سالیهای دراز تحت تأثیر هنر کتاب سازی مرسوم و سنتی شرق بود. یعنی شیوه جدول بندی و سرلوچه سازی و تزئینات و صفحه سازی از سنین خیلی به کتب چاپی منتقل شد و حتی نخستین صفحه کتاب از صفحه دوم (یعنی پشت ورق) آغاز می‌شد و این ترتیب و روش نزدیک صد سال یعنی تا سالهای ۱۳۳۰ قمری برجا بود. امسا آرام آرام صفحه بندی و آرایش فرنگی جایگزین روش قدیم گردید.

و این روش در کتب چاپ ایران هم کم و بیش دیده می‌شود .
از جمله تحفة الملوک کشفی که مضمون است (تقریر ۱۳۷۴) این
قطعه آمده است که :

آقا علی که مخترع فن طبع بود
نامد چو او به دهر هنر پیشه در وجود
در مطبع از سوان و بیاض کتاب طبع
بر رشم دهر رشک شب و رور می‌نمود
آقا علی گذشت و نیامد کشف همال
الا کهین برادرش آن آسمان جود
آقا رضای نسادره فن کر علوه طبع
چرخ برین بمخاک درش روی عجز سواد
گوئی فرشتهای است نه انسان کر آب و خاک
زینسان وجود یاک نیفتاده در وجود
احسن هم به پور گرامیش گوی کار
گوی هنسر ز طایفه سنگدل ربور
نامش حسین و فعل حسن پس زحسن طبع
نیکو سزد بگویش از آسمان ستود
حالی به فن طبع چو او کی است اوستان
در زسر کارخانه این گنبد کبوت
دیدی چو طبع او بنگر طرح نقش وی
کرمانی زمانه هزار آفرین شنود
بر صدق ادعای من «این تحفة الملوک»
کامد چو وحی منزل از عالم شهود
از طبع این کتاب مرا ثابت ادعاست
ای مدعی یعین و گواهم دگر چه سود
ز اوصاف نیک طبعی او تا به روز حشر
کلک من از هزار یکی کی توان سرود
دم در کتبم ز گفته و گویم علی الدوام
منا علی الائمة و الانبیاء درود
منت خدای را که ز ترکیب چهار طبع
زینسان سه یاک اصل بر آورد در وجود
سال هزار و دصد و هفتاد و چهار بند
کاقبال لب به مدحت این هرسه برگشود

از میان کتابهای چاپ قدیم ایران قرآن چاپ محمدالدوله
در ۱۲۴۶ و احمد مزیت فنی است و آن اینکه آن را با حروف
مربع چاپ کرده‌اند و نمونه یك صفحه آن که در اینجا چاپ
می‌شود حکایت از زیبایی و هنرمندی آن دارد .
کتب سنگی را در ایران معمولاً پیش از هفتصد هشتصد
نسخه چاپ نمی‌کردند . چه سنگ چاپ بیش از این قابلیت
استفاد نداشتند است . اگر چه اکمال‌الدین شیخ صدوق (تهران
۱۳۰۱) را در یک هزار و هشتاد و هشتاد چاپ زده‌اند (بشرحی که



صفحه آخر کلیات سعدی چاپ سعدی

در پشت آن ذکر شده است) .
در کتاب زینة المجالس تألیف مجددی (مجدالدین محمد
حسینی) که در سال ۱۳۰۵ قمری در طهران چاپ سنگی شده
است، چاپ کنندگان در پایان کتاب شرحی نوشته‌اند که نکته‌هایی
مهم درباره تاریخ چاپ در ایران را در بر دارد و آن بدین
شرح است :

«چون کتاب زینة المجالس که از کتب معتبر تاریخ است
در این زمان میمنت فرجام سعی و اهتمام رساییده جناب آقا
محمداسماعیل باسحق و منظور آنکه تمام ایران و قفقازیه که
به شغل کتاب فروختن مشغول بودم این اقل السادات یانی کتاب
تمام علما واعیان و تجار و کسبه حتی اطفال معلم خانه که چرا

کتاب مثل سابق نیست بدحظ . بدچاپ ، بدکاغذ ، جواب دادم به جهت ارزانی کتاب . فرمودند پاکیزه بزنند پاکاغذ و خط خوب ، گران بفروشد . امن بود که مراجعت از قفقازیه کیفیت را به جناب آقا محمداسماعیل گفتم . جواب دادند که این کتاب زینت را من میزنم . چون خط خوب و کاغذ خوب دارد که تمام باسندخانههای طهران ، تبریز ، ربهینی و اسلامبول حتی محرکی نرود مانند . مشروط بانکه اجرت زیاد و خلعتهای فاخر و شیرینیهای رنگارنگ بدهی . قبول قول او نمودم و برادری دارد یوسف طلعت ماه جبین ، آقا ابراهیم . داوطلب شد که من هم درقول فرمایش برادر هستم . به آن هم وعدهء حاجت شد . والد مقدس آداب ایشان که تمام گرامش کربلا محمدحسین است او استاد تمام باسندخانه بود و پیرمرد قدیم ، از این کیفیت مطلع شد . دعای خیر درحق ایشان فرمود و اقدام

در کتب نمودند . الحق آنچه فرمودند صد مراتب بهتر شد و والد حقارش زیاد به شاگردهای باسندخانه و والدان خود نموده مشغول به زین شدند . امید که خلاق عالم والد ولدین شاگردان را محفوظ بدارد .

مطلب دیگر استدعا از جنابان مقدسان کتابفروشان و باسندخانهها به چاپ میرسد کسی بی اذن صاحب کار کاغذ بروی او نگذارد . حرام است . علاوه کتب از احکام شریعت مطهره میباشد حرام او بد است . مطلب آنکه تصحیح است .

دیگر آنکه در اواخر این کتاب چون تاریخ است عادت اعلا حضرت شهریار ی ناصرالدین شاه روحنا و روح العالمین فداه تحریر می شود و مختصری از احوالات و سیاست خود اقل السادات او قدری از کیفیت خوانسار که چه قدر با امن بود و حال چه قدر آن شهریار عالی مقدر من فرموده و احوالات

بام نیروان را بستند

رسالته سوره
با دله قویه برتدم جوار کیمسه قز قیامت

از طرف
 فارس بیان صدوق العیفة والایمان موقیدن زمان
 واجب الایمان حضرت نیروان حروف یقین

در جواب

رسالته اول الفیفة اثبات کیمسه های قوی شتم از امتهانی فی الساس
 نورس بند بر سر و بر میان سطر در کیمسه جز صدوق کیمسه نیروان

الف

اقوال الف و کیمسه درین ناکه و

در سند معروفه

مطبع مطبعه نایب شهر رشتی نایب در سلسله ایما و درین مطبعه کیمسه ایست

راست : نمونه یکی از کتابهای چاپ قدیم در هندوستان
 چپ : صفحه عنوان کتاب الحمار یحمل اسفارا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الْقُلُوبَ وَالْبُيُوتَ
 الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يُدَلُّونَ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ نَفَسَ
 وَأَجَلَ سَسَىٰ عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمُوتُونَ وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ
 يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَنَجْوَاهُمْ مَا تُكْتُمُونَ وَمَا تَابِعَهُمْ مِنْ آيَاتٍ إِلَّا
 الْآيَاتُ رَاعَاهَا مَعْرُضِينَ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُجَاوِزُونَ
 مَا كَانَ لِأَيِّهَا مَنعَةٌ مِنَ اللَّهِ السَّعِيرِ وَذَكَرَ أَهْلَكُم مِّن قَبْلُ
 فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دَارُ السَّلَامِ عَلَيْهِمْ يَذَرُكُمْ إِذْ جَعَلْنَا
 الْأَرْضَ جَنَّةً مِّن مَّغْنَمٍ فَأَهْلَكْنَا قَوْمَهُمْ وَذَرَأْنَا فِيهَا
 آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ وَفَالِقَ الْيَوْمِ إِذْ جَعَلْنَا
 النَّوْءَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلًا لَّئِنْ جَاءَ الْبُرْجَانُ فَاسْتَأْذَنُوا
 فَاجْتَبَاهُمْ فَسَمِعُوا فَأَخْرَجْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَمَّا جَاءَ الْغَوْرُ
 فِي الْيَوْمِ طَائِفًا مِّنْهُمْ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْفُ
 بَدْعِهِمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ شِقَاقَ الْبُرْجَانِ وَذَكَرَ أَهْلَكُم
 مِّن قَبْلُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

راست : يك صفحه از قرآن معنوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَكَذَلِكَ نَحْنُ عِبَادُكَ يَا مَنْ تَقْوَاهُ
 أَهْلُهَا أَهْلَانَا يَا مَنْ تَقْوَاهُ أَهْلَانَا يَا مَنْ تَقْوَاهُ أَهْلَانَا
 جِنْسُ اسْتِجَابَةِ رَجَائِكُمْ يَا مَنْ تَقْوَاهُ أَهْلَانَا
 (س) بیان فرمایند چه نصیحتی است باشد (ج) که در دستگیر
 اجتهاد نیستند باشد خواه عاقل و جاهل باشد خواه کافر از علم باشد
 باشد (س) شخصی که خوار و خاضع است در برابر او و او را
 بیان فرماید (ج) چند شرط در آن منبر است : اول آنکه
 باشد « دم » آنکه جان باشد « ستم » آنکه ایمان باشد بک
 که استغثت چه باشد « جهاد » آنکه جاد باشد « مجسم » آنکه ولد
 از نایب باشد « شتم » آنکه بیجهت باشد « فقم » آنکه من بوده باشد
 بر تقید چیست بنامت (س) باقی ماندن بر تقید است تا

چپ : چاپ تهران ۱۳۳۷ قمری

علمای آن بلد و اسامی کتابفروشیهای خوانساری که در کجا
 مندر دارند که بر همه کس واضح و هویدا باشد و اسامی باسماخانهها
 در این صفحه ذکر نمودیم که هر کس طالب هر کدام باشد زود
 پیدا کند امید که خلاق علم وجود مبارک اغلا حضرت شاهنشاه
 را حفظ بفرمایند .

اسامی باسماچی طهران : کربلا محمد حسین میددان
 کاهو فروشان که از قدیم است با ولدان ایشان آقا محمد اسمعیل
 و آقا ابراهیم - جناب الله قلی خان قدیمی است در سر بک کارخانه
 دارد - ولدان مرحوم آقا میر مافر - آقا سید حسین و اخوی او
 دروازه دولاب - آقا محمد تقی ولد حاجی عبدالمحمد تکیه
 زرگرا - آقا میرزا حبیب درباغ خان مروی - آقا مهدی قلی

دروازه دولاب - دارالطباعة که از خود دولت است .
 اسامی تبریز : حاجی عباسعلی - حاجی احمد آقا -
 اسد آقا - مشهدی مهدی - کربلا عبدالحسین .
 اجرت سنگ چهار هزاره

اجرت کتابت یک تومان دوهزار بیت . بیت پنجاه حرفه
 خطی که در نوشتن کتب برای چاپ سنگی به کار صرف
 بیشتر خط نسخ و نستعلیق و گاهی شکسته بود .
 کاغذی که برای چاپ استفاده میشد غالباً کاغذ روسی
 و روزنامه مانند بود و گاه هم کاغذهای فرنگی دیگر که از طریق
 خلیج فارس وارد میشد مورد استعمال واقع میشد . استفاده
 از کاغذ آبی رنگ در بعضی از کتابها که میخواستند صورت

جسدهای ایرانی

دکتر محسن صبا

در تمام ادوار تاریخ کتب خطی نفیس، از اوایل پیدایش تا دوره کمال آن‌ها، چنین ملاحظه می‌شود که هنرمندان کتاب متوجه لطافت کاغذ، زیبایی خط، طراوت تذهیب و ظرافت نقاشی‌ها بوده‌اند. هنگامیکه خوشنویسی کلاک بحار خود را برای نوشتن دیوان شمری و یا داستانی منظوم بحرکت درمآوردند است می‌اندیشیده که زراوندازی اطراف خطوط خود و سرلوح کتاب را یکدوم مذهب و آنگار کند و نقاشی‌های کتاب را کدام صورتگر چیره‌دست با تمام رساند.

اما کتابی که با خطی زیبا و سرلوح و تذهیبی اعلا و تصاویری الهام‌گرفته از مطالب آن و نتیجه تخیل نقاش، فراهم گردید برای آنکه در نگاه نخست جلب توجه کند و در عین حال از گذشت ایام لطمه و صدمه نبیند و لغت و عربیان بنظر نیاید بایستی در روشی مجلل قرار گیرد و بهمین نظر تاریخ جلد سازی پایبای تاریخ کتاب گام بر میدارد.

در این تحول تجمل کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن کریم در دست ایرانیان چنان با قدر و منزلت قرار گرفته است که نمونه‌های حیرت‌انگیز از آن در کتابخانه‌ها و موزه‌ها دیده می‌شود. بعد از قرآن مجید توجه جلد سازان و خوشنویسان و مذهبیان و نقاشان با آثار جاودانی ادبیات پارسی دوخته شده مثلاً شاهنامه فردوسی، آثار سعدی، غزلیات حافظ، رباعیات خیام، اشعار جامی، کتاب مثنوی مولانا و دیگر آثار و نویسندگان و شاعران چون کلیده و مدینه نصرالله عبدالحمید منشی مورد نظر قرار گرفته و در دوره ناصری که صنایع جلد سازی و خط و تذهیب و نقاشی از نو دوره مجد و عظمتی می‌بمورد آثاری از دوران پیش و همان زمان استساخت و تجلید گردیده که موجب تمجید و تحسین است. گذشته از جلد های سوخت و ضریبی و رنگ و روغن صحافان ایرانی از پارچه‌های زیبا و لطیف مانند زری و مخمل و ترمه در ساختن جلد استفاده کرده و معمولاً کتابهای ادعیه را در جلد ترمه که بر بهایتر بود قرار میدادند.

معمولاً جلد های پارچه را روی صفحه‌های از مقوا میکشیدند و حاشیه‌ای از چرم بر آن قرار میدادند و روی چرم را با نقوشی تزیین میکردند.

جلد های ترمه و زری قابل دریافت نقش دیگری جز نقش اصلی نبود و لکن مخمل ساده که قبول طرح میکرد مانند جلد ضریبی اغلب اوقات با تزیینی در وسط تزیین میشد ولی جلدی که آمادگی دریافت طرح و هنر هنرمند را داشت جلد های معروف و رنگ و روغن بود. در این جلد ها نقاشی بطن زهای بدیع هنر نمائی کرده و علاوه بر نقوشی که در جلد های ضریبی و سوخت دیده میشود اغلب اوقات نقاشی، بسانبست امکان، بطرحی پرداخته است و جلد های گل و بوته یا نقش های هندسی یا تصاویر حیوانات در عین آثار هنری نقاشان ایرانی زیاد دیده میشود.

اغلب جلد سازان پشت جلد های رنگ و روغن را نقاشی میکردند و اغلب يك شاخه ساده با يك گل (زنبق یا لاله) در پشت جلد دیده میشود.



راست: کتابخانه سلطنتی
چپ: کتابخانه ملی



آنچه خاص جلدهای ایرانی است و در ساخته‌های سایر کشورها دیده نمی‌شود لبه برگشت جلد بر روی آنست که معمولاً عین طرحی که در روی اصل جلد کشیده شده روی این لبه هست تا وقتی کتاب بسته باشد طرح جلد به‌طور کامل بیاید.

جلدهای زیبا را معمولاً در محفظه‌های چرمی قرار میدادند و برای اینکه براحتی از محفظه خارج شود نواری بوسط محفظه نصب میکردند و کتاب را روی نوار قرار میدادند و بدرون محفظه فرو می‌بردند و چون سر نوار خارج از محفظه بود با بیرون کشیدن نوار کتاب بخودی خود از محفظه خارج میشد و آسیمی نسدید.

اسوند باهل Svend Dahl رئیس کتابخانه دانشگاه کپنهاگ در تصنیف خود بنام (تاریخ کتاب) چنین مینویسد:

«صنعت جلد سازی نزد ایرانیان رابطه نزدیک با پیشرفت مشعش نقاشی مینیاتور دارد. در جلدهای ایرانی لبه زیر ادامه پیدا میکند و روی لبه رو می‌افتد و طوری تزئین یافته که با تزئینات روی جلد تطبیق میکند. نقش جلد اصلاً از یک تزیین و چهار لچک در اطراف آن حاصل میشود. این همان روشی است که در قالیچهای ایران مشاهده میشود و ما بخوبی با آن آشنا هستیم. جلدهای ایرانی قرن چهاردهم و پانزدهم جهان در تزئین ظریف است و از حیث فن جلد سازی عالی است که فوق العاده از جلدهای اروپائی هم‌عمر خود بهتر میباشد. این نوع جلدها از ایران بسایر کشورهای مغرب مخصوصاً به ترکیه برده شد و در قرن پانزدهم جلد سازی ایتالیا را تحت تأثیر قرارداد و افق‌های جدیدی در مقابل جلد سازان و صاحبان مغرب زمین باز کرد.»

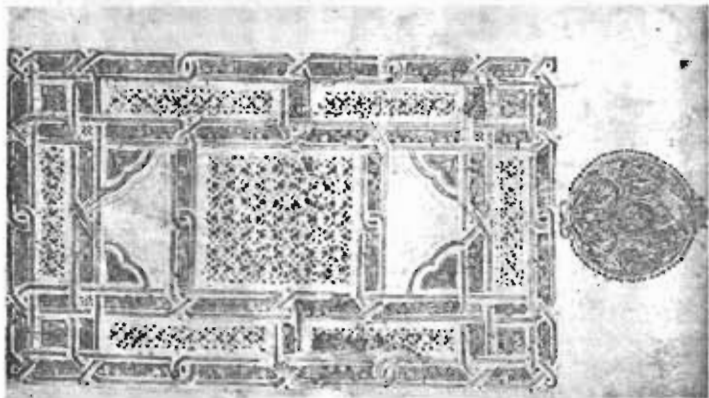
درباره هنر نقاشی و تذهیب کاری در قرون اولیه اسلام اطلاع زیادی در دست نیست. قدیمیترین اثری که از این هنر باقیمانده تنها روی قرآن‌ها آنهم از قرن سوم هجری بید می‌توان ملاحظه نمود. این قرآنهای نفیس که غالباً بدستور سلاطین و امراء وقت تهیه میشد سعی میکردند که بطرز بسیار عالی آرایش گردد.

از طرز تذهیب و آرایش قرآنهاییکه قبل از این زمان تدوین گردیده اطلاع چندانی در دست نیست ولی شاید بتوان تاریخ آرایش و تذهیب قرآن را همزمان با نوشتن آن دانست با معنی که نخست بمنظور تعیین سوره‌ها، آیه‌ها، جزوه‌ها و سجده‌ها آن را بنوعی تزیین نموده‌اند. رفته رفته علاقه مفرط مسلمانان بقرآن و همچنین عشق بنجمل، هنرمندان را بر آن داشت تا در تذهیب آن دقت بیشتری بکار برند و در نتیجه این آثار از صورت سادگی بیرون آمد و جنبه تزیینی بخود گرفت بخصوص که این قرآن‌ها برای امراء و بزرگان و دولتمندان روز نوشته میشد و این امر خود یکی از علل توجه هنرمندان به تزیین بیشتر و بالاخره موجد تکامل فن تذهیب گردیده است. قدیمیترین قرآنهای باقیمانده از قرون اولیه اسلام همگی بخط کوفی است، نقش و تزیین آنها تقریباً یکنواخت بوده فقط دو صفحه اول و گاهی دو صفحه آخر با نقوش هندسی آرایش گردیده‌اند. سوره‌ها نیز غالباً دارای نقوش تزیینی بوده و عموماً درست راست آنها يك یا چندگله درست و تزیین طرح میسوده‌اند. شروع سوره و اسم آن را هم بقلم زر مینوشتند و نقطه‌های حروف را با رنگ قرمز و سبز و یا زعفران و آب طلا مشخص مینموده‌اند. محل حزب‌ها و سایر

علامات هم به همین شیوه مزین شده‌اند. چون عدای از ایرانی‌های مانوی مذهب کتاب دینی خود (ارژنگ یا ارتنگ) را که بوسیله مانوی منقوش و مزین و بد آنها عرضه گردیده بود تزیین نموده‌اند بعد از ایمان آوردن به اسلام از نظر اینکه در این مذهب نقش شکل و تصویر نهی گردیده و مکروه شناخته شده بود احتمال دارد که هنرمندان برای ارضاء غریزه هنری خود بطرزی که در بالا ذکر آن گذشت به تزیین و تذهیب میپرداخته‌اند.

ضمن صفحات بدست آمده از کاوشهای علمی تورفان ملاحظه میشود که نقاشان و خطاطان آن زمان توانسته‌اند بنحو زیبایی خطوط را با نقوش ترکیب نمایند و این سبکی است که در دوران اسلامی نیز متداول و معمول گردیده است.

فن تذهیب روز بروز راهگامال پیمود زیرا بهمان اندازه که نسبت به خوشنویسی توجه میشد فن آرایش و تذهیب نیز مورد علاقه بزرگان و امراء واقع گردید تا حائیکه در نقاط مختلف مملکت بخصوص خراسان، مراکزی جهت تعلیم و پرورش علاقمندان در این فن بوجود آمد. در دوران اولیه خود خطاطان کار تذهیب را بعهده داشته‌اند ولی بتدریج تقسیم کار بین هنرمندان متداول و مرسوم گردید. با احتمال قوی اول خطاط یا خوشنویس کار خود را انجام میداده یعنی نسخه‌کتاب و یا قرآن را می‌نوشتند و در ضمن کتابت آن مقداری را که برای کنییدن صور و یا تذهیب کاری لازم بوده است در صفحات خالی میگذاردند است، بطوریکه یعنی از این کتابها که هم‌اکنون در دست میباشند می‌نمایاند که قسمتی از کار تذهیب ناتمام مانده است.

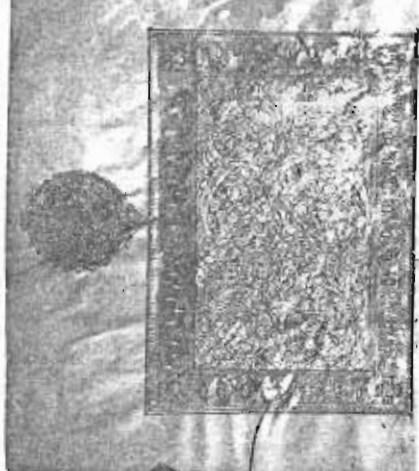
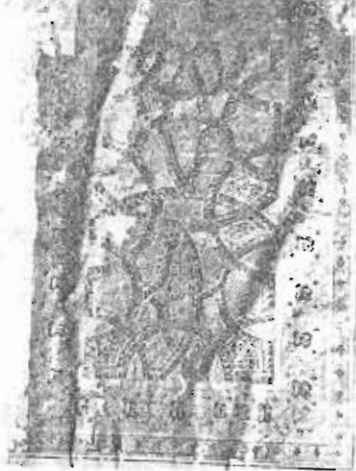


بالا : تذهیب قرآن در آغاز قرن سوم هجری پایین : تذهیب قرآن بصفا کوفی - قرن سوم هجری

طرز تزئین و تذهیب قرآنهای قرن ششم با روشی که در دوره‌های قبل بکار برده شده اختلاف پیدا میکند باین معنی که تزیینات از حال سادگی خارج شد. و نقوش هندسی جای خود را به طرحهای شاخ و برگ داده‌اند. این گلبرگهای پیچیده انسان را بیاد نقوش سلجوقی که بر روی مساجد این دوره در استانبول و قزوین و اردستان بنا شده‌اند می‌اندازد. از دوره سلجوقی تعدادی قرآن‌های مذهب باقیمانده که شاید یکی از بهترین و نفیس‌ترین انواع آن قرآنی است با تفسیر در چهار مجلد که در سال ۵۸۴ فراهم گردیده است. این قرآن برای مطالعه امیرغیاث‌الدین ابوالفتح محمد بن سام تهیه و کتاب آن محمد بن عیسی بن علی استاجوری است و لوگ مشافله از علم مذهب آن تکراری همین باشد و احتمالاً فراهم آوردن آن در خراسان

از نظر اسم، همین امیرغوربان می‌باشد که قرآن بنام او مصور است. در اواخر قرن هفتم و اوائل قرن هشتم هجری شهر تبریز یکی از مراکز مهم برای تشویق و پرورش هنرمندان بشمار میرفت و این امر موجبات توسعه و تکامل فن نقاشی و تذهیب را فراهم ساخت، بخصوص در اوائل قرن هشتم بهمت و سعی خواجه رشیدالدین که بانی روح رشیدی در نزدیکی شهر تبریز است توجه بیشتری برای کتابت قرآن و کتاب و آرایش و تذهیب آنها مبذول گردید و در نتیجه مکتب جدیدی که به مکتب تبریز معروف گشت بوجود آمد که در هنر نقاشی و فن تذهیب دوره‌های بعد تأثیر بسزائی نموده است.

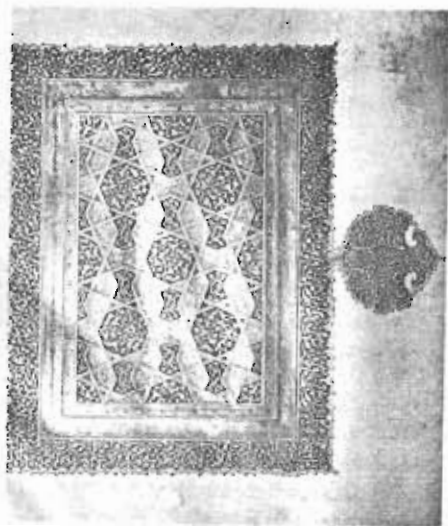
از تغییراتی که در طرز تذهیب و آرایش قرآن و کتاب حاصل گردیده است که اشکال هشت گوش و ستاره‌های دوازده



راست : تذهیب قرآن مربوط بقرن هشتم هجری

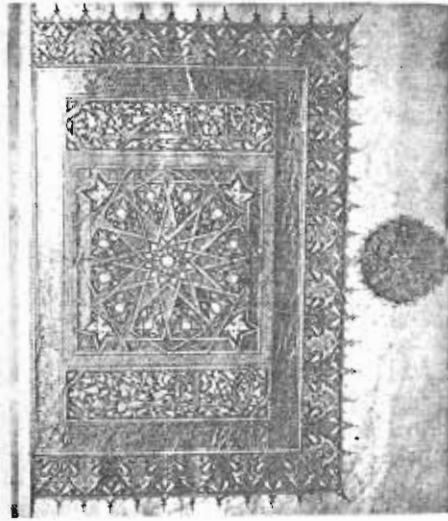
چپ : تذهیب قرآن مربوط بقرن ششم هجری

پالین : تذهیب قرآن کار محمدبن ابیک درسال ۷۰۴ هجری



بر به صورت مرکب یا مجزا از هم بر سر لوح‌ها دیده میشود ،
و نیز ستاره‌های آبی رنگ و گل‌های پررنگ کوچک برای تزیین
بکار میرفته است . سرسوره‌ها نسبتاً پهن و با خط کوفی روی
زمینه لاجوردی بسا شایع و برگ درشت نموده شده است .
در حواشی قرآن نیز گاهی نقش تزیینی از طرح‌های اسلامی
دیده میشود که از حیث رنگ آمیزی بسیار جالب میباشد . علاوه
بر رنگ طلا از لوان دیگر چون آبی ، قرمز ، سبز و پرتغالی
نیز استفاده نموده‌اند . روی مبرفته در این دوره صنعت تذهیب
باوج کمال و ترقی خود رسیده است .

دوره نسواری از دوره‌های بسیار مهم و پر رونق و اعلاى
هنر مذهب کارست . سلاطین نسواری همه مشوق هنر کتاب -
نویسی بوده‌اند که بزرگترین و مهم‌ترین آنها بایستقر میرزا



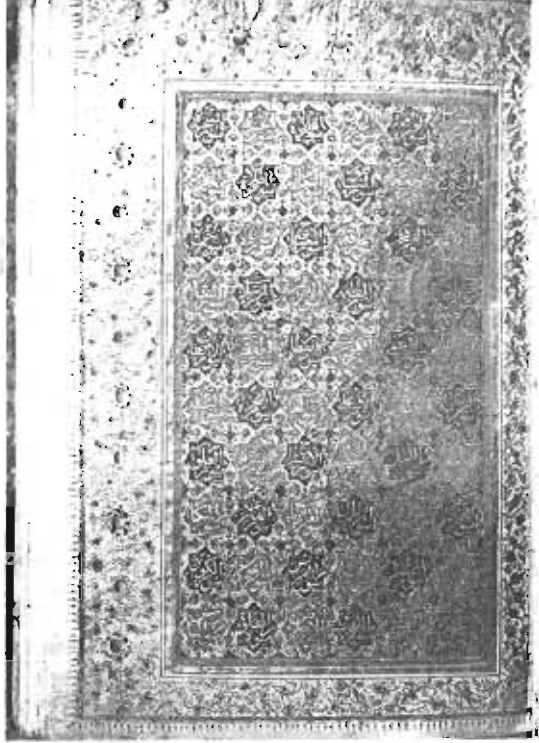
راست : تذهیب قرآن رقم عزیزین محمد - حدود قرن نهم هجری

چپ : سروج قرآن - قرن دهم هجری

بالین : نمونه‌های مختلف از تذهیب قرآن مربوط بقرن دوازدهم هجری



پسر شاهرخ بوده است چه این شاهزاده علاوه بر اینکه خود بشخصه مردی هنرمند و از فنون کتابت و خط و تذهیب و نقاشی بهره‌مند بود، جمع کثیری از هنرمندان که از سراسر امپراطوری تیموری گرد آمده بودند در دربار و دارالعلم و کتابخانه‌های که در هرات بنیاد نهاده بود می‌زیستند. در این شهر کاغذ ساز، خطاط، تذهیب‌کار، صحافی، رنگ‌ساز، نقاش و امثال این قبیل هنرمندان در تهیه کتب که میتوان بعضی از آنها را از نفیس‌ترین و زیباترین کتابهایی که تا کنون تهیه شده دانست با یکدیگر همکاری و تشریک مساعی مینموده‌اند. در این زمان هنرمندان توجه زیاد به ترسیم اشکال نباتات و گاهها و مناظر طبیعی و گاهی اشکال طیور مذبول داشته‌اند. قرآنهای این دوره مخصوصاً آنها که برای شاهرخ و پادشاهان او فراهم



تذهیب قرآن مربوط به اوایل
قرن سیزدهم هجری

شده در زمره زیباترین تذهیب‌کاریهاست. طلا و لاجورد یکی از عوامل اصلی‌کار آنها بوده و در همه حال برای آرایش و تذهیب کتاب و قرآن از آنها استفاده میشده است. صنعت تذهیب که در دوره تیموری راه کمال پیمود در زمان صفویه نیز ادامه یافت. در این زمان زمینه معمولاً آبی‌برنگ است و تقسیمات کوچکتر برنگ طلائی و سبزه دینده میشود. طرحهای تزئینی برنگ سفید و زرد و سرخ و آبی و سبز است. تذهیب‌کاری و نقاشی با طلا در دوره صفویه ترقی کرد. بسیاری از نسخ باقیمانده از این زمان حاشیه بزرگی دارد که مناظر طبیعی و اشکال انسان و حیوان بر آن نقاشی شده و برنگ طلائی و سبز و زرد در آنها بکار رفته است.

دسته گل تقدیم بدوستان کتاب

رکن‌الدین شاه یونفرخ

«در گلگشت کتاب توفیق رفیق و سعادت بختیار و مددکار شد تا به گلپایه نایاب»
«و عطر بیرتر از مشکتاب دست یابم . در پیغم آمد که عشاق کتاب را از آن بی بهره گذارم ، بدین»
«نیت خجسته از هر گلستانی گلی و از هر خرمنی خوشه‌ای فراهم آوردم که دوستان کتاب را»
«هر یک نبوداری از گلستانی و شاهی از شاهکاری است امید آنکه دانش پژوهان را ارمغانی»
«دل بسند افتد.»

تذکره کعبه عرفان عرفات

چگونگی نسخه :

بود شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی نیز بصحبت وی رسیده
وفاتش در عاشورای ۶۸۳ بوده و در بقعه شریف خود در بلیان
مذفون است .

مؤلف کعبه عرفان مدتها در خدمت شاه عباس بزرگ بوده
و در سال ۱۰۰۵ به هندوستان رفته و نزد جهانگیر و شاه جهان از
پادشاهان تیموری‌ها در کجرات و اکبرآباد بسیار معزز و محترم
می‌ریسته . در شعر و انشاء و حید عصر خود بوده و تألیفات
متعدد دارد از جمله : تذکره عرفات الماشقین ، سمره سلیمانی
(لنت) کعبه مراد (منظومه) یعقوب و یوسف مثنوی - لوح
محفوظ مثنوی - بیت مسموع مثنوی - دیوان اشعار شامل
قصاید و غزلیات و رباعی .

شرح حال او در زیحانه‌الادب والذریعه آمده است .
مؤلف در مقدمه این تذکره مینویسد که : «تذکره عرفات که
۸۰ هزار بیت و مبنی بر بیان حال و انتخاب سخن صاحبان سخن
از خاص و عام است بسیار مفصل بود از آن این کتاب انتخاب
و کعبه عرفان نامیده شد . این کتاب انتخاب عرفات
است در نهایت اختصار و آنرا به سه رکن : حنایی - منائی -

۱ - از تذکره عرفات الماشقین دو نسخه در جهان موجود است یکی
مخطوط در کتابخانه ملی ملک تهران و نسخه دیگر در کتابخانه‌های
مدرستان و از نسخه هند عکس نزد محقق ارجمند آقای احمد بهیولی
حواصاری موجود است .

۲ - این نسخه در کتابخانه آقای فخرالدین تعبیری محفوظ است .
۳ - در ۱۷۳ جلد اول جزء نهم .

کاغذ سبزرنگ اصفهانی . قطع ۱۳×۲۳ .
نازک . خط قلم نستعلیق . عنوانها با سبک کوفی . ۵۹۵ صحیفه
۱۷ سطری . تاریخ کتابت و تألیف ۱۰۳۶ .
امتیاز نسخه :

نسخه پس از اینکه بخط خوش نوشته شده است سراسر
آن از نظر مؤلف گذشته و با خط خود در آن اصلاحاتی کرده
و در پایان کتاب ۹ صحیفه بخط خود اشعاری از آثارش آورده
و مهر و امضا کرده است .

شناسایی نسخه :

تقریباً احوادی الحینی الدقاق البلیانی از اجداد
شیخ اوج‌الدین عبداللّه بن مسعود بلیانی مؤلف تذکره‌الشعرائی
است بنام عرفات الماشقین و یکی از خصوصیات تذکره مذکور
آنست که از گویندگان متقدم مقدار قابل توجهی اثر ثبت کرده
است و در باره معاصران و گویندگان قریب‌العصرش شرح حال
و آثار کاملی آورده است . کتابی که اینک معرفی میشود در حال
حاضر تنها نسخه‌ایست از تلخیص عرفات الماشقین آنهم با تصحیح
مؤلف آن . در مقدمه کعبه عرفان عرفات ، مؤلف شرح حال
خود را چنین آورده است :

«حقیر از اجداد شیخ اوج‌الدین عبداللّه بن مسعود بلیانی
است وی از فرزندان گان شیخ ابوعلی دقاق مرهجوی که در نجات
و عرفات و شیراز نامه مذکور است . الحق صاحب مقامات عالیه
و کرامات متوالیه بوده شیخ سعدی را بخندم وی نسبت‌آرا درت

تقریب داد .
 در مقدمه کتاب مؤلف اشعاری از آثار خود آورده است که
 چون متفحص نگهانی تاریخی است در اینجا می آوریم .
 انتخابات مسرا از عرفات
 سزد از کعبه عرفان خوانی
 کاوین رکن در او حسان است
 رکن ثانی گسندش منانی
 کیمیائی است در او رکن سوم
 حجرش را سمت دیسانی
 این دویم کعبه که بانی بودش
 تقی اوحدی بلیانی
 آفتاب است بعالم گیری
 ایسر قیمی بگهر افشانی
 کرده جبریل به بحرش گهری
 فیض رحمت بدرش نیسانی
 خواهی این شعری خورشید طلوع
 یوم و شهر و سنه اش را دانی
 چهارشنبه شهر از هجریه
 سیوم مساه ربیع الثانی
 (۱۰۳۶)

با توجه بتاريخ صریحی که اوحدی بلیانی از انتخاب عرفات
 آورده و سال ۱۰۳۶ است . گفت تاریخ درگذشت او را که
 الذریبه و ریحان الادب ۱۰۳۹ و ۱۰۱۰ ثبت کرده اند اشتباه
 است و قطعی است که اوحدی بلیانی تا سال ۱۰۳۶ زنده بوده
 است . در پایان این نسخه مؤلف چنین رقم کرده است : « بنظر
 مقابله مؤلف این نسخه شریفه حسب الاستدعای میرزائی میرزا
 حیدر بیگا رسید . بتاريخ چهاردهم رجب سنه ۱۰۳۶ و مؤلفه
 اقل الذرات المعانی تقی الاوحدی الحسینی البلیانی »
 و در مقدمه ای که بر اشعارش نوشته چنین آورده است :
 « مؤلف این کتاب اقل ذرات تقی اوحدی بلیانی الحسینی
 چند بیت یا چند رباعی از وردات خویش اگر چه بر نسبت بود
 در آخر این کتاب درج نمود بسمت یادگار خطی که :
 منشی چشمت ز مشک ناب نوشته
 برات جزیه خوبی بر آفتاب نوشته » .
 عکس شماره یک از صفحه آخر این کتاب است .

۲ - گلشن الہی

چگونگی نسخه :

جلد تیساج ۲۱۸۱۴ . کاغذ اسفلهانی آهار مهره . ۵۴۸
 صحیفه ۱۶ سطری . خط نستعلیق . اشعار گلشن راز باشنگرف .

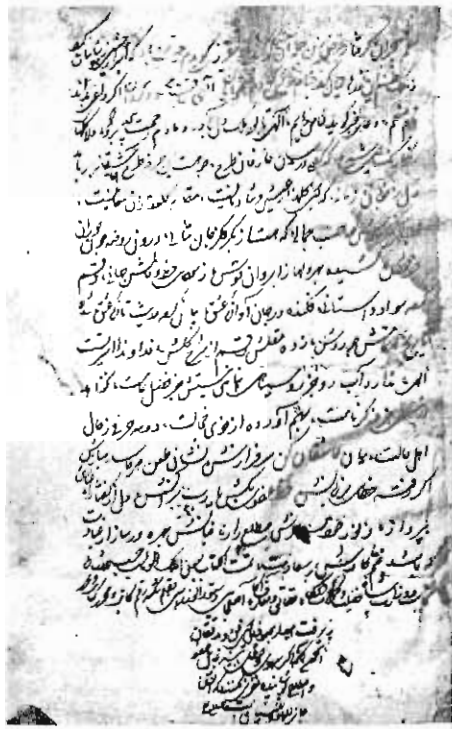
تقریب داد .
 در مقدمه کتاب مؤلف اشعاری از آثار خود آورده است که
 چون متفحص نگهانی تاریخی است در اینجا می آوریم .
 انتخابات مسرا از عرفات
 سزد از کعبه عرفان خوانی
 کاوین رکن در او حسان است
 رکن ثانی گسندش منانی
 کیمیائی است در او رکن سوم
 حجرش را سمت دیسانی
 این دویم کعبه که بانی بودش
 تقی اوحدی بلیانی
 آفتاب است بعالم گیری
 ایسر قیمی بگهر افشانی
 کرده جبریل به بحرش گهری
 فیض رحمت بدرش نیسانی
 خواهی این شعری خورشید طلوع
 یوم و شهر و سنه اش را دانی
 چهارشنبه شهر از هجریه
 سیوم مساه ربیع الثانی
 (۱۰۳۶)

کتابخانه و خط المین ندوی آمینی
 شماره ۳۲۰ تاریخ ۱۳
 پایان کتاب کعبه عرفان عرفات

خط مصنف . عبدالله افندی صاحب ریاض العلماء این نسخه را
 دیده و در کتاب خود معرفی کرده است . تا آنجا که نویسنده
 اطلاع دارد یک نسخه دیگر از این کتاب وجود دارد که در شعبان
 سال ۱۲۸۵ زروی نسخه مورد بحث استنساخ گردیده است .

شناسائی نسخه :
 گلشن الہی شرحی است بر گلشن راز شیخ محمود شبستری
 قدس سره . شارح شرف الدین عبدالعزیز از دیوبند متخلص
 به الہی از عرفا و شعرائی قرن دهم است که در ۹۵۰ درگذشته
 است . تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد جز شرح الہی و معانی
 الاعجاز که حقیر معرفی خواهد کرد تاکنون ۱۵ شرح بر گلشن
 راز نوشته اند که شناخته شده است .

۱- این نسخه در کتابخانه اوسنده محفوظ است .



گلشن الہی

شارح در مقدمه گلشن الہی می نویسد: اما بعد، چنین گوید: فقیر غیاث العالی حسین بن عبدالحق الاردبیلی الالہی وفقہ اللہ تعالیٰ مولاد کہ این ورقی چند است در شرح عبارات و اشارات و کشف اسرار و اشارات کتاب گلشن راز کہ میان کاملان مشرب حقیقت و مجاز شیوعی تمام و شہرتی مالاکلام دارد مشحون بفتویں حقایق ارباب عرفان و موصوف مصنف و فایق اصحاب ذوق و وجدان کہ شریفترین مطلوبی است بہ لطیفترین اسلوبی صورت انتظام یافته و بر تومہر سپہر کشف و شہود بر آن ناختہ.

زہی نقلی کہ از بحر حقایق
برون آرد حصہ درہای فایق
کند عالم پیر از اقلانہ عشق
دہد جام می از خیمخانہ عشق

از او هر نکته‌ای چون جان عارف

سلام پیش ارباب معارف
نویسنده اکثر شروخی که برگلشن راز نوشته شده مطالعه دارد و میتواند در مقام مقایسه بگوید شرح گلشن الہی نسبت بشروح دیگر این امتیاز را دارد کہ در نہایت ایجاز و اختصار و رعایت سادہ نویسی از عہدہ بیان معضلات گلشن برآمده و تعریرات او نشان میدہد کہ بر مصطلحات و حقایق عرفان احاطہ و آشنائی کامل داشته است.

برای نمونہ مختصری از متن کتاب آورده میشود:
بیت ارگش:
تو آن جمعی کہ ہیں وحدت آمد
تو آن وحدت کہ عین کثرت آمد

یعنی انسان بہ حسب ہیأت اجتماعی و صور و معانی و قوای جسمانی و روحانی آن جمعیت کہ بواسطہ ترقی و وصول بمقام احدیت عین وحدت گشته ہمہ خود را دیدہ است و آن واحداً کہ بعد از تحقیق ببقا، باللہ از مقام احدیت در مراتب اسماء و صفات تنزل نموده عین کثرت گردیدہ است پس تو کہ انسان کاملی از مرتبہ کثرت بہ سیر فی اللہ بمقام وحدت اتصال می نمائی و از مرتبہ وحدت بسیر باللہ عن اللہ بمنزل کثرت فرود می آئی و دایرہ وجود بمرج و نزول باتمام میرسد و قوسین وجوب و امکان یکی میشوند. عکس شماره ۲ صفحہ آخر این کتاب را نشان میدہد.

۳ - مصابیح الاعجاز - جواهر المثنوی

چگونگی نسخه:

جلد تیاج ۱۸۸۱۰ کاغذ فرنگی نخودی خط شکستہ نستعلیق. مصابیح الاعجاز بہ جلد در حدود پنجہزار بیت جواهر المثنوی چہار جلد در حدود پانزہ ہزار بیت. تمام بخط وامضای محنت و منحصر.

شناسائی نسخه:

مصابیح الاعجاز شرح گلشن راز. مصنف آن محدومسوی ملقب بہ حکیم و متخلص بہ نجم است گلشن راز را بہ همان بحر مثنوی شرح کردہ است. درباره آثارش در آغاز شرح مثنوی بنام جواهر المثنوی می‌بوسد:

«از اول شباب شروع در انشاء مثنوی نموده قریب ہمسہ ہزار بیت می‌شد و کتاب خواجہ شیراز را فی البدایہ انہایہ تخمین نمونہ بودہ برخی مفرضین با چند کتاب دیگر سرایت کردند و تادوسال اہمآ طبع راغب بانشاء نگریدید. گرچہ بمنزل

۱ - در کتابخانہ نویسنده محفوظ است.

از جلد چهارم جواهر المنوی : مولوی :
پاك كن از مفر و از بينی زكام
تا كه ريح الله درآيد در مشام
همچو مگداز از سب صغرا اثر
تا نیایی از حسان طبع شکر

پاسخ او نهم :

آنچه ای که دیده‌ها داری . ظهور
نیست گاهی پیر دل داری ز نور
حر حواس طاهری ناس معنوی
بس حواسی در درون ناری قوی
چشم ظاهر صورت آن چشم دان
گوش ظاهر صورت گوش بهان
همچنان دان ای برادر این حواس
آن حواس را نما یگر قناس
تا سبیل در دیده‌ها داری درون
کی به بینی ای برادر خود برون
موی‌های عیب از چشمت برآر
تا به بینی عالم جان را هزار
موی‌های عیب کورت میکند
از مقام دوست دورت میکند
موهای عیب را رو پاک کن
باغهای عیب را اندک کن
آنچنان دیده که بیند عیبها
کی کجا بیند رموز غیبها
دیده از بد دیدن ایدل پاک کن
دیدهای عیب بین بر خاک کن
دیده‌های حس به بند از عیبها
نا گشایندت بدیده عیبها
دیدگانی که بود آن عیب بین
کی کجا کردند جانا غیب بین
عکس شماره ۲ از نسخه پانان جواهر المنوی است .

○ - تابش مهر بینش - سیمرغ

جگنوگی نسخه :

جاد نفوا . ۳۰×۲۰ . کاغذ فرنگی آبی . پنجاه صحیفه
در حدود هشتاد بیت . خط نستعلیق خوش . ستور فلکی
نقاشی آت و رنگ و دوایر با جوهر سرخ در هیأت قدیم . منحصر
بفرد . رساله سیمرغ نیز منقسم باین رساله است با همدان مشخصات
در هیأت جدید در حدود هشتاد بیت . بخط مصنف . تحریر یافته
در ۱۳۱۰ هـ .

شهر و مردم

نه بر سر خاکستان
(تجوید ناله سحر راه)
(۱۳۳۶) سر سبز بر سر
در سبزه و قوت نام چنان
در سبزه و قوت نام چنان
جدید در سبزه و قوت نام
شرح هر دو نسخه
عکس هر دو نسخه
فصلی در سبزه و قوت نام
فصلی در سبزه و قوت نام
فصلی در سبزه و قوت نام
۱۳۳۶

جواهر المنوی

شناسایی نسخه :

ابوعیسی محمد صادق الحسینی فراهانی قائم مقامی ملفف
به ادیب‌الممالک و متخصص به پروین و بند امیری متولد ۱۲۷۷
در گذشته بنال ۱۳۳۶ هـ .

نسخه ای که معرفی میشود بخط مصنف و منحصر بفرد است
و بطوریکه شادروان وحید دستگردی ضمن معرفی آثار
ادیب‌الممالک یادآور شده است - منظومه سیمرغ و تابش
مهر بینش مقفوله الاثر بوده و موجب خوشوقتی است که اینک
این دو اثر از گوینده‌ای عالیقدر بدست آمده و در کتابخانه
نقیس آقای فخرالدین نصیری محفوظ است .

یگواهی این دو منظومه شاعر و سخنور نامی، ادیب‌الممالک

۱ - در مقدمه دیوان ادیب‌الممالک چاپ وحید دستگردی آبان
۱۳۱۳ شرح حال ادیب بقلم خودش بجا آورده است . خوانندگان
بدانجا مراجعه فرمایند - این نسخه متعلق به کتابخانه آقای نصیری است .

فارسی و عربی و علم انساب و علم الرجال در علم هیات قدسیه
و جدید نیز اطلاعات وسیعی داشته و اجازتنامه عالم شهریه
و حکیم بن نظیر استاد عمر جامع الممتول و الممتول و حاوی
الترویج و الاصول آقای حاج میرزا محمدحسین مجتهد شهرستانی
بر این مصفا گوهری مباحث است .

تمناً این دو منظومه نشان میدهد که ادیب الممالک افرازی
خط نستعلیق و شکسته را بسیار خوش مینوشته و در مقامی نیز
صفت داشته است . برای آنکه ارزش علمی این دو منظومه
روشن شود اجازتنامه ای را که با کاردیم در اینجا میآوریم .

«بسم الله الرحمن الرحيم فلا اقسیم بمواقع النجوم که دیده
دوربین روزگار هر چند بناظره نوبت و سیار در ادوار نهر
نظر نموده چنین نادره ای در علم هیات ملاحظه نموده و تشریح
افلاک کله و جزئیه و تنقیح مواقع نوبت و سیار باین و من
لطیفه تاحال از کسی بوقوع نیانجامیده و از طلوع آفتاب حقایق
دقائقش انجم متفهمین روی بمغارب افول نهاده و از
حطوط مستقیمه المعانی حقائقش سائرکتب تعلیمیه در زاویه
خمول افتاده . هر نظمه اش مرکز دایره تحقیق و هر خطش
محور فلک تدقیق ، ارتفاع مطالب عالیهاش اعلی از معدل النهار
و استقامت اشعار سامیه اش عدیل افطار و اوتار ، هر سطرش
دفتری در شرح هیات بطلمیوسی ، و هر حرفش تبصره ای بر تذکره
محقق طوسی .

و لاعتز و فان مؤلفه ، کوکب من سماء الفضل طالع ،
و نجم من فلک العلم ساطع جامع الکمالات النوره و المنویه
و حاوی الخصال الحمیده من الدنیویه و من الاخرویه ، نور حقیقه
الفهم و الکمال و نور حقیقه الفضل و الجلال . السید السند
المؤید و المسدد امیر الشعراء و انیس الفضلا ، لازال مؤسساً

و قد فرغ علی نسخه «مواقع النجوم» فی قلیل من الایام و نظم
مطالبتها بنحوینیش الیه طبع الامام فکا کاشه الماء الزلال و البحر
الحلال و یحق فی باربعه ان یقال : قطعه .

کتابی بدین فشر و لطیف و صفا
نموده است در صفحه آسیا
جوهیات از او گشت روشن جو روز
تاریخ گو غش شمس الضحی
(۱۳۱۰)

و ابناً یوانگمت :

کتابی چنین نغز در علم هیات
نموده است در مبدأ آفرینش
جو روشن شد از وی علوم ریاضی
تاریخ گو «تابش مهربیش»
(۱۳۱۰)

وقفه الله لمرامیه و محل مستقبل امره خیراً من حاسیه
و ارحمها ان لایسی من الدماء کمالاً انشاء الله . حرره
بسماء الدائره العبد الجانی محمدحسین الحسینی الحائری
الشهرستانی غفر عنه ۱۳۱۰ صحیح است . شهرستانی . محل مهر .
عکس شماره ۵ از اجازتنامه علامه شهرستانی است .

آغاز تابش مهربیش :

هر که آئین معرفت جوید آفریننده را ثنا گوید
آنکه بیوند آحتیجان کرد فلک جسم روشن از جان کرد
صانع عرش و خالق کرسی کارفرمای رومی و فرسی
حفت کرد این طبع سرکش را آب و خاک و هوا و آتش را
ساخت بالای بکدر کره ها قطعه ها رسم کرد و دانه ها
بهر رسم نقوش این آثار کاف ستاره بود و نون پرگار



صورت اجازت است
۴

مطبخ را داد زه بکری جسم
هر که در خط مستقیم آید
جیب این خط شریعت بیضا
هر که نه کرده شه لولاک
انجام :

شکر بردان که این صحیفه نذر
سرآمد چنانکه شایان شد
حتم شد از نامه پنجم
سال تاریخ ختمش از استاد

خفته را هم بخط نمود طلسم
جسم را از طلسم یگانه
جیست این جسم عقل تیره ما
فقط گردون مدار نه افلاک

که زیبا تا به سر بود همه متر
راز گردون در آن نمایان شد
روز سنجینه از رجب پنجم
تابش مهر پیش آمد باد
(۱۳۱۰)

عکس شماره ۶ از پایان کتاب تابش مهر پیش است بخط
ادیب الممالک فراهانی و عکس شماره ۷ بشور فلکی است که
از قلم ادیب الممالک است .

۶- سپهرغ : آغاز آن :

ای امری برون حضرت حق
چند گونی فاشه های کهن
آنچه کردی در این جر بده بیان
راست ناید بزعم عسویان

پایان تابش مهر پیش که ادیب الممالک در اینجا اجدادش را
تا امام چهارم شیعیان ذکر کرده است



بهل افشانه های بطلمبوس
وزیوتون بجان مخور افوس
ما همه در برون خر گاهیم
حس و طلی بکار در بدیم
همین بنیاید کردگار ودود
ام این نامه را بهم سپهرغ
تا نماید بجا زعیسی مرغ

۷- منشأ، الانشاء - منشآت خواجه فضل الله

چگونگی نسخه :

«قطع ۲۵x۱۶ س. کاغذ خانیاویغ، مجدولر بطلا. خط
سخ و ستعلیق. عنوانها ماشگرف ۵۴؛ صحیفه ۱۲ سطری،
جلد نماج، نسخه بخط مؤلف آن ابوالقاسم شهاب الدین»
«احمد خوافی متخلص به منشی است که در اواسط جنادی-
«الاول سنه ثمان و ثمانین و تسعمائة ۹۳۸ آنرا بیابان رسانیده»
«است»^۱.

شناسائی نسخه :

بطریقیکه شهاب الدین منشی مؤلف کتاب در بخش مودت-
نامهها، ورده این منشآت اثر قلم خواجه فضل الله است که
که نزد چند تن از سلاطین سمت ریاست دیوان رسائل و انشاء
را داشته و مؤلف کتاب از شاگردان اوست و به دستور و سفارش
امیر بیگا وزیر، منشآت استاد خود را گردآوری کرده است.
در ضمن منشآت فریدون بیک و نسخه کتابخانه پاریس
به نتانی Bib Natsuppens 1815 دو نامه هست که از منشآت
سید فضل الله نامیده شده است. حال این سید فضل الله - همین
خواجه فضل الله است درست نمیدانم، هم چنین هم عمر این
منشی یک خواجه فضل الله دیگر میباشیم که مؤلف تاریخ
بایندری و رساله بدیع الزمانست که آنها را بنام سلطان یعقوب
موشح ساخته و بنام «فضل الله بن روزبهان» معروف است ولیکن
نویسنده تحقیق کامل و مستندی درباره شخصیت تاریخی نویسنده
منشاء الانشاء ندارد. هر چه هست نویسنده منشآت یکی از افاضل
و منشیان کامل بوده و در فضل او این بس که گفته شود، باستاند
نامه ای که در منشآت او هست مولانا علی قوشچی شرح تجرید
خود را نزد او به هرات فرستاده و استدعا کرده که آنرا مطالعه
و تصحیح و تنقیح کند.

مؤلف منشآت استادش را به ترتیب زیر بر حسب موضوع
تدوین ساخته است :

یک عنوان - دو فقره - دو سطر - دو اعلام - دو عبارت -
دو تشبیه - سه خیال - یک مطلع - دو مضمون - یک تخلص -
یک قافیه - خانه، رو بفرقه ۲۰۵ نامه در این تالیف آمده است.
نامههایی که در این کتاب آمده گذشته از نشر فصیح و بلیغ
آن که برای ادب زبان فارسی بسیار مفید است محتوی نکات

۱ - این نسخه در کتابخانه نویسنده محفوظ است .

ناش بمیریش



فلندرنشایوری - عبدالحی منشی - معین الدین تونی - میراحمد
خوافی - خواجه غیاث الدین پیرحسین - مولانا قطب الدین
طیب کرمانی و . . . و .

اینک برای نمونه نامهای ارشاد الانا، آورده میشود که
در تنبیه دوم کتاب آمده است بدین عنوان :

«مراسلن صحاحن جلس و یاران انیس، نماینده سیه خیال»
«ملاعت مآل خیال اول نامهای امرا و سرداران حدود و ارجا - بهامیر»
«علیشیرکایت نموده - در اظهار آثار غرض ناسد که از خواجه مجاهدین»
«محمد به انتخاب مره بعد اخری در باب کتاب جامع المذایع سلطانیه»
«وقوع میبایست و از او مشتکی بوده» .

غرض از عرض این ضراحت آنکه فقیر مختل الحال پیشتر
از این بمدت ده سال بر حسب اشارت آن عالیحضرت به جمع
و ترتیب مآثر ساهانی اشتغال نموده و در عرض پنجاه روز مشغول
از آن نزدیک به هشتاد جزو مرتب گردانید مشتمل بر مقدمه
و چهارمقاله . مقدمه در بیان نسب همایون و مقاله اول در ذکر
بعضی از احوال ولادت و جلوس و مکرمت ایشان و مقاله دوم
در فتون شرعیات که التزام نموده اند و سیم در اقسام عدلیات
و چهارم در ابواب خیروچون در اوراق اصل سواد که بموجب
فرموده آن عالیحضرت بدین فقیر سپرده اند سیادت و تأدیب
جمعی که سب خائت نفس و شرارت ذات و هر نوع جنایتی
دیگر متهور و مستأهل شده اند منبت و مذکور بود بضرورت
اشاره میباید و محتاج آن طایفه میبایست نمود تا آن غضب
و سیاست از قبیل عدل و انصاف باشد به تخصیص که بعضی از
مقهوران در ایراد نامه خود و سابقه متنوع نوشته بودند و بنده
نیز بر حسب فتوی ایمنه خود را رخصت نوشتن آن احوال بر این

بسیار ارزندهای در تاریخ قرن هفتم و هشتم است بخصوص
مکاتیب دیوانی آن میتوانند برای محققان مفید فوایدی باشد
و مکاتیب عمومی آن نیز برای بررسی اوضاع اجتماعی قرن
هفتم و هشتم مطالب سودمندی در بردارد .

نامها بیشتر از زبان سلاطین و ملوک و اواخر قرن هفتم
و اوائل قرن هشتم است که در قسمت های مختلف ایران حکومت
میکردند از جمله :

سلطان حسین میرزا باقرا - ابوسعید میرزا - امیر
خسرو شاه - همایون پادشاه - سلطان انبیک پادشاه کابل - بادگار
میرزا - سلطان غیاث الدین پادشاه منداب - سلطان خلیل والی
ملک عراق - عبیدالله خان - ملک جگر که - ملک گلبرگه -
و . . . و .

و هم چنین از طرف وزرای بنامی چون : امیر نظام الدین
سلطان ابراهیم - امیر نظام الدین علی شیر نوایی - خواجه قطب
الدین طابروس - خواجه شمس الدین دیوان - خواجه مجد الدین
محمد خوافی نظام الملک - خواجه علاء الدین کرمانی - مولانا
عماد اصفهانی وزیر پادشاه منداب - و . . . و .

و با دریاخته نامه های دانشمندی است مانند :

مولانا عبید الرحمن جامی - مرقدی اعظم امیر سید عماد الدین
محمد چنابذی - ابوالفضل میهن - احمد خوارزمی - زلالی
شاعر - صبوری تونی شاعر - کمال الدین عبدالرزاق - استاد
احمد نائی - شیخ ابوسعید پورانی - قطب الدین حمید خوافی -
سید صدر الدین شیرازی - خواجه محمد پارسا - غیاث الدین
ساری - مولانا علی قوشچی - معز الدین شیخ حسین - نظام
الدین داود خوافی - کمال الدین حسین واعظ کاشفی - یار علی

سپیدی از سباده دیده خود با چشم کز چشم خردان بر سر
 در شش قدم کلام و جنبش فانی آرام این کتب باقیست تمام عدد اجزای کتابت
 آن جز شید فاضل است فراموش است بعد از این که شورش سپاسیده بود که در فضایی
 بیت بر تفرش برادر زانو زبرد . یکی چاک در آتشش فخر است . گفت
 در کوی رسالت آن کجایه فاق تصور بگفت عارف خورگوشه در باب کتابت
 سعادت انجام بران جسد انما هم در عرض نام فرموده اند در نظم مضاعف است کتابت
 بعد از شش و پنجاه است . در حوض و حلال احوال این است با کمال
 پیوسته ای و در شش شاطراک انعام در آینه بیاض دیو به نامش است
 زبان طوطی جانکس آری در سخن بر برای بیان آن در این فصاحت و بیعتی آن
 با دایره سخن است گفتند با سبک با کلام در کتابت . شمس کار کار اینها
 جوهری است با سبک با کلام . خود کلام با سبک با کلام . کتب العزیز
 شمس در کتب حسنی المخلص فی فی ادا بر خط جانی اولی کتب العزیز است

مثلا الانا.

وجه میدانست که مجرّد حکم السلطان اکرام و برضیر آفتاب
 تأثیر روشن است که جمیع تواریخ سلف مشتمل است بر اقسام
 تربیت و سیاست که سبب هر یک از آنمدح و ذم باز نموده اند
 بلکه کتب مشایخ نیز چون متنوی مولوی و حدیقه شیخ سنائی
 و جام جم شیخ اوحدی و سلسله الذهب حقایق بناهی و سایر
 دفاتر علماء ظاهر نیز به تخیص علامه شیرازی در نسخه که
 بفعلت قائلان مشهور شده وجه جای آن که کلام مجدد سعادت
 نیز محتوی است بر بسیاری از آثار قدح و مذمت و فخر و عظمت ،
 پس فقیر فقیر نیز به تتبع سلف و رعایت دستور انصافت بمعایب
 جمعی که در مسموده مبطور بودند لازم داشت تا سبب غضب
 سلطانی ظاهر گردد و بسبب اسم طالب علمی بر روزگار غیبی
 نایب نگردد و جمعی دیگر از ارباب تسلط و اقتدار که همیشه
 به نسبت فقیر بیچاره مرصده انداء و استمرار می بوده اند و تا حاصل
 آن شهرت تمام دارد از آن نسخه تا تمام مجرّد هیولائی را
 پیش از آنکه صورت تصحیح و تنقیح یابد بر تقریب گرفته اند

۱ - مقصود عبدالرحمن جامی است

چندین سال نگاه داشتند و نگذاشتند که به حک و اصلاح بقرار
 و قوام آید تا در این اوقات که آن حضرت عنایت فرموده و به جمع
 و تألیف اصل تاریخ همایون اشارت فرمودند و آن صورت به هیچ
 وجهی ملامت مزاج آن جماعت نبود اولاً در باب ضبط مسوده
 عذرها گفتند و ثانیاً تغییرات و تحریکات نمودند که بهر حال
 آن صورت تغییر یابد و سلسله الثقات آنحضرت بحال این فقیر
 انتظام نیابد و علی الجملة اصل مسوده تاریخ پیشینه را پیش انداز
 کردند و از جمله هشتاد جزء که همه در باب شرع و عدل و احسان
 و خیر است مؤکد بآیات قرآنی و احادیث رسول علیه السلام
 و نصایح مشایخ چند ورق منفرق از قبیل امور سیاسی که تعلق
 بر مرء مودبان میدارد که بر اضرار مسلمانان احرار نموده اند
 و در آن باب هر چند مبالغه در ذکر معایب آن مقهوران پیش
 رود . ظهور آثار عدالت و دنداری پادشاه اسلام بیشتر باشد
 بظرف عالی رسانیده اند و آنچه اصل الباب کتاب است مخفی داشته
 و مسحوب گذاشته و غرض اصلی ایشان اظهار نسبت خیانت
 لاوائف بنفس این فقیر که چند سال میگذرد تا از خیانت
 مجلس های پراکنده ایشان اعراض نموده بوسیله ترک و تجرید
 در گونه مسجدی بر طبع و وظیفه بگفتگوی علمی اشتغال دارد
 و در واقع موجب این خیانت غیر از این نی ، که این بنده از
 محاسن چنان احتراز نموده بدستور سابق تردد و آمد و شد
 نمی نماید و با آنک هم چنین جماعت بعداوت دایمی که روز بروز
 موصول میرسد و شفاعت اکابر دین در این باب بجائی نمیرسد
 دفترها در ذمت این فقیر ساخته و پرداخته اند و بعضی از خواص
 محبت ایشان که هم در آن حوالی بانتخاب تواریخ عالمیان
 مفرور است در حوض هر یک از این مقهوران دیوانی دارد و بنده
 را سز در آن باب فرو نمیگذارد هرگز از این طرف تعرضی
 بظهور رسیده وبا وجود رخصت شرعی که جزء سبب سیه
 مثلها مکانات آن صلحت ندید میراع :

لاله ساغر تبر و مطرب مست و برمن نام فقی
 اکنون بدین مقدار که مجال دحل یافته اند در کوی و بازار
 پایدا و تعرض ناقصود میرسانند امیدوار است که چون آن
 حضرت بحمدالله سبحانه بکمال دانش و عدالت سرافرازند
 طغیان اعدا ارباب تسلط در نظر اشرف مسحوب نماند . بیت :
 مرغ حریم گلشن عشق توأم جسر
 برمن فضای عیش بود تنگ چون قفس
 و هو حسبی و نعم الوکیل مخفی نماند که فقیر گوشه نشین
 را در این تصدیح هیچ نوع غرضی و مدعائی نیست غیر از آنکه
 در مجلس عالی از فساد اهل غرض ایمن باشد تا در زاویه فقر
 و تشنگی بسطای دولت مغفولی تواند نمود . (رسم الخط این
 نسخه مانند نسخ قرن هشتم است و ب و ز و ج . ب درج آمده
 که در استخراج رعایت شده است) .
 عکس شماره ۸ از صفحه پایان کتاب مثلاً الانا . بخط مولف .

اصفهانى نخودى . ۲۷۶ ص ۱۹ سطرى . خط قلم استمليق
 دوائر واشكال باسنكرف . نسخه بخط شارح آن مورخ ۹۲۹
 وحواشى كتاب بخط ملازمعلمى منجم (صاحب ست باب)
 آغاز كتاب
 شناسائى نسخه :

اجناس حجد و سياس معرى از توهم تهاى وانواع شكر
 بى قياس مبرى از تحيل تهاى قدرى را سزده ستن رفيع
 منيع قبه خضرى مرصع بدر و ثنائى كواكب زواهر برافراشته
 يد قدرت اوست .
 پايان :

تاريخ تأليف هذا الكتاب به سنين الهجرية ۹۲۹ به سنين
 اليزدجردية ۸۹۲ به سنين الرومية ۱۸۳۴ به سنين الجلالية
 چهارمجد و جهل و بئس . تمت فى الرحب بعون الله التته انا العبد
 عبدالعالى غفر الله الاحد الرئوف نه والوالديه بحق محمد العتيب
 الامين . عسكر شماره ۱۰ اصفحه پايان كتاب زيغ الخبيك
 بخط شارح .

۱۰ - جوامع احكام النجوم

چگونگى نسخه :

جلد تيماج ۲۲۵ × ۱۷ کاغذ اصفهانى نخيم نخودى
 ۳۳۲ صفحه ۲۵ سطرى خط بين نسخ و تعليق مورخ حدود
 هشتصد هجرى - دوائر و خطوط و سرفصلها باسنكرف^۲ .

شناسائى نسخه :

« نسخه مورد نظر يکى از تأليفات گرانقدر دانشمند شهر
 « و عاليقدر ايران فرید خراسان امام حجة الدين بن ابوالحسن
 « ابن ابوالقاسم ميهيقي است . مؤلف تاريخ ميهيقي و آثار بسيار ديگر
 « که در اين مختصر شناسانده خواهد شد .
 « امام ميهيقي در ۵۶۵ ه . در گذشته و چنانکه خواهيم
 « گفت جوامع احكام النجوم آخرین تأليفات اوست . کتابى
 « که معرفى ميشود از ارزنده ترين کتابهاى قرن ششم است زيرا
 « گذشته از مطالب علمى آن اثر فنيب و وليم آن از بهترين
 « ترهاى قرن ششم است و متأسفانه از آثار مشهور قرون پنجم
 « و ششم کمتر اثر نرسيست داريم اينست که برأى ادب و فرهنگ
 « ما اينگونه آثار و نثر آن بسيار منتهم است . در اين اثر چنانکه
 « خواهد آمد مصنف دانشمند آن کتابهاى بسيارى را که در علم
 « نجوم تأليف يافته و بیشتر مؤلفان آن ايرانى هستند معرفى
 « ميکند که مسأله آرياها تاکنون معرفى نشده اند . هرچنين

۱ - از کتابهاى غير کتابخانه آقاى فخرالدين نهبيرى است .
 ۲ - از کتاب ... الخود کتابخانه آقاى نصيرى است .

« فهرستى از آثار خود دست ميدهد که آگاهى بر آنها برأى
 « اهل تحقيق سودمند تواند بود .»

آغاز كتاب که مصنف خود و خاندانش را معرفى ميکند
 چنین است : جنين گوييه خواجه امام حجة الدين فرید خراسان
 ابوالحسن بن الامام ابوالقاسم زيد بن الامام اميرك محمد بن انصالح
 الامام ابى على الحسين الامام ابى سليمان فنديق بن ابوبين الحسن
 وهو يعنى الحسن الساكن به «ستوى» من نواحي بستان . والامام
 الاحل العالم ابوالحسن مصنف الكتاب مقيم به نيشابور و سبق من
 تراجمها . ويعرف بالامام ابى الحسن الامام ابوالقاسم البيهقي
 و لقبه ابوالحسن على بن ابى القاسم . زين بن اميرك محمد بن
 على الحسين بن ابى سليمان فنديق بن ابوبين الحسن احمد بن
 عبدالرحمن بن عبداللّه عمر بن الجرير بن عثمان بن ايوب بن
 خزيمه بن عمر بن خزيمه بن ثابت ذى الشهادةين صاحب رسول الله
 صلعم .

در مقدمه مصنف نام تأليفات خود را چنين آورده است :
 در صرف و ادب : وشاح دميته القمر و لقاخ و روح القمر .
 در اختيارات اشعار اهل عصر که بعد از تصنيف دميته القمر
 خواجه على بن الحسن باخزرى رحمة الله کرده بودند . يکجلد
 نخيم .

شرح زيغ العرک بىرجندى



هر دو يك مجده است و كتاب الزمائل يك مجلد ديگر و قوام
 ايعلام الطب يك مجلد - ايعلم المرضي يك مجلد - الموثيقه
 في المنكر الشريفه يك مجلد - ذخائر الحكيم يك مجلد - منافع
 في نشر الكتاب نجات سه مجلد - كثر الحج در اصول يك مجلد -
 عرايس النفاثي في ايمانف العلوم يك مجلد - تنبيه العلماء على
 تنويد المشتهين بالحكماء يك مجلد - مجاميع الامتياز چهار مجلد -
 شرح مقامات حيريزي ياكه مجلد - از اعيان الرياض الشريفه و شرح
 الالفاظ المستعمله في المحاوره و الشريعه يك جلد امثله اعمال
 النجوميه يك مجلد - فرائد آيات القرآن يك مجلد - كتاب
 السفره و معرفه الكره و ذات الخلق و الاسطرلاب يك مجلد -
 كتاب سائنن الانس في البراهين النفس يك مجلد - كتاب
 المتشرف في فض الكتاب المعبر يك مجلد - تحرير التذكير يك
 مجلد - اشارت المجازي في النوازيح دو مجلد - شرح كتاب
 نهج البلاغه يك مجلد - كتاب سئمه صواب الحكمة يك مجلد -
 درة الوشاح يك مجلد - رسائل و مختصرات ديگر بسيار .

مصنف عاليتقدر در مقدمه آورده است كه كتاب جوامع
 احكام النجوم را از ۲۵۷ مجلد از كتب احكام كرد آورده و از
 استادش در اين اثر چنين ياد کرده است « و استادم . استاد
 خراسان جادو كاره . . . با فهرستی كه مصنف از آثارش بدست
 ميدهد چنين برمي آيد كه كتاب جوامع احكام نجوم را در پايان
 عمر و پس از تأليفات ديگرش تصنيف کرده است . »

اينك نمونه اي از نثر كتاب كه ضمناً در آن از كتب
 نجومی بسياری ياد ميکند آورده ميشود . « ص ۱۴۸ نسخه »
 « . . . در احكام تحويل سالهاي عالم تصانيف بسيار کرده اند .
 هر سن را كتاب العرض است و كتاب الاسرار - بطلنيسوس را
 كتاب حدود الارواح از انواع سخن ميگويد و احكام هر سال
 عالم بنا بر آن کند . و بزوجه مهر كتابي کرده است آنرا بهار نام
 نهاده است در اين باب - و حكيم اندريا كتابي کرده است جامع
 در اين فن و كيهل هندی كتابي کرده است آنرا كتاب الامطار نام
 نهاده و اين اختصاري است از كتاب حكيم اندريا . زيرا كه
 اندريا ايشان احكام نواب در احكام سال عالم سخن گويد
 و كيهل آن فصول در تصنيف التفاط کرده است . و حيه هندی
 كتابي کرده است نام آن جفر نام نهاده - و عطارد بن محمد الحاسب
 آنرا شرحي کرده است و اين طارقي كتابي کرده است و آنرا
 اسرار الرياح نام نهاده است و در آنجا نكته هاي بسيار است - و
 سهل يهودي كتابي کرده است و آنرا كتاب الاحداث نام نهاده
 است و ابو معشر بلخي كتابي کرده است كه آن را كتاب حدود
 الرياح نام نهاده است . و يعقوب ابن اسحاق كندی كتابي کرده
 است و آنرا كتاب الامطار نام نهاده و كتابي ديگر ساخته آنرا
 احداث الحوام نهاده و كتابي ديگر ساخته و آنرا قرانات الكواكب

نهاده . و احمد بن الحبيب كتابي ساخته است آنرا كتاب الانواع
 نام نهاده - و - مانند ابن الراسبي كتابهاي بسيار ساخته است
 در اين باب . و ابو القاسم بن عبدالله بن الحسين بن عمر المنجم
 الملقب به غلام زحل كتابي جامع ساخته است در اين باب و آنرا
 كتاب احداث . . . نام نهاده و ظرفي كه در كتاب جامع شاهي
 آورده اند هم از اين كتب کرده اند و من اين جمله كتب مطالعه
 کرده ام و از آنجا آيج لايق اين مجموعه بود بناورده و فوق كل
 ذي علم عليم . و امثا زيچ ها كه بدان طوابع عالم و طابع
 اجتماع و استقبال مقوم بر تحويل استخراج ميكنند بفايت بسيار
 است و بعضي اختلاف دارند اول زيچ سندهند است . ديگر
 زيچ ارج مهر ، و ديگر زيچ الاركنه ، و زيچ القانون المعروف
 ناوي و زيچ منجن - و زيچ منجن كه رسد كواكب کرده است
 در ايام مأمون خليفه و در آن زيچ نهاده و زيچ الشاه و زيچ
 الشهر ياران . المعروف بعزيح القوس و زيچ الشجعه كه بجد اولي
 چند كه در آنجا نهاده اند ياساي تقويم كواكب بيرون توان آورد
 و گوشت از او و از زيچ سيد صحيح تر نهاده اند و در رؤيه الالهه
 و كوف هيچ باز نخوانند ، و زيچ ارج مهر - و - ار كندي .
 دو است كسي آنرا در اين ايام بكار نداشت است و اما زيچ قانون
 كه ابن اعلم شريف . از آنجا موضع مريخ مهذب گرداننده است
 در تقويم مريخ بكار دارند نخست و اين تقويم مريخ الزآن زيچ
 ابن اعلم با معانيه باز خوانند اما زيچ منجن . مأمون خواست كه
 سالهاي بسيار كواكب را رسد کند . پس عمر نيافت . پس از
 مرگ او يحيى بن ابي منصور و حنين بن عبدالله او را امل نهادند
 و هر يكي بر آن زيحي ساختند يكي زيچ - يحيى بن منصور -
 و ديگر زيچ حيش حاسب و در آن زيچ ها هم تفاوت هست كه
 ايشان نهاده اند و زيچ شاه نگاه داشتند و بر آن اعتماد کرده
 و آنرا شاه براي آن خوانند كه ملك زيجات است . و زيچ
 شهر ياران هم بصواب نزديك است و ادوار پارس متمدن براي
 ادوار است و آن در زيچ شهر ياران است . زيچ بناني است (؟)
 و اين اصل ومدار است . و از آنجا هر يك زيچ ساخته اند چون
 عبقوني و خاطري و كوشيار و علي نسوي - خوارزمي و غير
 ايشان و اصل زيچ تباني است فامثا زيچ معتبر سجزي (سكزي)
 كه حكيم عبدالرحمن قانون بر اختيار نهاده است و استادان من
 گفتند كه در زيچ معتبر بفايت عطارد و زهره صحيح اند و ما
 معانيه آن بهتر از آن با خواند كه زيچ تباني . . . »

عكس شماره ۱۱ آغاز نسخه جوامع احكام النجوم .

۱ - از ايويمش بلخي نسخه اختلافاتي بسيار كه من متعلق
 به قرن سده در كتابخانه دوست عزيزم آقاخان فخرالدين سميري هست كه
 مورد استفاده نويسته فرار گرفت .
 ۲ - در نسخه خوانا نيست .

بپوزار رحمت الهی مترشح شدند باران را خصلت تمام بهر لب
 همت عالی ایشان بود بعد از این واقعه جمعی از متکبران که
 در ملازمت خان کلان بودند از کمال بی‌مناسبتی که ایشان را
 سخنان اینطایفه بوده حضرت خان ایشان را از گفت و شنود
 استطایعه منع فرموده بودند - غالباً خبر بر ایشان می‌فرستادند
 که شنیده شده که شما در سخنان این مردم گفت و شنید منکرده‌اید
 مگوئید که حضرت خان منع میفرمایند قیاس بر خود مبکرده‌اید
 کار با کتان را قیاس از خود مگیر

گرچه ما در نوشتن شیخ شیر
 با آنکه حضرت خان کمال اخلاص و اعتقاد خود را ظاهر
 ساخته بودند بخصرت محدود ما که من معتقد این خانواده
 و حضرت خواجه احراز خواجه عین‌الله‌ایم تا که هر مشکلی
 و تشویشی که میشود حضرت ایشان متوجه می‌شویم و ایشان ظاهر
 میشوند همه مهمات ما کفایت میشود . با آنکه حضرت ایشان
 در سخنان، مشکل اینطایفه نمی‌گفتند از کتب اماء غزالی و تفسیر
 فاضی میگفتند»

عکس شماره ۱۲ پایان رساله معراج‌العاشقین

۱۴ - قانون الادب

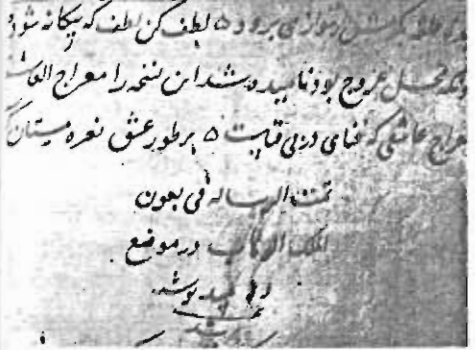
جنگوگی نسخه :

حد ثنیماج قطع $\frac{1}{2}$ ۲۶۸۱۷ صحامت کتاب پنج‌سانتیمتر.
 کاغذ سمرقندی نخودی آهارمهره خط نسخ عنوانها باشندگرف -
 با اینکه مالک نخست آن تاریخ تحریرش را با نصد و چهل و هشت
 دانسته لیکن آقای نصیری مالک کنونی آن تاریخ کتابت آنرا از
 هتتمصد هجری کهن تر نمیدانند و نظر ایشان صائب است. رسم الخط
 نسخه متعلق به قرن هفتم هجری است .
 شناسائی نسخه :

مؤلف آن شیخ ادیب ابوالفضل جیش بن ابراهیم تغلیسی
 است که آنرا در یازدهم جنادی‌الاولی سال با نصد و چهل و هشت
 بمایان آورده است لغت عربی بهارسی است و مؤلف در آغاز آن
 مینویسد :

میسای خدای را که قادر بر کمال است ، قدیم و توانا
 و بی‌زوال است ، کریم بزرگوار و ذوالجلال است ، خالق
 سموات و ارضین و جبال است ، مبدع جن و انس بلامجال است ،
 و درون بر موجد علیه‌السلام که برگزیده و خوب خصال است
 قهر کننده کفر و شرک و ضلال است ، و بر باران و اهل بیت و هر که
 مصطفی را قرابت و آن است چنین گوید . . . که چون از تصنیف
 کتاب بیان آنچه بپیرا ختم نگاه کردم بکتب‌هایی که در علم ادب
 بیاری هر کسی ساخته بودند ، کتابی ندیدم که اسماء و افعال
 و جمیع و حروف این جمله مشروح اندر و موجود بود ، چنانکه

۱ - از کتابهای کتابخانه آقای نصیری است .



بیت سقا تصوف

ممسی هر یکی از این یاد کرده شد بیاری واضح در آن کتاب
 دیدار کرده باشند که هر خواننده و آموزنده آنرا زود فهم کند
 و دریابد ، پس چون بدین‌سان که یاد کرده شد کتابی کامل و مفید
 در این عمل ندیدم . جهد کردم و رنج بر خویش نهادم تا
 بر طریق قافیه کلام عربی‌تر با هنق بر ترتیب جمله حروف نظام
 بهم جمع آوردم از کتب‌هایی که در علم ادب معروف و مشهور اند .
 چون کتاب غریب المنصب - کتاب جمهره - کتاب محمل‌اللهه -
 کتاب اصلاح المنطق - کتاب دیوان‌الادب - کتاب صحاح‌اللهه -
 کتاب ابواب‌الادب - کتاب الفاظ مجموع - کتاب قریب
 ابو عبید - کتاب ادب‌الکاتب - کتاب البهار - کتاب روضه -
 کتاب مشکل‌اللغات - کتاب مجموع‌الآداب - کتاب متخیر الفاظ -
 کتاب الفاظ این‌سکیت - کتاب الفاظ عبدالرحمن - کتاب شرح
 فصیح‌الکلام - کتاب غرائب‌القران - کتاب غرائب‌الحدیث -
 کتاب اصلاح کتاب‌العین - کتاب المداخل - کتاب نسیم‌البحر -
 کتاب لباب‌الادب - کتاب الاشتقاق - کتاب مشکل - کتاب
 الواسطه - کتاب الاسماء و الافعال - کتاب حقایق‌اللهه - کتاب
 ترجمان قرآن - کتاب السامی فی الاسامی - کتاب الدستور‌اللهه
 کتاب مصادر قاصی - کتاب المدخل فی‌اللهه - کتاب الغنیه -
 کتاب مبادئ‌اللهه - کتاب البذله - کتاب الارشاد فی‌اللهه - کتاب
 خلاص نظری - کتاب البلغه - کتاب مقدمه‌الادب - کتاب
 بیان‌اللهه - کتاب المقصور - کتاب المثلث - کتاب السلامه -
 کتاب شرح سبع طول کتاب شرح الحماسه .

وزان پس کازین کلام ، این کتابهای نفیس را که یاد کرده
 شد به ترتیب جمله حروف به‌نسق در این کتاب یاد کردم و نامش
 کتاب قانون‌الادب نهادم زیرا که این کتاب در ادب ، اهل‌عجم‌را

نسانالی نسخه :

محمد طاهر بن ابوطالب بن عبد الله الشهير بشاه بنده و متخلص
به عامل الدين از گويندگان دوران نامری است . او مرید یکی
از مشهورترین نوابان سلسله علمیه رشویه مهدویه بوده و طبیعی
سرشار داشته است . کالیات او شامل است بر : دیوان فولاد -
کتاب حکایات - در احوال اردبیل - ساقی نامهها - حکایت
دختر قیصر رومه - قانون الرفیق - مختصات - غزلیات - قصائد .
در آثار کالیات مصنف می نویسد : چنین گوید بنده شرفنده حقیر
محمد طاهر المتخلص به عامل الدين در سنه ۱۳۰۳ که با مرحوم
مصطفی قلیخان امیرتومان که از دارالخلافه تهران باردیبل
رهسار گردید الی یومنا هذا که سنه ۱۳۲۴ هجریه منسقوطیه
میرنشویه است دست و تکمال است که باین ولایت آمده و در این
مدتی با چند سفر بسرحد پیلهسوار مفان با اتفاق حکیم ان آرمالی
مالزم خدمت و بنویسندگی مشغول و سفری بدتربیز و در حکومت
جناب مستطاب اجل اکرم آقای تهرخان رشیدالملک امیرتومان
از سرحد مفان بعزم آستان یوسی مبارک شاهنشاه سریر ارتضی
حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا روحی و روحی العالمین
له القدا فیض یاب گردید . . .

برای نمونه از آثار این شاعر گنم پسندیده آن دانست
که یکی از ساقی نامه های او را بیاورد که تاکنون در هیچ اثری
ندان اشاره نشده و کسی را بر آن وقوف نبوده است :

ساقی نامه

بیا ساقی افزون بده ساغری
فراموش سازم غم لاغری
از آن می بده رفتگی بخشدا
وز آن زندگی بندگی بخشدا
مددبخ بر من که بگذشت عمر
بس شب بدوروز و طی گشت عمر
بیا ساقی ای پیر این دهر تن
می افتاده ام شو مرا مستگیر
ز دروسای فیضت به بخشا مرا
ره بسته خود باز بگشا مرا
دهه ساقیا جدم ساغر بنید
که هامون شد از یرب بکسر بنید
مه بهمن آمد بیر سیم تن
بود باده چون روح اندر بدن
بیاور از آن باده مشکبار
که جز می نشاید مرا در کنار
با امتحان شد ز بالا و پست
السی به از می نیاید پست
زمستان جو کافور نارد ز میغ
توساقی زمستان میکن می دروغ

الشیخ محمد طاهر بن ابوطالب بن عبد الله الشهير بشاه بنده و متخلص
به عامل الدين از گويندگان دوران نامری است . او مرید یکی
از مشهورترین نوابان سلسله علمیه رشویه مهدویه بوده و طبیعی
سرشار داشته است . کالیات او شامل است بر : دیوان فولاد -
کتاب حکایات - در احوال اردبیل - ساقی نامهها - حکایت
دختر قیصر رومه - قانون الرفیق - مختصات - غزلیات - قصائد .
در آثار کالیات مصنف می نویسد : چنین گوید بنده شرفنده حقیر
محمد طاهر المتخلص به عامل الدين در سنه ۱۳۰۳ که با مرحوم
مصطفی قلیخان امیرتومان که از دارالخلافه تهران باردیبل
رهسار گردید الی یومنا هذا که سنه ۱۳۲۴ هجریه منسقوطیه
میرنشویه است دست و تکمال است که باین ولایت آمده و در این
مدتی با چند سفر بسرحد پیلهسوار مفان با اتفاق حکیم ان آرمالی
مالزم خدمت و بنویسندگی مشغول و سفری بدتربیز و در حکومت
جناب مستطاب اجل اکرم آقای تهرخان رشیدالملک امیرتومان
از سرحد مفان بعزم آستان یوسی مبارک شاهنشاه سریر ارتضی
حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا روحی و روحی العالمین
له القدا فیض یاب گردید . . .

قانون الادب

امیل و قانونی بزرگ است خاصه شعرا را از بهر قافیه شعر
و انبا را از بهر لغات مشکل و کسای را که در علم ادب محتاج
و رغب باشند جمله را این کتاب بکار آید و از سایر کتبهای
دیگر مستغنی شود آنکس که در این علم این کتاب را بخواند
و فهم کند زیرا که در هر فن از جمله علوم چون کسی خواهد که
بخواند از بهر معنی این کتاب وی را بکار آید که کتبهای
فلسی در علوم بتاری موجود است تپاری .
عکس شماره ۱۵ از نسخه پایان کتاب قانون الادب .

۱۵ - کلیات عامل الدين

حکونگی نسخه :

جلد تیسام قطع ۳۵×۲۱ کاغذ آهار مهره ۸۸۶ صفحه
و هر صفحه ۲۳ سطر است مجموع ابیات در حدود ۳۶۷۵۳ بیت .
حدت متعلق بساز خوش بخط مصنف مورخ ۱۳۲۴ ه .

از کتابخانه آقای میرالدین حسینی محفوظ است .

نمی‌تواند آورد.

درود بر آل و اصحاب او که هر يك مقتدای دین و پیشرو
زاد یقینند باد. اما بعد: سبب تحریر این رساله آنکه چون
این فقیر کم بضاعت بر تقصیر اقل عباد الله بخدمت پادشاه مکنبر
بانگاد عالم پناه جمحاد ظل الله بیت:

شاهی که در زمانه ندارد نظیر خوش

شکرا و واجب است که در روزگار ماس

اعنی شاهین شاه بهمنی نب حسرو گیتی بشاد سلیمان
حسب بیت:

شاه جم قدر فلک مرثیه سلطان محمود

که یکی پرده بود نه فلکش گرد حرم

... مستعد و سرفراز گشت و طبع آن خداوند عالمیان
! به جمع علوم متبحر دید و فصلش تا بعدی که هر عمارت
خاصه که می ساختند در اکثر آن عمارت کتیبه ها بخط اشراف آن
خداوند جهانیان بود! و در علم ریاضی که اقی عنوم است بیلی

۱- گمان می رود شاه محمود بیلی از پادشاهان بهمنی هند بوده است.

تمام داشتند خصوصاً بعلم ادوار که ادق ریاضی است و کتابی چند
که در کتبخانه عامره از جهت تکلف در الفاظ و تداخل علوم
دیگر قریب الفهم نبودند چون اعلیحضرت سلیمانی و قوف بافتند
که این کمیته از این علم خبری دارد فرمان واجب الادعان
سادر شد که رساله ای بسازید در علم ادوار که قریب الفهم باشد
ناهمه خاص و عام نفع گیرند بر حسب فرمان جهان مطاع این رساله
ساخت و بنای رساله بر مقدمه و چهار اصل و خاتمه نهاد.

مقدمه در آنکه صورت و نغمه چه چیز است و از چه حاصل
می شود و چون حاصل می شود و معنی لفظ موسیقی و الحان.
فصل اول در تقسیم دساتین بر يك وتر تا پنج وتر که عود
فصل اول در تقسیم دساتین بر يك وتر تا پنج وتر که عود
پنج وتر که عود اصل است در موضوع معینی اصل سوم در
استخراج دوایر مشهوره از هرساز. اصل چهارم در ايقاع
یعنی اصول خانه و آن چهار فصل است. فصل اول در اسامی
سازها و کمال و نقصان هرساز و در آنکه هرساز را که پیدا کرده
و تواریخ آن، فصل دوم در اسامی مباشران این فن و حالات
و مقالات ایشان. فصل سوم: در آنکه هر آهنگ و هرساز چه
طبع و خاصیت دارد و هر آهنگ را در کدام وقت و بیش که باید
نواخت و کیفیت آن و غیره ها. فصل چهارم در آنکه اهل این
فن چه نوع ساوگ و زندگانی می کنند و در مجلس که روند و از
مجلسی که اجتناب کنند و آداب مجلس چون نگاهدارند و آنچه
در این باب بکار آید. *

۱۷- دیوان ساغر اصفهانی

چگونگی نسخه:

جلد نیم جاد مشکی ضریبی. قطع ۲۰×۱۱ کاغذ دولت آبادی.
خط نستعلیق - چهارصد و بیست و دو صفحه و هر صفحه ۱۴ سطر
و در بعضی از صفحات غزلهای تازه تری را که شاعر سروده
در حاشیه ثبت کرده است. روی هر فته پنجهزار و پانصد بیت شعر
دارد تمام دیوان بخط ساغر است و نسخه نامدرالوجودی است.
در پشت آخرین برگ دیوان نوشته است «بسم الله تعالی این
کتاب را منتقل نمودم بنور چشم عزیز مکرم و فرزند با تمیز
فخیم خود آقا میرزا محمدجعفر زاده الله اعزازه را بقباله که
بیادگار بماند و پس از درود جهان یاد نماید. امضا و مهر محمد
ابراهیم ساغر».

شکس شماره ۱۸ از صفحه پایان دیوان ساغر اصفهانی بخط او.

شمالی نسخه:

محمد ابراهیم متخلص به ساغر اصفهانی از شاعران عارف
و شریف کلام دوره لاسری است و غزلهای او غالباً و سوز و شور

۱- متعلق بکتابخانه نویسنده است.



گنجینه‌های درباره کتاب

آنچه میخوانید سرگذشت کتاب است در سیر قرون - در جهان و ایران . . .
و در این سیر به اخصار به مکنه‌های جالبی درباره کتاب - از آغاز پیدایش تا امروز
اشاره رفته است . . .

* اولین گام بشر را در راه شناختن فن چاپ و دسترسی به کتاب بایستی ساختن مهر دانست.
این مهرها را هزاران سال پیش بامر کب آغشته کرده و بر روی احکام و فرامین و تعهدات،
روی پوست حیوانات نقش میکردند .

* مهر داربوش کبیر پادشاه هخامنشی را که از گرانمایترین آثار باستانی عوزه «بریتیش
میوزئوم» لندن است میتوان بعنوان قدیمی‌ترین کلیشه جهان شناخت .

* چینی‌ها در حدود - ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح موفق به اختراع کاغذ شدند . این کاغذ
از بکنوع الیاف گیاهی تهیه میشد .

* بعد از چینی‌ها، مصریان باستان از گیاهی بنام «پاپیروس» بعنوان کاغذ استفاده کردند.
آنها پس از خشک کردن برگ و ساقه این گیاه و آغشتن آن به مواد شیمیایی مخصوص
مطالب خود را روی ورقهایش مینوشتند .

* اولین نشریه - که میتوان آنرا ابتدائی‌ترین کتاب دنیا دانست یک کتاب ۶ صفحه‌ای
چینی بود موسوم به «یکن یائو» که توسط مردی بنام «سوکونگ» در سال ۴۰۰ میلادی
انتشار یافت . مفاد این کتاب ۶ صفحه‌ای روی حریر زرد رنگ بسیار لطیفی درج شده بود.

* در اروپا صنعت چاپ ابتدا بصورت چاپ چوبی بوجود آمد، باین ترتیب که تصاویر
مقدمین را همراه با بعضی کلمات و عبارات بر روی چوب حک کرده و صفحه را با مرکب
آغشته مینمودند و چاپ میکردند . با استفاده از همین طریق بود که اولین «انجیل» چاپی
عالم را منتشر کردند .

* صنعت چاپ به شکل امروز، نتیجه فکر و ابتکار یک زرگر آلمانی موسوم به «گوتنبرگ»
است . او به سال ۱۳۹۷ در سیر مانس متولد شد و در سال ۱۴۵۳ با اختراع حروف
سنگی و سپس فلزی صنعت چاپ را بصورت امروز به بشریت عرضه داشت .

* اولین کتاب جهان بصورت و فرم کنونی انجیل معروف گوتنبرگ است که در سال ۱۴۵۵
میلادی انتشار یافت . این انجیل چاپی با صرف دو سال وقت در ۶۴۳ صفحه چاپ شد .

* در سال ۱۶۴۰ یعنی ۳۳۵ سال پیش چاپ به ایران آمد. گروهی از ارامنه تاجسر چاپخانه‌ای مجهر به حروف ارمنی به جلفای اصفهان آوردند و این نخستین چاپخانه‌ای بود که در ایران تأسیس گردید و اولین کتاب که در ایران چاپ شد انجیلی بود به زبان ارمنی که در هسین چاپخانه به چاپ رسید و یک جلد آن در حال حاضر در موزه جلفا وجود دارد.

* نخستین چاپخانه با حروف فارسی به سال ۱۱۸۹ شمسی (۱۵۶ سال قبل) به کوشش میرزا زین‌العابدین خان در تبریز تأسیس شد و اولین چاپخانه تهران در سال ۱۱۹۴ شمسی دایر گردید.

* تا شهریور ۱۳۳۰ انواع کتاب چاپ شده در ایران بسیار ناچیز بود و از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد. اما این تعداد بطرز روزافزونی اوج گرفت و بنا بر آمار سازمان بونسکو در سال ۱۳۴۳ به ۳۹۱ و در ۱۳۴۰ به ۵۶۹ و در سال گذشته به ۱۲۰۰ نوع کتاب رسید.

کتابخانه‌ها

* بزرگترین کتابخانه جهان کتابخانه معروف «لنین» است در مسکو و پس از آن کتابخانه «کنگره» در «واشنگتن». در کتابخانه «لنین» بیش از ۲۴ میلیون جلد کتاب به ۱۷۳ زبان دنیا وجود دارد.

* کتابخانه لنین در سال ۱۸۶۳ تأسیس گردید و نوابغ و برگزیدگانی چون: تولستوی - داستایفسکی - چخوف - لنین - ودانشندانی مانند: دیپتری مندله‌یف - کلیمنت تیمریازف و کنستانتین تسولکوفسکی از مراجعین و مشتریان پر و پا فرس این کتابخانه بوده‌اند.

* بزرگترین کتابخانه ایران کتابخانه «ملی» است که فریب ۷۳۰۰۰ جلد کتاب دارد. از مجموع این کتابها ۴۵۰۰ جلد آن کتب خطی است. بنای این کتابخانه بدستور شاهنشاه فقید رضاشاه کبیر بنیان نهاده شد.

* از نقطه نظر کتب خطی کتابخانه ملک معتبرترین کتابخانه کشور است که از ۱۹۲۷۰ جلد کتاب آن بیشتر از ۶۴۰۰ جلد کتب نفیس قدیمی و خطی است.

* پس از کتابخانه ملی، مهمترین کتابخانه‌های ایران در حال حاضر عبارتست از: کتابخانه مجلس - کتابخانه‌های دانشکده حقوق و ادبیات دانشگاه تهران - کتابخانه ملک - کتابخانه سلطنتی - و در شهرستانها:

کتابخانه آستان قدس در مشهد - کتابخانه ملی تبریز - و کتابخانه پهلوی در شیراز ...



کتابخانه سیار

تیلی جهان آرا،

بهولت حرکت میکنند و خودش سراغ اشخاص می‌رود و گنجینه کتب را در اختیارشان می‌گذارد و نیز تعداد بیشتری از مردم قادرند از این کتابخانه استفاده کنند. چون اگر بنای کتابخانه‌ای ساخته میشد تنها اهالی اطراف آن‌ها این کتابخانه مراجعه می‌کردند. از طرف دیگر معمولاً مردم زیاد از رفتن به کتابخانه‌ها خوششان نمی‌آید مخصوصاً اگر ساخته‌ای با ایست هم داشته باشد. اصلاً مثل اینکه جرئت نمیکنند با ایشان را به کتابخانه بگذارند (البته منظور در اینجا عامه مردم است). در عوض اتوبوس کتابخانه خودش به نوعی قیدی در بر دارد. مردم می‌روند و با پیش قدم آن می‌گذارند. همین آمدن اتوبوس به آن محله اتفاقی برای آنهاست. درباره آن حدتها صحبت میکنند و با بی‌حسری در انتظار بازگشت آن هستند. این خودش نشیانی بکتاب خواندین را در آنها زیاد میکند.

امروزه انواع کتابخانه‌های بسیار در ممالک مختلف جهان کنار می‌رود. در جاهای بصورت اتوبوس و در جاهای نوسبیه اسب و قاطر بسته‌های کتاب برای استفاده مردم فرستاده میشود. اتوبوس کتابخانه سیار، جدیدترین نوع توزیع کتاب در میان مردم میباشد.

در ایران برای اولین بار است که یک اتوبوس کتابخانه متنوعی بکار شده و کتب غیر درسی را برای دانش آموزان چند ناحیه تهران می‌برد. ولی قبل از آنکه رایج بوجود آمدن چنین سرویسی در ایران صحبت کنیم بهتر است منظور از اتوبوس کتابخانه درست معلوم گردد.

درون این اتوبوس قسمتهایی شده و مردم میتوانند کتب مورد نظر خود را انتخاب کرده و از کتابخانه که برای کمک با آنها در آنجاست قرض بگیرند. حسن چنین کتابخانه‌ای آنست که



بعضی قفسه‌ها قرار داده شد تا در زمستان، مراجعین درس‌ها نلرزند.

هرگاه اتوبوس سیار بمدرسه‌ای میرسد مدیران، معلمین و کودکان از ورود آن اطلاع قبلی دارند. هر کلاس با معلم خود وارد اتوبوس میشود و کتب و راکه انواع آن توسط علامتهای مشخصه معین شده انتخاب مینمایند، معلمین نیز قفسه‌ای مخصوص خود دارند که کتب مناسب برای آنان در آنجا قرار دارد. در اینجا راننده اتوبوس بکتابدار کمک میکند و پشت میز قرار گرفته کتب را می‌شمارد. کارتهای آنها را بر میدارد و کتب را تحویل آموزگار میدهد. سپس کلاس دیگری وارد میشود. در تمام این مدت امکان این هست که موزیک ملایمی برای مراجعین نواخته شود چون در کنار میز کتابدار دستگاه رادیو و گرامافون نصب گردیده است. موزیک بچه‌ها را آرام‌تر می‌سازد و روی اعصاب آنها اثر مملوایی میکند. از اول سال تحصیلی تاکنون اتوبوس سیار تقریباً به ۱۵۰۰۰ کودک دبستانی کتاب رسانیده است. تا آخر آبانماه این تعداد سه برابر خواهد شد. و چون فعلاً فقط یک اتوبوس موجود است و غیر ممکن است که در تمام شهر بگردد. در حال حاضر این سرویس اتوبوس سیار تنها برای دستانهای جنوب و شرق تهران که در آنجا کودکان از هر حیث محروم میباشد محدود گشته است. امید است در آینده تعداد بیشتری از این اتوبوسها باشد که نه تنها در دبستانها برود بلکه در شهرستانها و روستاها برای عموم اهالی کتاب حمل کند و بدینوسیله کمک کوچکی ما بسازد عظیم علیه بیسوادی بنماید.

یکی دیگر از مجامع اتوبوس کتابخانه سیار در اینست که با مردم محلات مختلف آشنا میشود و توسط آن میتوان محل مناسب برای ساختمان کتابخانه ثابت را تعیین نمود.

البته سرویس اتوبوس کتابخانه تاحدی نادر است چون هر سه یا چهار هفته یکبار میتواند یک محل باز گردد و مرتب نگهداشتن ساعات کار آن بسیار دشوار است. ممکن است هوا بد باشد و یا اتوبوس خراب شود و یا یکی از کارکنان آن مریض باشد. در بعضی موارد راهها دشوار هستند کتابدار کتابخانه سیار وقت کافی برای تماس و صحبت با مراجعین ندارد. نگهداری اتوبوس کتابخانه گران تمام میشود. اینها نواقص کار میباشد ولی نتایج خوبی که از کار انداختن کتابخانه سیار بدست میآید بی نهایت نرواقص آن می‌چرید.

در مالک خارج اتوبوسهای کتابخانه مخصوص ساخته میشود. اینها از همه لحاظ مجهز هستند (فقه‌بندی، نور، گرما و تهویه) و در ایران یک عدد اتوبوس معمولی در اختیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گذارده شد. اول تمام مندلی‌های آنرا بر داشتند و رشته‌های آن بوسیله اوراق آلومینیوم مسدود گشت. سپس دیوارهای اتوبوس قفسه‌بندی شد، طیفان این قفسه‌ها قدری انحناء دارند تا اینکه کتب در موقع حرکت اتوبوس بر روی زمین نیفتند. دو عدد هواکش در سقف اتوبوس و دیوارهای آن نیز کار گذاشته شد. در کنار در ورودی اتوبوس، میزی با کشوهای مختلف برای کتابدار قرار دادند تا بتواند رفت و آمد مراجعین را کنترل کند و کارت کتبی راکه قرض داده جمیع آوری نماید. بخاری‌های گازی در زیر

آشنایی با هنر خطی از هنرمندان برجسته سده سیزدهم میلادی

در زمینه ترین جلد کتاب آنچه بدست هنرمندان ایرانی فراهم آمده است در جهان بی همتاست

دوران طلایی :

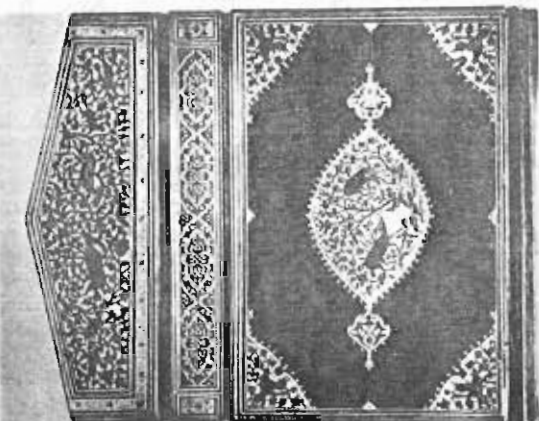
قرن هفتم و نهم هجری را میتوان دوران طلایی هنر صحافی و جلد سازی ایران بشمار آورد . در این دو قرن بر اثر حمایت پدیدریغ شاهان و شاهزادگان باذوق و هنرپرور و در سایه نبوغ هنرمندان برجسته ای که از سراسر کشور در کارگاههای هنری سلطنتی گرد آمده بودند فن صحافی و هنر ترین جلد کتاب به منتهای کمال رسید و از این رهگذر زیباترین آثار خطی و شاهکارهای خوشنویسی ، تذهیب و مینیاتور در میان جلدهایی باشکوه در این دوسده پا بر عرصه وجود نهاد و در این زمینه نفایس گرانهایی پدیدار گشت که مانند آن را در هیچیک از سده های بعد و در هیچ نقطه جهان نمیتوان یافت .

در میان این ایام طلایی ، دوران سلطنت چهل و دوساله شاهرخ میرزا فرزند هنر دوست امیر تیمور درخشندگی خاصی دارد . در هنگام فرمانرانی او هرات یکی از مراکز مهم فرهنگ و هنر ایران گردید و شاهزاده بایسنقر میرزا که در عین حال سمت وزارت پدر را نیز دارا بود سبب علاقمندی فراوانی که کتاب داشت با تأسیس کتابخانه سلطنتی هرات دوران نویی را در زمینه پیشرفت فن تجلید و صحافی ایران آغاز نمود . دورانی در درخشان و پرثمر .

هنرمندان گمنام و روش های نوین :

متأسفانه در نوشته هایی که از آن دوران بجای مانده است فقط بنام برخی از خلفاطان ، تذهیب کاران و مینیاتور سازان مکتب هرات اشاره رفت است و از نام هنرمندان صحافی و جلد ساز که بدون تردید در محیط آن روز موقیبتی ممتاز داشته اند اطلاعی نردست نیست . چرا که در بعضی از کتابها از هنرمندی بنام استاد قوام الدین که در ترین جلد کتاب مستقر به انا داشته است و بنا بدعوت بایسنقر میرزا از تبریز به هرات عزیمت نموده یاد شده است . بهر حال هنرمندان ممتازی که تا کنون ناشناخته مانده اند در طی دو قرن هشتم و نهم در هنر ترین جلد کتاب





نقوش اسلیمی :

هنرمندان این دو قرن درترین برخی از جلدها منحصر آ از خطوط هندسی و نقوش اسلیمی استفاده کرده‌اند . شکل ۳ سطح داخلی پشت جلد یکی از کتابهای خطی متعلق بکتابخانه شاهرخ میرزا را نشان می‌دهد که بوسیله یک ترنج زیبا که طرح ظریف یک صلیب را دربر گرفته است آرایش یافته است . این جلد از مقوا با پوششی از چرم قهوه‌ای ساخته شده است و برای کوسدن نقوش هندسی و اسلیمی آن ده‌ها هزار بار آزمهرهای مختلف استفاده شده است . قسمتی از نقوش این جلد طلاکوب است و اصل جلد درموزه اسلام و ترک استانبول نگهداری میشود .

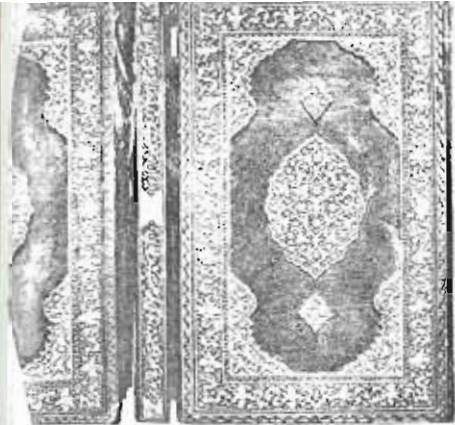
طرح‌های ترنجی :

استفاده از طرح‌های ترنجی برای ترین جلد کتاب یکی دیگر از روش‌های ترنجی هنرمندان این دوران بوده است . در این جا ترنج را در وسط قرار داده سپس در هر گوشه مستطیل جلد قسمتی از نقش ترنج وسط را تجدید می‌نموده‌اند این

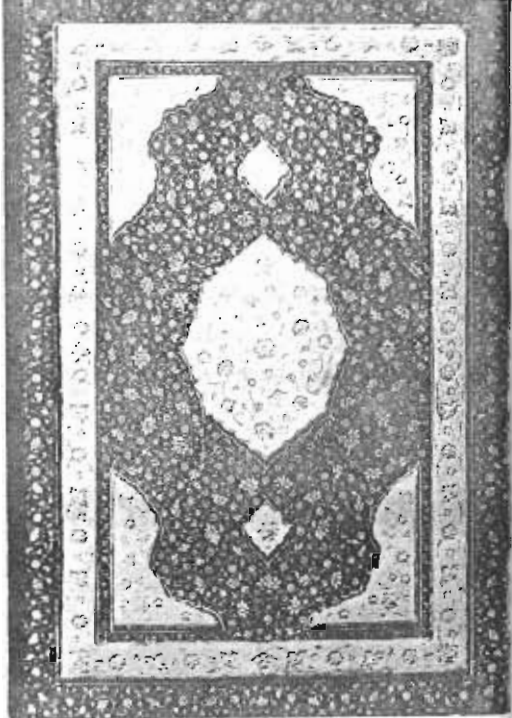
روش ترنجی بعدها توسط هنرمندان دوران صفوی مورد استفاده بیشتری قرار گرفته است . از میان جلدهایی که با این روش آرایش می‌یافته است میتوان به جلد مربوط به یک جنگ شمر که بکتابخانه شاهزاده ابراهیم سلطان حکمران حوالی فارس تعلق داشته‌است و فعلاً درموزه ترک و اسلام شهر استانبول نگهداری میشود اشاره نمود . این جلد از مقوا با پوشش چرم قهوه‌ای تیره ساخته شده‌است . تزئینات سطح خارجی پشت جلد شامل یک ترنج است که در وسط قرار گرفته و چهار ربع ترنج که در چهار گوشه مستطیل جلد نقش شده است و هر یک از ربع ترنج‌ها نقش مرضی در حال پرواز را در میان گرفته است . شکل ۵ سطح داخلی پشت همین جلد را نشان میدهد .

رنگ و روغن :

باید توجه داشت که بکار بردن نقاشی رنگ و روغن برای ترین جلد کتاب در همین دوره آغاز یافت و برای نمونه میتوان یک جلد مربوط به نسخه خطی مشنوی متعلق به موزه اسلام و ترک



۷



۶

برودری دوزی ورشه‌های ابرشم و طلا استفاده شده است .

ی‌رقیب :

نمونه‌های بالا و آثار دیگری از هنرمندان جلدساز قرن هشتم و نهم هرات و دیگر شهرهای ایران آن روز که در جریان نابسامانی‌های مختلف ازگرفتند حوادث جان سالم بدر برده است حاکی از نبوغ و خلاقه و قدرت تصویر بیکران هنرمندان ایرانی است تا آنجا که بدون تردید میتوان گفت در هنر آراستن جلد کتاب از نظر رعایت دقیق فنی و ظرافت تزئینی هرگز هنرمندان هیچ کشوری از جهان بیای هنرمندان ایرانی نرسیده‌اند .

هر مردم

شهر استانبول اشاره نمود (شکل ۶) . سطح جلد اشیا از یک ورقه گچ پوشانده شده است و آنگاه بر روی یک زمینه از رنگ و روغن سیاه تصویر صدها شکوفه زیبا را با دقت و ظرافت تمام نقش نموده‌اند .

برودری دوزی :

یکی دیگر از نمونه‌های برجسته آثار هنری هنرمندان ایران جلدساز این دوران که در (شکل ۷) ملاحظه می‌گردد یک جلد ساخته شده از چرم سیاه مربوط به دیوان شعر امیرعلی شیرینوالی وزیر سلطان حسین بایقرا است . در آرایش این جلد که اکنون در اختیار کتابخانه دانشگاه استانبول است از روش

فهرست کتابخانه‌های ایران

ردیف	نام کتابخانه	سال بنیاد	شماره کتاب خطی	شماره کتاب چاپی
۱	کتابخانه مجلس شورای ملی تاشهر بوز	۴۵ - ۱۳۰۲	۱۱۰۰۰	۷۰۰۰۰
۲	کتابخانه ملی		۱۵۰۰۰	
۳	کتابخانه ملی	۱۳۵۶ هجری قمری	۷۳۰۰۰ خطی و چاپی	
۴	کتابخانه ملی ملک		۱۰۰۰۰	۱۲۰۰۰
۵	کتابخانه مجلس سنا	۱۳۲۹	۱۵۰	۲۰۰۰۰
۶	کتابخانه شرکت ملی نفت	۱۹۵۴ م	۸۰	۲۱۰۰۰
۷	کتابخانه بهلوی	۱۳۴۴		
۸	کانون پرورش فکری نوجوانان و کودکان ۹ آبان			
۹	کانون پرورش فکری نوجوانان و کودکان شایسته			
۱۰	کانون پرورش فکری نوجوانان و کودکان کتابخانه سیار			
۱۱	کتابخانه عمومی شماره ۹ شهرداری تهران	۱۳۴۱	۵۷۰	۱۳۸۰۰
۱۲	کتابخانه عمومی شماره ۲ شهرداری تهران	۱۳۴۳	—	۸۰۲۰
۱۳	کتابخانه عمومی شماره ۳ کودکان	۱۳۴۳	—	۱۲۰۰
۱۴	کتابخانه عمومی شماره ۴ کودکان	۱۳۴۳	—	۲۱۰۰
۱۵	کتابخانه عمومی شماره ۵ شهرداری تهران	۱۳۴۴	—	۵۷۸۲
۱۶	کتابخانه عمومی شماره ۶ کودکان	۱۳۴۴	—	۱۵۷۰
۱۷	کتابخانه عمومی شماره ۷ شهرداری تهران	۱۳۴۴	—	۴۷۰۰
۱۸	کتابخانه عمومی شماره ۸ شهرداری تهران	۱۳۴۴	—	۴۴۶۵
۱۹	کتابخانه عمومی شماره ۹ شهرداری تهران	۱۳۴۴	—	۳۷۲۴
۲۰	کتابخانه عمومی شماره ۱۰ شهرداری تهران	۱۳۴۵	—	۱۵۰۰
۲۱	کتابخانه دانشکده ادبیات	۱۳۲۹	۵۶۰	۶۴۰۰
۲۲	کتابخانه دانشکده حقوق	۱۳۱۷	۶۱۷	۶۳۵۷۰
۲۳	کتابخانه دانشکده دامپزشکی	۱۳۱۱	۱	۱۶۳۰۰
۲۴	کتابخانه دانشکده فنی			
۲۵	کتابخانه دانشکده داروسازی			
۲۶	کتابخانه دانشکده معماری			
۲۷	کتابخانه دانشکده کشاورزی	۱۳۰۷	۳	۱۰۷۰۰
۲۸	کتابخانه باستانشناسی	۱۳۱۶	۳۵	۶۱۰۳
۲۹	کتابخانه آستان مقدس قم	۱۳۳۱	۲۰۰	۴۰۰۰
۳۰	کتابخانه فنی وزارت فرهنگ	۱۳۱۲	—	۸۰۰۰

ردیف	نام کتابخانه	سال بنیاد	شماره کتاب خطی	شماره کتاب چاپی
۳۱	کتابخانه ملی فارس	۱۳۲۹	۷۳۱	۱۰۱۶۱
۳۲	کتابخانه فرهنگ کرمان	۱۳۰۷	۵۰	۴۵۰۰
۳۳	کتابخانه ملی شهرداری کرمانشاه	۱۳۳۴	—	۲۰۱۰
۳۴	کتابخانه فرهنگ اصفهان	۱۳۲۳	۸۷۰	۷۵۴۸
۳۵	کتابخانه بانک مرکزی ایران	۱۳۱۷	۱۶	۱۹۹۶۳
۳۶	کتابخانه شورای فرهنگ رشت	۱۹۵۵ م	—	۱۲۰۰۰
۳۷	کتابخانه ایرام لنگر	۱۹۴۹ م	—	۱۱۴۰۳
۳۸	کتابخانه اردشیر گانگی	۱۳۱۰	۵۰	۵۰۰۰
۳۹	کتابخانه فرهنگ طهرود	۱۳۳۴	۱۰	۲۰۰۰
۴۰	کتابخانه بیمارستان نمازی شیراز	۱۳۳۲	۴	۲۰۰۰
۴۱	کتابخانه ایالات متحده در خرمشهر	۱۹۵۸ م	—	۳۸۸۹
۴۲	کتابخانه انجمن ایران و آمریکا	۱۹۵۶ م	—	۱۷۷۹
۴۳	کتابخانه آرامگاه بوعلی همدان	۱۳۳۴	۱۵	۳۲۴۹
۴۴	کتابخانه شرف‌الدین علی یزد	۱۳۳۷	۷	۳۰۰۰
۴۵	کتابخانه فرهنگ خوی	۱۳۳۴	۳	۱۹۰۰
۴۶	کتابخانه عمومی دشت مینان	۱۳۳۱	—	۱۸۷۹
۴۷	کتابخانه کرمانشاه	۱۳۳۶	—	۱۲۹۱
۴۸	کتابخانه ملی رزن	۱۳۲۴	۵	۴۰۰۰
۴۹	کتابخانه مدرسه حقیقه قم	۱۳۳۰	۹۵۰	۷۱۰۰
۵۰	کتابخانه انجمن آثار ملی کاشان	۱۳۳۸	—	۱۲۷۰
۵۱	کتابخانه عمومی نائین	۱۳۳۶	—	۱۲۰۰
۵۲	کتابخانه باشگاه مرکزی	—	—	—
۵۳	کتابخانه مسجد سلیمان	۱۳۲۰	—	۲۹۶۰
۵۴	کتابخانه کانون رگلا	۱۳۱۷	—	۳۲۵۰
۵۵	کتابخانه عمومی فرهنگ نیشابور	۱۳۳۵	—	۱۵۱۶
۵۶	کتابخانه باشگاه افسران تهران	۱۳۱۸	—	۵۴۹۲
۵۷	کتابخانه انستیتو مولاری باغی	۱۳۳۱	۳	۴۴۲۵
۵۸	کتابخانه انجمن فرهنگی	—	—	—
۵۹	کتابخانه ایران و شوروی	۱۳۲۲	—	۱۶۰۰۰
۶۰	کتابخانه وزارت امور خارجه	۱۳۱۰	۳۰۰	۱۲۰۰۰
۶۱	کتابخانه دانشگاه جنگ	۱۳۱۵	—	۶۵۰۰
۶۲	کتابخانه دانشکده پزشکی مشهد	۱۳۲۲	—	۴۶۷۶
۶۳	کتابخانه معقول و معقول تهران	۱۳۲۲	۷۹۰	۱۲۲۱۰

ردیف	نام کتابخانه	سال بنیاد	شماره کتاب خطی	شماره کتاب چاپی
۶۴	کتابخانه دانشکده افسری	۱۳۲۲	۱۲	۱۶۰۰۰
۶۵	کتابخانه دانشکده کشاورزی			
۶۶	کتابخانه کرج	۱۳۰۷	۳	۱۰۷۰۰
۶۷	کتابخانه دانشکده علوم	۱۳۲۳	—	۱۷۳۳۴
۶۸	کتابخانه دانشکده فنی آبادان	۱۳۱۸	—	۶۰۰۰
۶۹	کتابخانه مرکزی دانشگاه	۱۳۲۸	۴۹۳۰	۶۰۰۸
۷۰	کتابخانه دانشکده دندانپزشکی	۱۳۳۵	—	۳۴۷۵
۷۱	کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد	۱۳۳۴	—	۷۶۴۱
۷۲	کتابخانه دانشسرای عالی	۱۳۳۶	—	۴۷۰۰۰
۷۳	کتابخانه دانشکده ادبیات اصفهان	—	—	—
۷۴	کتابخانه انستیتو ایران و فرانسه	۱۹۴۶ م	—	۱۴۰۰۰
۷۵	کتابخانه شهرداری اصفهان	—	—	—
۷۶	کتابخانه شرکت ملی نفت	—	—	—
۷۷	کتابخانه وزارت اطلاعات	—	—	—
۷۸	تالار آینه وزارت آموزش و پرورش	—	—	—

فهرست کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌های وزارت آموزش و پرورش

۷۹	کتابخانه رازی تهران	۹۲	کتابخانه فرهنگ دزفول
۸۰	کتابخانه شرق تهران تهران	۹۳	کتابخانه فرهنگ پارس شیراز
۸۱	کتابخانه فرهنگ زنجان	۹۴	کتابخانه فرهنگ داراب
۸۲	کتابخانه فرهنگ کاشان	۹۵	کتابخانه فرهنگ کرمان
۸۳	کتابخانه فرهنگ بندر بوشهر	۹۶	کتابخانه فرهنگ رفسنجان
۸۴	کتابخانه فرهنگ بابل	۹۷	کتابخانه فرهنگ بهروز آباد تهران
۸۵	کتابخانه فرهنگ گنبد قابوس	۹۸	کتابخانه فرهنگ عمومی شایسته
۸۶	کتابخانه فرهنگ اردبیل	۹۹	کتابخانه فرهنگ فیروزکوه
۸۷	کتابخانه فرهنگ اسیکو	۱۰۰	کتابخانه فرهنگ لشت نشاء
۸۸	کتابخانه فرهنگ مرند	۱۰۱	کتابخانه فرهنگ ارواک
۸۹	کتابخانه فرهنگ سنکین شهر	۱۰۲	کتابخانه فرهنگ خوی
۹۰	کتابخانه فرهنگ ماکو	۱۰۳	کتابخانه فرهنگ کرمانشاه
۹۱	کتابخانه فرهنگ اهواز	۱۰۴	کتابخانه فرهنگ خرمشهر

ردیف	نام کتابخانه	سال بنیاد	شماره کتاب خطی	شماره کتاب چاپی
۱۰۵	کتابخانه فرهنگ رامهرمز	۱۳۸	کتابخانه فرهنگ شهرضا	
۱۰۶	کتابخانه فرهنگ بهبهان	۱۳۹	کتابخانه فرهنگ فرخی تهران	
۱۰۷	کتابخانه فرهنگ آباد	۱۴۰	کتابخانه فرهنگ حشمتیه	
۱۰۸	کتابخانه فرهنگ سیرجان	۱۴۱	کتابخانه فرهنگ شوش	
۱۰۹	کتابخانه فرهنگ سبزوار	۱۴۲	کتابخانه فرهنگ جنب امامزاده یحیی تهران	
۱۱۰	کتابخانه فرهنگ نیشابور	۱۴۳	کتابخانه فرهنگ محلات	
۱۱۱	کتابخانه فرهنگ بجنورد	۱۴۴	کتابخانه فرهنگ رشت	
۱۱۲	کتابخانه فرهنگ شهرکرد	۱۴۵	کتابخانه فرهنگ ساری	
۱۱۳	کتابخانه فرهنگ نائین	۱۴۶	کتابخانه فرهنگ گرگان	
۱۱۴	کتابخانه فرهنگ سراوان	۱۴۷	کتابخانه فرهنگ آذرشهر	
۱۱۵	کتابخانه فرهنگ سنندج	۱۴۸	کتابخانه فرهنگ زاهدان	
۱۱۶	کتابخانه فرهنگ همدان	۱۴۹	کتابخانه فرهنگ چابهار	
۱۱۷	کتابخانه فرهنگ نهاوند	۱۵۰	کتابخانه فرهنگ بندرعباس	
۱۱۸	کتابخانه فرهنگ یزد	۱۵۱	کتابخانه فرهنگ ملایر	
۱۱۹	کتابخانه فرهنگ فومنات	۱۵۲	کتابخانه فرهنگ سمنان	
۱۲۰	کتابخانه فرهنگ لارستان	۱۵۳	کتابخانه فرهنگ وزیری یزد	
۱۲۱	کتابخانه فرهنگ ماهان	۱۵۴	کتابخانه فرهنگ بیرجند	
۱۲۲	کتابخانه فرهنگ شهسوار	۱۵۵	کتابخانه فرهنگ اوقاف دامغان	
۱۲۳	کتابخانه فرهنگ گرمسار	۱۵۶	کتابخانه فرهنگ طوالش	
۱۲۴	کتابخانه فرهنگ قزوین	۱۵۷	کتابخانه فرهنگ سنجش بیدخت گناباد	
۱۲۵	کتابخانه فرهنگ آمل	۱۵۸	کتابخانه فرهنگ سرشت	
۱۲۶	کتابخانه فرهنگ بیلوی آستارا	۱۵۹	کتابخانه فرهنگ ایرانشهر	
۱۲۷	کتابخانه فرهنگ سراب	۱۶۰	کتابخانه فرهنگ قزوین	
۱۲۸	کتابخانه فرهنگ اهر	۱۶۱	کتابخانه فرهنگ بندرلنگه	
۱۲۹	کتابخانه فرهنگ رضائیه	۱۶۲	کتابخانه فرهنگ نویسرگان	
۱۳۰	کتابخانه فرهنگ شاهرود	۱۶۳	کتابخانه فرهنگ شاهرود	
۱۳۱	کتابخانه فرهنگ آبادان	۱۶۴	کتابخانه فرهنگ بروجرد	
۱۳۲	کتابخانه فرهنگ نشت میشان	۱۶۵	کتابخانه فرهنگ سقز	
۱۳۳	کتابخانه فرهنگ نیریز	۱۶۶	کتابخانه فرهنگ لاهیجان	
۱۳۴	کتابخانه فرهنگ بوم	۱۶۷	کتابخانه فرهنگ رزن همدان	
۱۳۵	کتابخانه فرهنگ مشهد	۱۶۸	کتابخانه فرهنگ دبیرستان نظام تهران	
۱۳۶	کتابخانه فرهنگ قوچان	۱۶۹	کتابخانه فرهنگ عمومی تربیت جدیدیه	
۱۳۷	کتابخانه فرهنگ کاشمر	۱۷۰	کتابخانه ملی تربیت در تبریز	